

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دوفصلنامه

یافته‌های علوم قرآنی

سال دوم • شماره سوم • بهار و تابستان ۱۴۰۱

صاحب امتیاز: دانشگاه بین‌المللی المصطفی (ص) - افغانستان

مدیر مسئول: دکتر سید عبدالحمید ثابت

سرمدیر: دکتر سید عزت‌الله احمدی

دبیر اجرایی: علی‌شاه فایق

ویراستار: محمدعلی نظری

طراح جلد و صفحه‌آرا: سید مهدی موسوی

هیئت تحریریه: دکتر احمد ذبیح افشاگر، دکتر سرور حسینی، دکتر سید عزت‌الله احمدی، دکتر سید محمد

عالمی، دکتر محمد نبی امینی، دکتر مصطفی احسانی، محمد کریم امیری.

• دوفصلنامه «یافته‌های علوم قرآنی»، مقالات صاحب‌نظران، پژوهشگران و

دانش‌پژوهان حوزه علوم قرآن را برای نشر می‌پذیرد.

• مقالات، آرای نویسندگان آن‌ها است و لزوماً بیانگر دیدگاه نشریه «یافته‌های علوم

قرآنی» نمی‌باشد.

آدرس: کابل، دهبوری، چهارراهی شهید، دانشگاه بین‌المللی المصطفی (ص)، آمریت نشرات.

تلفن: ۰۷۸۹۰۱۷۸۱۵

آدرس سامانه: <http://qs.miu.edu.af>

ایمیل: qs.chiefeditor@miu.edu.af

قیمت: ۱۵۰ افغانی

شیوه نامه تنظیم مقاله علمی

ویژگی های مقاله علمی

۱. مقاله علمی دارای چکیده، کلیدواژه، مقدمه، ارجاع دهی، نتیجه گیری و منابع معتبر است.
۲. مقاله علمی باید روشمند، مستند، تحلیلی، برخوردار از ساختار منطقی دارای انسجام محتوا و قلم روان باشد.
۳. فایل مقاله در قالب «word» ارائه گردد و حجم آن کمتر از ۴۰۰۰ کلمه و بیشتر از ۷۰۰۰ کلمه نباشد.

راهنمای تنظیم شکلی مقاله علمی

۴. قلم و فونت مقالات ارسالی باید از شیوه زیر تبعیت کند:
 ۵. عنوان مقاله: با فونت B Nazanin 16 و بولد (پررنگ) (Heading 1) با این فونت تعریف شود، مؤلف یا مؤلفان با فونت B Nazanin 12 پررنگ (Heading 3) با این فونت تعریف شود.
 - در پاورقی همان صفحه اول این اطلاعات باید ذکر شود: عنوان و وظیفه مؤلف اول با ذکر وابستگی به دانشگاه محل تحصیل یا محل کار، شماره تماس و ایمیل (B Nazanin 10).
 - اگر مقاله دو مؤلف یا بیشتر دارد: عنوان و وظیفه مؤلف دوم با ذکر وابستگی به دانشگاه محل تحصیل یا محل کار، شماره تماس و ایمیل.
 ۶. در متن اصلی تیترها و عناوین با فونت های زیر مشخص گردد:
- ✓ تیتر اصلی با فونت B Nazanin 14 و بولد (پررنگ) (Heading 2) با این فونت تعریف شود
 - ✓ تیتر فرعی با فونت B Nazanin 12 و بولد (پررنگ) (Heading 3) با این فونت تعریف شود
 - ✓ متن مقاله با فونت B Nazanin 13 معمولی تایپ شده باشد. (Normal) با این فونت تعریف شود

راهنمای تنظیم ساختاری مقاله علمی

۷. چکیده: عنوان چکیده با فونت B Nazanin 11 پررنگ. متن چکیده بین ۲۵۰ تا ۳۰۰ کلمه و با فونت B Nazanin 11 معمولی. چکیده باید موضوع و هدف مقاله را به اختصار بیان کند، به روش و مهمترین یافته های تحقیق اشاره کند. در چکیده باید از جملات کامل خبری با افعال سوم شخص معلوم در زمان گذشته استفاده شود. از علائم اختصاری پرهیز شود. ذکر سابقه و اهمیت موضوع در این قسمت لازم نیست.
۸. واژگان کلیدی: حداقل ۵ و حداکثر ۷ واژه که به صورت ایتالیک (مورب) نوشته و با کامه از هم جدا شده باشند و در یک خط قرار گیرند. واژگان کلیدی باید با فونت (B Nazanin 10) ایتالیک باشند.
۹. مقدمه: به ترتیب به بیان مسئله، سوال ها (و در مواردی به فرضیه)، پیشینه، ضرورت، هدف و ارائه تصویر کلی از ساختار مقاله، می پردازد.
۱۰. بدنه مقاله: متنی است، دارای ساختار منطقی و متشکل از عناوین اصلی و فرعی و برخوردار از انسجام محتوایی که در آن، مدعا، استدلال، شواهد، تحلیل، استنتاج و مانند آن، آورده می شوند.
۱۱. نتیجه گیری: نتیجه متنی است که به دستاوردهای تحقیق که عبارتند از پاسخ به سوال های اصلی و فرعی و وضعیت فرضیه که اثبات یا رد گردیده، به صورت مختصر و به دور از عبارت پردازی، آورده می شود.
۱۲. ارجاع دهی در متن باید به صورت داخل متنی به شیوه APA باشد (مثال: توحیدی، ۱۴۰۰، ص. ۵۴).
۱۳. منابع و مآخذ در پایان مقاله به شیوه APA ذکر شوند (مثال: توحیدی، محمدعلی (۱۴۰۰). تاریخ اسلام (۱). کابل: انتشارات المصطفی (ص)).

فهرست

- سخن سردبیر ۱
- فعالیت‌های سیاسی اجتماعی زنان از نظر آموزه‌های دینی ۳
رشیده شهیدی
محمدعلی توحیدی
- مسئله‌شناسی مطالعات سیاسی قرآن کریم (شناسایی مسائل سیاسی
طرح‌شده در تک‌نگاشت‌ها) ۲۳
عبدالعلی حسنی
- تفسیر آیات ربا از منظر مفسران فریقین ۵۹
محمدحفیظ معنوی
- بررسی ویژگی‌های فرهنگ جاهلیت عرب از منظر آیات و روایات ۷۹
محمدعمر قاری‌زاده

سخن سردبیر

پژوهش، تلاشی است خردورزانه که با شناخت ضرورت‌ها و اولویت‌های تحقیقی، مطابق نیازمندی‌های روز و ضرورت‌های زمانه، در عرصه‌های گوناگون علمی انجام می‌پذیرد. ژرف‌کاوی و پژوهش در آموزه‌های دینی به خصوص قرآن کریم جویندگان این عرصه را در برابر اقیانوس بیکران از علوم و معارف اسلامی قرار می‌دهد که به هراندازه در آن بیشتر غور و تعمق نمایند روزنه‌های جدیدی از معارف قرآنی پرتوافشانی می‌کند. از همین روی کاوش‌های قرآنی و حدیثی، همواره از تازگی، بداعت و جذابیت خاصی برخوردارند.

در این نشریه، هدف آن است تا در کنار بسط و گسترش معارف قرآنی و حدیثی، نگرش ژرف و عمیق به آموزه‌های قرآنی و حدیثی ایجاد شود که از رهگذر آن بتوان آیات قرآن را به استنتاج درآورده و معارف نو و همپای نیازمندی‌های علمی به‌روز را از آن‌ها استخراج کرد؛ بر همین اساس اختصاص یافتن این شماره از دوفصلنامه یافته‌های علوم قرآنی به موضوعات م «مسئله‌شناسی مطالعات سیاسی قرآن کریم»، «تفسیر آیات ربا از منظر مفسران فریقین»، «بررسی ویژگی‌های فرهنگ جاهلیت عرب از منظر آیات و روایات» و «فعالیت‌های سیاسی اجتماعی زنان از نظر آموزه‌های دینی»، علاقه‌مندان به معارف قرآنی و حدیثی را در این مانده نورانی دعوت نموده است، به امید آنکه توانسته باشد هم وظیفه خویش را انجام داده و هم توجه خوانندگان خویش را جلب کرده باشد. از همه نویسندگانی که در این شماره یار و مددکار ما در جهت رهسپاری این مجلد به زیور طبع بوده‌اند صمیمانه تقدیر و تشکر می‌شود و برای ادامه راه نیز امید یاری از نویسندگان پژوهشگران و قلم به‌دستان داریم.

فعالیت‌های سیاسی اجتماعی زنان از نظر آموزه‌های دینی

رشیده شهیدی^۱

محمدعلی توحیدی^۲

چکیده

جایگاه سیاسی اجتماعی زنان به عنوان نیمی از جامعه انسانی در طول تاریخ، فراز و نشیب‌های زیادی را تجربه کرده است؛ به گونه‌ای که در برخی دوره‌های تاریخی با زن‌سالاری و در برخی دیگر، با مردسالاری مواجه هستیم. به تبع جایگاه سیاسی اجتماعی زنان، فعالیت‌های سیاسی اجتماعی آنان نیز با فراز و فرود مواجه بوده و نگرش‌های گوناگونی در این زمینه شکل گرفته است. دین اسلام در سه بخش اعتقادات، اخلاق و فقه و حقوق، حیات فردی و اجتماعی انسان را مورد توجه قرار داده و درباره آن، به وضع «بایدها و نبایدها» پرداخته است. درباره فعالیت‌های سیاسی اجتماعی زنان نیز دیدگاه خاصی دارد که از مطالعه و بررسی آموزه‌های این دین و آثار و اندیشه‌های دانشمندان مسلمان، قابل دستیابی است. بر پایه یافته‌های این تحقیق که با روش تحلیلی توصیفی در اسناد و مدارک کتابخانه‌ای انجام شده است، درباره فعالیت‌های سیاسی اجتماعی زنان، به طور کلی سه دیدگاه را می‌توان رصد کرد: ۱) دیدگاه افراط‌گرا و تشابه‌محور؛ ۲) دیدگاه تقریبی و سخت‌گیرانه؛ ۳) دیدگاه اعتدالی و تفاوت‌نگر. از میان سه دیدگاه یادشده، آنچه که معقول و منطقی به نظر می‌رسد و با آموزه‌های دین اسلام، از انطباق بیشتری برخوردار است، دیدگاه اعتدالی و تفاوت‌نگر می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: زنان، فعالیت‌های اجتماعی، سیاسی، آموزه‌های دین.

۱. ماستری، تفسیر و علوم قرآن، دانشگاه بین المللی المصطفی (ص) - افغانستان، کابل

۲. دکتری، فقه و معارف با گرایش تاریخ، مدرسه عالی فقه و معارف، جامعه المصطفی (ص) - العالمیه، ایران، قم

مقدمه

زنان به‌عنوان نیمی از جامعه انسانی در طول تاریخ، دوشادوش مردان در فعالیت‌های گوناگون سهیم بوده‌اند و اساساً بدون وجود زنان، جامعه انسانی شکل نمی‌گرفت و تمدن بشری به وجود نمی‌آمد. بعد از شکل‌گیری نهاد دین در میان بشریت، علاوه بر کارکردهای روحی و معنوی، برای آن‌ها نقش فرهنگ‌سازی نیز داشت. با نزول ادیان آسمانی و به‌خصوص دین اسلام، می‌بایست رفتار و فعالیت‌های انسان در عرصه‌های فردی و اجتماعی، در چارچوب مقررات و آیین‌های دینی تنظیم گردد. با توجه به خصوصیات جسمی و روحی زنان، رفتار و فعالیت‌های آنان، موردتوجه خاص قوانین و آموزه‌های دینی قرار گرفته است. در این میان، پرسش اساسی این است که فعالیت سیاسی و اجتماعی زنان از نظر آموزه‌های دین اسلام در چه شرایطی قرار دارد؛ آیا زنان می‌توانند متصدی هر نوع فعالیت سیاسی و اجتماعی باشند، یا محدودیت‌هایی در این زمینه، وجود دارند. در حوزه‌های علوم اسلامی و انسانی، مطالعات زیادی درباره زنان انجام شده و پژوهش‌های سترگی شکل گرفته که هرکدام به بخشی از مباحث زنان پرداخته است. اندیشمندان مسلمان به خاطر مواجهه با فرهنگ لیبرالیسم که نگرش تشابه‌محور درباره مرد و زن دارد و تفاوتی میان این دو جنس قائل نیست، به بحث زنان توجه نموده‌اند و در رویارویی با دیدگاه لیبرالیسم درباره حضور زنان در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، دیدگاه متفاوتی را ارائه نموده‌اند.

ضرورت پرداختن به مباحث زنان و حضور یا عدم حضورشان در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، به این نکته برمی‌گردد که زنان نیمی از جامعه انسانی را تشکیل می‌دهند و زنان مسلمان باید در چارچوب آموزه‌های دینی، تکالیفشان را نسبت به حضور یا عدم حضور در عرصه‌های سیاسی اجتماعی بدانند، مقاله حاضر بر پایه این ضرورت، درصدد آن است که فعالیت‌های سیاسی اجتماعی زنان را از منظر آموزه‌های دینی بررسی کند؛ کاری که برپایه جستجوی نگارنده، حداقل در کشور افغانستان به آن پرداخته نشده است.

برای دستیابی به پاسخ پرسش مطرح‌شده در بیان مسئله، به بیان و بررسی چهار نکته پرداخته شده است: (۱) سابقه فعالیت‌های سیاسی اجتماعی زنان در جامعه انسانی؛ (۲) تفاوت‌ها و تشابهات دو جنس مرد و زن؛ (۳) دیدگاه‌های مطرح‌شده از جانب دانشمندان مسلمان درباره فعالیت‌های سیاسی اجتماعی زنان؛ (۴) تشخیص و تعیین دیدگاه منتخب درباره فعالیت سیاسی اجتماعی زنان

از نظر آموزه‌های دینی و ۵) نتیجه‌گیری.

۱. پیشینه‌ی تاریخی فعالیت‌های سیاسی اجتماعی زنان

سابقه و پیشینه تاریخی فعالیت سیاسی اجتماعی زنان به دوره‌های اولیه حیات بشر در روی کره خاکی برمی‌گردد که می‌توان آن را تا امروز به سه دوره تقسیم کرد: ۱) دوره ابتدایی و اولیه (شکار و بوستان‌کاری)؛ ۲) دوره کشاورزی؛ ۳) دوره صنعتی.

۱-۱. دوره ابتدایی و اولیه

در دوره ابتدایی حیات بشر که شیوه تأمین معاش، شکار و گردآوری خوراک بود، نوعی تقسیم‌کار ساده بر اساس جنسیت وجود داشت. مردان به شکار حیوانات می‌پرداختند و زنان به گردآوری سبزیجات و دانه‌های گیاهی مشغول بودند. البته در این مرحله، زنان نیز گاهی به شکار حیوانات کوچک می‌پرداختند و در اهلی کردن حیوانات نیز فعالیت داشتند. در این دوره، زنان نسبت به مردان از جایگاه بالاتر برخوردار بودند (میشل، ۱۳۷۳، ص ۱۹) و روابط زن و مرد با یکدیگر، بر پایه انصاف، مساوات‌خواهی نسبی و تقسیم وظایف و تکالیف قرار داشت (ستاری، ۱۳۷۳، ص ۸).

در این دوره، به دلیل اینکه زنان در هم‌بستگی نسل‌ها نقش بیشتری بر عهده داشتند و تنها نقش آن‌ها در تولیدمثل شناخته شده بود، از جایگاه بالا و موقعیت ممتازی برخوردار گردیدند (میشل، ۱۳۷۳، ص ۲۲). جایگاه مادران به مرور زمان، ترقی کرد و احترام آن‌ها فراگیر شد و در نتیجه، «مادرسالاری» در جوامع انسانی شکل گرفت (علویقی، ۱۳۵۷، ص ۱۶). در جامعه مادرسالار، منابع کمیاب (قدرت، منزلت و ثروت) در اختیار زنان قرار داشت و بالاترین افتخارات مربوط به مادران بود؛ طوایف و قبایل به مادران منسوب می‌شدند، زیرا فرزندان تنها مادران را می‌شناختند و نسبت «ابوت» هنوز شناخته شده نبود (کازدان و دیگران، ۱۳۵۳، ج ۱، ص ۶۵).

هنگامی که دوره نوسنگی فرا رسید و ابزار سنگی پیشرفته به دست بشر ساخته شد و دوره بوستانکاری آغاز گردید، زنان در موقعیت و جایگاه بالاتر و مهم‌تری قرار گرفتند؛ زیرا در این دوره، بسیاری از ابداعات و اختراعات جدید همانند ساخت ظروف بزرگ جهت نگهداری غلات و حبوبات، ظروف سفالی، صنایع نخ‌ریسی و بافندگی، به دست زنان شکل گرفت و حتی کشاورزی توسط زنان کشف گردید (میشل، ۱۳۷۳، ص ۲۴).

۱-۲. دوره کشاورزی

هرچند در ابتدا این زنان بودند که کشاورزی و زراعت را کشف کردند و آن را آغاز نمودند ولی با کشف منابع جدید انرژی از قبیل قدرت گاو، باد و آب و هم‌چنین شناخت خصوصیات فیزیکی فلزات، به تدریج از قدرت زنان کاسته شد و مردان توانستند در کشاورزی جانشین زنان گردند و پس از شیوع یکجانشینی و پیدایش شهرها و انباشت سرمایه‌ها، جوامعی شکل گرفتند که بنای آن‌ها بر پایه اختلاف طبقاتی و نظام بردگی بود و در این نوع جوامع، زنان موقعیت و جایگاه گذشته خود را از دست دادند (میشل، ۱۳۷۳، ۲۹-۳۰).

به عبارت دیگر، با رواج کشاورزی و دامداری و استفاده از ابزار فلزی، مردان به دلیل برخورداری از قدرت و توان بدنی بالاتر، توانستند زنان را به حاشیه برانند و فعالیت ایشان را در کارهای کم‌اهمیت خانگی منحصر سازند. با وقوع این تحول، دوره جدیدی در روابط زن و مرد آغاز گردید که در آن، مردان جایگاه برتر را اشغال کردند و دوران «پدرسالاری» آغاز شد (ستاری، ۱۳۷۳، ص ۸). در این دوره، زنان تحت اختیار و استیلاي مردان درآمدند و حکم کالایی را پیدا کردند که توسط مردان خرید و فروش می‌شدند (ویل دورانت، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۴۳).

۱-۳. دوره صنعتی

در دوره صنعتی، جنبش‌های اجتماعی در دفاع از حقوق زنان شکل گرفت و وضعیت زنان رو به بهبودی نهاد. در قرن ۱۸ میلادی، انقلاب صنعتی در اروپا به وقوع پیوست و موجب انتقال از اقتصاد فئودالی به اقتصاد صنعتی گردید. این تحول، باعث شکل‌گیری تغییرات عمیقی در تمام شئون جوامع غربی گردید و یکی از تغییرات، وقوع تحول در عرصه کار و فعالیت زنان بود و ایجاد کارخانه‌های صنعتی، زنان را از خانه‌ها بیرون کشید و روانه کارگاه‌ها و کارخانه‌ها ساخت. کار در کارخانه‌ها تا حدودی موجب تمویل و استقلال مالی زنان گردید که خود در بهبود وضعیت حقوقی و اجتماعی زنان بی‌تأثیر نبود. در قرن ۱۹ میلادی، جنبش‌های اجتماعی زنان در غرب شکل گرفت که هدف آن‌ها در وهله نخست، کسب بعضی حقوق و اختیارات قانونی برای زنان بود؛ حقوقی همانند: حق رأی دادن، حق اشتغال در سازمان‌های عمومی، حق مالکیت و حق ورود به دانشگاه‌ها.

زنان در غرب با ادامه جنبش‌های اجتماعی، به بسیاری از خواسته‌های اولیه خود دست یافتند

و روند ورود زنان به بازار کار و فعالیت‌های اجتماعی رو به افزایش نهاد. از نظر فعالیت‌های سیاسی، در برخی از کشورها، شرکت زنان در انتخابات به‌عنوان مشارکت در امور سیاسی چنین ذکر شده است: اولین بار در ۱۸۹۳ م، در نیوزلند، حق رأی، برای زنان رسمیت یافت. استرالیا، در ۱۹۰۲، حق شرکت زنان در انتخابات را، برای زنانی اروپایی تبار تصویب کرد. در سوئد، جنبش دفاع از حقوق زن، در سال ۱۹۱۸ به ثمر نشست و بانوان اجازه شرکت در انتخابات یافتند. در مهروموم‌های ۱۹۰۷ و ۱۹۱۵، زنان «دانمارک» و «نروژ» به دیگر زنان غربی در حق رأی دادن ملحق شدند. آمریکا در ۱۹۲۰ حق رأی دادن زنان را، در قانون اساسی تدوین نمود (مجله زن روز، شماره ۲۷، ص ۳۰).

۲. تشابهات و تفاوت‌های زن و مرد

یکی از مباحث مهم در مسئله حقوق سیاسی و اجتماعی زنان و فعالیت‌های آن‌ها در این عرصه‌ها، اشتراکات و تفاوت‌های مردان و زنان است. این سؤال به‌طور جدی مطرح است که آیا تفاوت‌های جسمی و روانی، میان زن و مرد وجود دارد یا اینکه زن و مرد از هر حیث باهم مساوی هستند؟ در صورت مثبت بودن پاسخ و پذیرش وجود تفاوت میان زن و مرد، آن دو، از نظر حقوقی و تصدی نقش‌های گوناگون در جامعه نیز متفاوت خواهد بود.

۲-۱. اشتراکات و تشابهات زن و مرد

زن و مرد، اگرچه تفاوت‌هایی باهم دارند؛ اما از اشتراکات زیادی نیز برخوردارند که موارد ذیل را می‌توان به‌عنوان برخی از اشتراکات و تشابهات آنان، ذکر کرد:

الف) اشتراک در ماهیت انسانی: در ماهیت و حقیقت انسانی، زن و مرد باهم مشترک هستند. از دلایل اشتراک زن و مرد در ماهیت انسانی، مشاهده آثار همگون در آن دو است. وحدت آثار حاکی از اشتراک ماهوی آنان است و وجود آثار یکسان، وحدت نوعی دو صنف را ثابت می‌کند؛ چنانکه در بعد جسمانی و رشد تدریجی نیز پیدایش هردو از دوران جنینی آغاز می‌شود و با رشد بیرون از رحم در مراحل کودکی، نوجوانی، جوانی، میان‌سالی و کهن‌سالی ادامه می‌یابد. سخن گفتن، شنیدن، گریستن، خندیدن، تغذیه، خواب، کار، تولیدمثل، بیماری، مرگ و...، آثار جسمانی یکسانی است که در زن و مرد دیده می‌شود و نیز تفکر،

دوستی، دشمنی، مدنیت و مشارکت در جامعه، اراده، ایمان، فداکاری در راه هدف، هنر و علم، میل به پرستش و آثار روانی دیگری که در هردو صنف وجود دارد. این آثار مشترک، دلیل بر منشأ واحدی در وجود زن و مرد است که همان گوهر انسانی است.

از نظر قرآن کریم نیز، گوهر زن و مرد یکی است و هردو از جنس واحد آفریده شده‌اند. چنانکه فرموده است: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً» (نساء، آیه ۱)؛ ای مردم، بترسید از پروردگارتان، آنکه شما را از یک تن بیافرید و از آن یک تن همسر او را و از آن دو، مردان و زنان بسیار پدید آورد.

ب) اشتراک در کرامت انسانی: در مقام ارزش‌گذاری زن و مرد، وحدتِ «نوع» اقتضا دارد که بین آنها، در کرامت انسانی، هیچ تفاوتی نباشد. کرامت انسانی دو نوع است؛ ذاتی و اکتسابی. از نظر قرآن کریم، کرامت ذاتی، مخصوص انسان است و تفاوتی میان زن و مرد وجود ندارد (اسراء، آیه ۷۰). در کرامت اکتسابی نیز مسئله جنسیت ملاک نیست، بلکه معیار ارزشیابی در آن، تقوا و پارسایی است که میان زن و مرد مشترک است (ای مردم! ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را تیره‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید. (این‌ها ملاک امتیاز نیست) گرامی‌ترین شما نزد خداوند، باتقواترین شماست (حجرات، آیه ۱۳).

ج) اشتراک در اعتقادات و باورها: مرد و زن، بدون دخالت جنسیت، در باورها و اعتقادات مشترک هستند؛ خطابات قرآن کریم متوجه هردو جنس است؛ «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ...» (توبه، ۷۱)؛ مردان و زنان مؤمن یاور و دوستدار یکدیگرند. در گروه مخالف نیز هردو جنس حضور دارند: «الْمُنَافِقُونَ وَالْمُنَافِقَاتُ بَعْضُهُمْ مِنْ بَعْضٍ»؛ (توبه، ۶۷) مردان و زنان منافق، هماهنگ و طرفدار یکدیگرند.

د) اشتراک در تکالیف: زن و مرد به اقتضای یگانگی گوهر انسانی، در بسیاری از تکالیف و مسئولیت‌ها اشتراک دارند و خطابات دینی در امر تکالیف، متوجه هردو است. مثلاً؛ در آیه ۱۸۳ سوره بقره، روزه بر مرد و زن مسلمان واجب شده است؛ در آیات ۳۰ و ۳۱ سوره نور، هم مردان و هم زنان به رعایت عفت و پاک‌دامنی مکلف گردیده‌اند.

ه) اشتراک در تکامل: جنسیت برای رسیدن انسان به کمال، تأثیرگذار نیست و مرد و زن هردو می‌توانند در اثر بندگی خداوند متعال و انجام عمل صالح، راه تکامل را پیمایند و به منزلگاه

قرب الهی نائل آیند. چراکه از نظر قرآن کریم، هدف آفرینش انسان، برای مرد و زن یکسان مدنظر قرار گرفته و آن، عبادت و بندگی خداوند است: «و ما خلقت الجن و الانس الا ليعبدون» (ذاریات، آیه ۵۶). در آیه ۳۵ سوره احزاب نیز، صفات و درجات معنوی برای هردو جنس مرد و زن ذکر گردیده است.

و) اشتراک در پاداش و کیفر: از منظر اسلام، زن و مرد در کیفر و پاداش مساوی هستند و هر کس از مردان و زنان اعمال خوب و شایسته انجام دهد، پاداش می‌گیرد و هرکس مرتکب گناه و اعمال بد گردد، کیفر می‌بیند (نحل، آیه ۹۷).

۲-۲. تفاوت‌های زن و مرد

به‌طورکلی، میان زن و مرد با دودسته تفاوت‌ها مواجه هستیم؛ دسته اول، تفاوت‌هایی هستند که خاستگاه محیطی داشته و حاصل تربیت اجتماعی می‌باشند و به ویژگی‌های فرهنگی هر جامعه ارتباط پیدا می‌کنند. به همین دلیل، در اعصار گوناگون، متفاوت و متغیرند. دسته دوم، تفاوت‌هایی هستند که خاستگاه طبیعی داشته و تفاوت‌هایی ذاتی می‌باشند و به این نوع تفاوت‌ها، تفاوت‌های «تکوینی» نیز گفته می‌شود. به همین خاطر، با مرور ایام، دچار تغییر و تحول نمی‌گردند و گذشت زمان خللی در آن‌ها ایجاد نمی‌کند.

۲-۲-۱. تفاوت‌های طبیعی و تکوینی

تفاوت‌های طبیعی و تکوینی نیز به دودسته قابل تقسیم هستند: تفاوت‌های جسمی و تفاوت‌های روحی و روانی. ابتدا برخی از تفاوت‌های جسمی موردبررسی قرار می‌گیرد و پس از آن، به بیان تفاوت‌های روانی پرداخته خواهد شد.

الف) تفاوت‌های جسمی و فیزیکی: تفاوت‌های جسمی میان زن و مرد، از کروموزوم‌های تشکیل‌دهنده نطفه هر دو جنس آغاز می‌شود که نطفه پسر با کروموزوم XY و نطفه دختر با کروموزوم XX شکل می‌گیرد (اتکینسون و دیگران، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۶۷۸-۶۷۹).

بارزترین تفاوت جسمی میان زن و مرد، به دستگاه تولیدمثل برمی‌گردد که در عین متفاوت بودن ساختمان آن در زن و مرد، نحوه عملکرد و شیوه کار آن نیز در هردو جنس، متفاوت است. مردان تقریباً تا آخر عمر توان باروری و فعالیت جنسی دارند ولی زنا در دوران قاعدگی که مخصوص

ایشان است و همچنین در دوران بارداری و بعد از پنجاه‌سالگی، توان باروری خود را از دست می‌دهند (مصباح یزدی، ۱۳۸۸، ص ۲۱۶).

تفاوت جسمی دیگر میان مرد و زن، به میزان تولید هورمون‌ها و وجود هورمون‌های متفاوت در هردو جنس، مربوط می‌شود؛ در مردان، هورمون «تستوسترون» بیشتر تولید می‌گردد که موجب ایجاد صفات مردانه می‌شود و این هورمون در زنان کم‌تر تولید می‌گردد و کاهش تستوسترون، سبب ایجاد صفات زنانه در زنان است (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۲، ص ۷۴). یکی از ویژگی‌های هورمون تستوسترون، تولید «پروتئین» است و از آنجاکه در مردان، هورمون تستوسترون بیشتر تولید می‌گردد، پروتئین بیشتر نصیب مردان می‌شود و این نکته، دلیل شکل‌گیری ماهیچه‌ها و عضلات قوی‌تر و استخوان‌های محکم‌تر در مردان است (لطف‌آبادی، ۱۳۹۵، ص ۶۸) اما در زنان هورمون «استروژن» زیاد تولید می‌گردد که آرامش‌بخش است و موجب زیبایی اندام و لطافت و نرمی پوست و انعطاف‌پذیری بدن می‌شود (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۲، ص ۸۳) هورمون دیگری که به زنان اختصاص دارد، «پروژسترون» است. این هورمون در آرامش بخشی و پیدایش احساس‌های عاطفی نقش دارد و ترشح هورمون «پرولاکتین» در شکل‌گیری شیر و ایجاد رفتار و احساس مادرانه مؤثر است (همان، ص ۹۶).

تفاوت جسمی دیگر میان مرد و زن به نیروی بدنی آن‌ها مربوط می‌شود. این اختلاف کاملاً محسوس است و تحقیقات تجربی و آماری نیز آن را تأیید می‌کند. آمارها گویای این است که میانگین نیروی بدنی مردها بیشتر از میانگین نیروی بدنی زن‌ها است. میزان تحمل کارهای سخت و دشوار نیز در مردها بیش از زن‌ها است. بدن مرد خشن‌تر و باصلابت‌تر است و بدن زن لطیف‌تر و ظریف‌تر. البته در هر دو جنس، افراد استثنایی وجود دارند (مصباح یزدی، ۱۳۸۸، ص ۲۱۷).

۲-۲-۲. تفاوت‌های روحی و روانی

میان زن و مرد، علاوه بر تفاوت‌های جسمی، تفاوت‌های روحی و روانی نیز وجود دارند که نسبت به تفاوت‌های جسمی، گسترده‌تر هستند که به برخی از آن‌ها اشاره می‌گردد:

الف) عاطفه‌ورزی و تأثیرپذیری: این ویژگی در وجود زنان بیشتر و شدیدتر است. دلیل تأثیرپذیری زیاد زنان، شدت احساسات و عواطف در وجود آن‌ها است. برخلاف مردان که از عواطف و احساسات کم‌تری برخوردار هستند. عواطف و احساسات زیاد در وجود زنان باعث می‌شود

که زنان بسیار زودتر از مردان به خنده درآیند یا به گریه بیفتند و یا دستخوش سایر انفعالات روحی شوند (اتوکلاین برگ، ۱۳۶۹، ج ۱، ص ۳۱). روحیه شدید انفعالی زنان حاکمیت عقل را در وجود آن‌ها ضعیف می‌سازد، به همین جهت سنجش‌ها و داوری‌های آن‌ها غالباً ظاهربینانه و غیر واقع‌گرایانه است. بدون شک این امور تأثیرات خاص و نامطلوب خود را بر رفتار فردی و اجتماعی زنان خواهد داشت (همان).

ب) حس وابستگی: اختلاف روحی مهم دیگر زن و مرد این است که زن همواره دوست دارد حامی داشته باشد، درحالی‌که مرد، درست برخلاف زن، می‌خواهد کسی را تحت حمایت خود بگیرد. این دومیل روانی مختلف در شکل‌گیری نظام خانواده تأثیر بسزایی دارد و حقوق و تکالیف گوناگونی را برای زن و شوهر ایجاد می‌کند (محمدتقی مصباح یزدی، پیشین، ص ۲۲۱).

ج) گرایش به زینت: اصل گرایش به زینت، امری فطری است و مورد سفارش آیات و روایات متعددی است (اعراف، آیه ۳۲؛ حر عاملی، ۱۴۱۲، ج ۵، ص ۱۱؛ قرطبی، بی‌تا، ج ۷، ص ۱۹۷) و زنان و مردان به زینت علاقه‌مند هستند؛ اما گرایش و تمایل زنان به زیور و زینت بسیار بیشتر از مردان است: «أَوْ مَنْ يُنشَأُ فِي الْحِلْيَةِ وَهُوَ فِي الْخِصَامِ غَيْرُ مُبِينٍ» (زخرف، آیه ۱۸)، آیا کسی را شریک خدا قرار می‌دهند که در زروزیور پرورش یافته و در مجادله بیانش روشن نیست.

۳. دیدگاه‌ها درباره فعالیت‌های سیاسی اجتماعی زنان

درباره فعالیت‌های سیاسی اجتماعی زنان، تلاش‌های مفصلی از جانب اندیشمندان و محققان، صورت گرفته است و آنچه از تتبع کارهای انجام‌شده در مورد مسائل زنان به دست می‌آید، نسبت به جواز و عدم جواز فعالیت‌های سیاسی اجتماعی زنان و گستره آن، به‌طور کلی سه دیدگاه شکل گرفته است: ۱- دیدگاه سخت‌گیرانه؛ ۲- دیدگاه تشابه‌محور و افراطی؛ ۳- دیدگاه متعادل.

۳-۱. دیدگاه اول

در این رویکرد، مشارکت زنان در امور اجتماعی، سیاسی و اقتصادی و اشتغال و کار کردن آن‌ها در کنار مردان، اختلاط میان زن و مرد شمرده می‌شود و این امر، برخلاف آموزه‌های دین اسلام است. طبق این دیدگاه، خارج شدن زن از خانه و وارد شدن و در قلمرو محیط کار بیرونی، مساوی

با خارج شدن زن از فطرت اختصاصی وی است؛ زیرا کسب درآمد، کار مردان است و مرد باید مصارف زن را فراهم سازد. زن وظیفه دارد در درون خانه به تربیت اولاد و نگهداری فرزند بپردازد. اشتغال زنان به فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی موجب تباهی جامعه می‌گردد؛ مردان به فساد مادی و معنوی گرفتار می‌شوند، اطفال و کودکان از تربیت صحیح بازمی‌مانند و دچار انحطاط اخلاقی می‌شوند و بنیان خانواده با تزلزل مواجه می‌گردد (بن باز، ۱۴۲۰، ج ۱، ص ۴۱۸-۴۲۷).

۳-۱-۱. ادله دیدگاه اول

این دیدگاه، به آیات قرآن کریم، مجموعه‌ای از روایات، سیره مسلمین و عدم صلاحیت و شایستگی زنان برای تصدی مدیریت‌های سیاسی و اجتماعی و مقام قضاوت، استدلال نموده است.

الف. قرآن کریم

مهم‌ترین دلیل این دیدگاه از قرآن کریم، آیه «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ...» (نسا، آیه ۳۴) و آیه «وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى» (احزاب، آیه ۳۳) است؛ مفاد آیه اول آن است که در زندگی اجتماعی و مسؤولیت‌های عمومی و خصوصی، مردان می‌توانند قیّم همدیگر و قیّم همه زنان باشند، اما زنان شایستگی قیّم بودن بر انسان‌ها را ندارند و نمی‌توانند متصدی امور سیاسی و اجتماعی شوند. در آیه دوم، زن‌ها را به گونه عام، به ماندن در خانه‌ها سفارش می‌کند و تصدی مشاغل و مناصب و حضور گسترده زنان در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی، با توصیه مطلق قرآن کریم به استقرار و ماندن در خانه، منافات دارد.

ب. روایات

دیدگاه سخت‌گیرانه به روایات زیادی استناد نموده‌است و این روایات از حیث دلالت و سند با یکدیگر متفاوت هستند، اما می‌توان آن‌ها را در پنج گروه دسته‌بندی کرد:

۱) گروه اول این روایات بر این معنا دلالت دارند که رسیدن زنان به مناصب اجتماعی موجبات بدبختی و عقب‌ماندگی جامعه را فراهم می‌کند و یکی از آن‌ها چنین روایت شده‌است: «لن یفلح قوم ولّوا أمرهم إمرأه» (بخاری، بی‌تا، ج ۵، ص ۱۳۶؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۳۲، ص ۱۹۴)؛ رستگار نخواهد شد جماعتی امر (رهبری و سرپرستی سیاسی و اجتماعی) آنان را زنی به عهده بگیرد.

۲) گروه دوم شامل آن دسته از روایات می‌گردد که ولایت و سرپرستی بر جامعه و همچنین

قضایات را از زنان منتفی دانسته‌اند: «لَا تَوَلَّى الْمَرْأَةُ الْقَضَاءَ وَلَا تَوَلَّى الْأَمَارَةَ» (التراقی، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۵۱۹) زن نمی‌تواند قاضی و امیر شود.

۳) دسته سوم، روایاتی هستند که با برشمردن اوصاف و ویژگی‌هایی برای زنان، از مشورت نمودن با ایشان نهی کرده است: «ایاکم و مشاوره النساء فَإِنَّ فِيهِنَّ الضَّعْفَ وَالْوَهْنَ وَالْعِجْزَ»؛ (حر عاملی، ۱۴۱۲، ج ۲۰، ص ۱۸۲) از مشاوره با زنان پرهیزید. همانا در زنان، ضعف، سستی و ناتوانی است.

۴) دسته چهارم را روایاتی تشکیل می‌دهند که برای زنان اوصاف و ویژگی‌هایی را ذکر می‌کنند و این اوصاف و خصوصیات، شایستگی زنان را برای سرپرستی امور عمومی جامعه، زیر سؤال می‌برد؛ مانند: «مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنَّ النِّسَاءَ نَوَاقِصُ الْإِيمَانِ نَوَاقِصُ الْحُظُوظِ نَوَاقِصُ الْعُقُولِ...» (نهج البلاغه، خطبه ۸۰).

۵) گروه پنجم روایاتی هستند که از اطاعت و پیروی زنان منع نموده و آن را غیر مجاز دانسته‌اند: «طاعة المرأة ندامة» (نوری، ۱۴۰۷، ج ۱۴، ص ۲۶۲)؛ اطاعت از زن، موجب پشیمانی است؛ «مَعَاشِرَ النَّاسِ لَا تُطِيعُوا النِّسَاءَ عَلَى حَالٍ وَلَا تَأْمَنُوهُنَّ عَلَى مَالٍ»؛ (همان، ص ۲۶۰) ای مردم! در هیچ حالی از زنان اطاعت نکنید و آنان را بر مالی امین قرار ندهید.

ج. سیره مسلمین

یکی از دلایل رویکرد سخت‌گیران نسبت به فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی زنان، سیره مسلمین است (نصیری، ۱۳۸۱، ص ۵۸). این سیره از صدر اسلام به ما رسیده است و در تمامی ادوار تاریخ دین اسلام، هیچ موردی وجود ندارد که سرپرستی امور عمومی جامعه از سوی شارع به زنان سپرده شده باشد و اگر چنین کاری جایز بود، می‌بایست موردی در طول تاریخ اسلام، یافت شود که زنان از سوی شارع، به عنوان حاکم، قاضی و سرپرست در امور عمومی منصوب شده باشند.

د. عدم صلاحیت و شایستگی

دلیل چهارم دیدگاه سخت‌گیرانه، عدم صلاحیت و شایستگی زنان دانسته شده است؛ چون زنان دارای خصوصیات روحی و جسمی متفاوت هستند، از نظر لیاقت و توانایی مدیریتی نسبت به مردان در درجه پایین‌تری قرار دارند و توانایی و شایستگی تصدی مناصب مهم سیاسی و حکومتی

را ندارند و هم‌چنین نمی‌توانند مسند قضاوت را اشغال کنند؛ به بیان دیگر، هرگاه زن به خاطر ضعف رأی، برای مشاوره صلاحیت نداشته باشد، شایستگی‌اش جهت تفویض ولایت یا قضاوت که محتاج اندیشه و نظر صائب و قوی است، به طریق اولی مردود است (نجفی، ۱۳۹۲، ج ۱۳، ص ۳۳۶)

۳-۱-۲. نقد دیدگاه سخت‌گیرانه

یکی از ادله مهم دیدگاه سخت‌گیرانه، آیه ۳۴ سوره نساء است: «الرجال قوامون على النساء...»، اما بسیاری از مفسران معتقدند که این آیه مربوط به زندگی خانوادگی است و ارتباطی به تصدی‌گری زن و مرد در عرصه فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی ندارد؛ اگرچه در صدر آیه شریفه، قیومیت مرد بر زن به گونه مطلق مطرح شده است، اما در ذیل آیه قرائن و شواهد صریح وجود دارد که منظور آیه شریفه، زندگی خانوادگی است؛ مانند مسئله نفقه (بِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ)؛ نشوز و عدم نشوز (فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ وَ اللَّاتِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ)؛ موعظه زنان ناشزه و تنبیه ایشان با ترک مضاجعت و هم‌خوابی و در مرحله نهایی زدن (فَعِظُوهُنَّ وَ اهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَ اضْرِبُوهُنَّ) همه این موارد دلیل قطعی بر اختصاص آیه شریفه در زندگی خانوادگی است. حتی در آیه ۳۵ همین سوره مسائل خانوادگی مطرح است و از حکمیت میان زن و شوهر در صورت بروز اختلاف میان آن‌ها، سخن می‌گوید.

دومین دلیل قرآنی دیدگاه سخت‌گیرانه، آیه شریفه ۳۳ سوره احزاب است: «و قرن فی بیوتکن...». این دیدگاه مدعی است که آیه شریفه به ماندن در خانه‌ها دستور می‌دهد و با حضور زنان در فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی سازگار نیست؛ اما باید گفت که این آیه شریفه به زنان پیامبر اختصاص دارد. زیرا اولاً؛ در آیه ۳۲ که قبل از آیه ۳۳ قرار دارد، به زنان پیامبر^(ص) تصریح شده است (يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ...). ثانیاً؛ در آیات ۳۰ و ۳۱ ثواب و عقاب آن‌ها را نیز با سایر زنان متفاوت ذکر نموده است؛ یعنی این آیه شریفه، برابری زنان پیغمبر با سایر زنان را نفی می‌کند و می‌فرماید: شما با سایر زنان برابر نیستید بلکه تکلیف شدیدتری دارید (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۶، ص ۴۶۱). ثالثاً؛ قرآن کریم عنایت خاصی داشته است که زنان پیغمبر، چه در زمان حیات آن حضرت و چه بعد از وفات ایشان، در خانه‌های خود بمانند و در این جهت بیشتر اغراض سیاسی اجتماعی در کار بوده است (مطهری، بی‌تا، ج ۱۹، ص ۴۳۱).

روایاتی که مورد استناد رویکرد تفریطی قرار گرفته‌اند، با دو اشکال سندی و محتوایی مواجه هستند؛ از نظر سندی، این‌گونه روایات از نظر رجالی و اسنادشناسی، در ذیل روایات «مرسل» و «ضعیف» قرار می‌گیرند که از مدار حجیت و اعتبار خارج است (جبعی العاملی، ۱۴۱۴، ص ۱۴۰).

از نظر محتوایی، روایات یادشده منظور رویکرد مذکور را تأمین نمی‌کند، بلکه درصدد مقصود دیگری است. مثلاً گروهی از این روایات، تبعیت، اطاعت و پیروی از زنان را نهی نموده‌اند. اولاً؛ این روایات به امور خانوادگی اختصاص دارند که مردان به‌عنوان مدیر خانواده، باید استقلال رأی داشته باشند و در همه امور، مطیع و فرمان‌بردار زنان نشوند، در غیر این صورت، کانون خانواده، از نظر مدیریتی دچار هرج و مرج خواهد شد. ثانیاً؛ بر فرض پذیرش اینکه این گروه از روایات عام هستند و هردو حوزه عمومی و خانوادگی را شامل می‌شوند، باید حوزه عمومی به مواردی چون منکرات و پیروی از زنان هوس‌باز و بی‌شخصیت و بی‌سواد و بی‌تجربه مقید گردد. در غیر این صورت، مستلزم این خواهد بود که رجوع به خبره و کارشناس که دارای جنسیت زن است، ممنوع باشد و این امر، خلاف حکم عقل و سیره پیشوایان دین است.

دلیل سوم و چهارم دیدگاه تفریطی، سیره مسلمین و عدم صلاحیت و شایستگی زنان برای تصدی قضاوت و مدیریت‌های عمومی جامعه است؛ اما سیره مسلمین برخلاف ادعای رویکرد مذکور، است؛ چراکه در صدر اسلام زنان، در انواع فعالیت‌های سیاسی، نظامی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی حضور فعال داشتند (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۴۵۳-۴۵۳). عدم شایستگی زنان نیز برخلاف مسلمانات علمی و عقلی است؛ چراکه زنان به‌عنوان انسان، از تمام شایستگی‌ها و استعدادهای انسانی برخوردار هستند و از نظر اسلام، ماهیت انسانی مرد و زن یکی است (اعراف، آیه ۱۸۹؛ روم، آیه ۲۱) اگر منظور از عدم صلاحیت و شایستگی زنان، تفاوت‌های جسمی و روانی آنان با مردان باشد، این تفاوت‌ها اگرچه حقیقت انکارناپذیر است، اما به معنای فقدان صلاحیت و شایستگی در وجود زنان نیست؛ بلکه در مواردی، زنان شایسته‌تر از مردان هستند و بهتر از آنان، صلاحیت و شایستگی نشان داده‌اند (احمدی، ۱۳۸۴، ص ۷۴) و افزون بر ضعف و عدم استحکام ادله دیدگاه تفریطی، لوازم و پیامدهای نامطلوبی بر آن، مترتب است؛ تحکیم و تقویت مردسالاری و مسلط شدن ظالمانه مردان بر زنان، نقض حقوق طبیعی و

انسانی زنان و سرکوب شدن استعدادهای بشری آنان، تبعیض و بی‌عدالتی و تعطیل بی‌خاصیت ساختن نیمی از جامعه انسانی، برخی از لوازم و پیامدهای رویکرد افراطی نسبت به فعالیت‌های سیاسی اجتماعی زنان می‌باشد.

۳-۲. دیدگاه دوم

در مقابل رویکرد سخت‌گیرانه، دیدگاه افراطی و تشابه‌محور قرار دارد که تحت تأثیر اندیشه‌های فمینیستی مبنی بر جایگاه زنان و آزادی بدون قید و شرط این قشر از جامعه انسانی شکل گرفته است. نگاه این رویکرد، درباره حضور اجتماعی و سیاسی زنان و هم‌چنین حقوق آن‌ها در عرصه‌های گوناگون، نگاه «تشابه‌محور» است؛ یعنی با ادعای تشابه جنسیتی، هیچ نوع تفاوتی میان زنان و مردان نمی‌بیند (زیبایی‌نژاد و سبحانی، ۱۳۹۱، ص ۱۲۰). این رویکرد که با خاستگاه و آبشخور تمدن مدرن غرب و با ادعای تشابه جنسیتی، بر اصل برابری حقوق و جایگاه سیاسی اجتماعی زن و مرد تأکید فراوان دارد، به فمینیسم اسلامی نیز معروف شده است (همان، ص ۱۱۶).

۳-۲-۱. اصول و مبانی دیدگاه دوم

فمینیسم اسلامی، اصطلاحی است که در سالیان اخیر به ادبیات دفاع از حقوق زنان راه یافته و در برخی از کشورهای اسلامی جایی برای خود باز کرده است. این گرایش شاخه‌ای از فمینیسم است که به تفسیر زن‌مدارانه از اسلام می‌پردازد و از آنجاکه دین را نافذترین و مهم‌ترین رکن فرهنگ در کشورهای اسلامی می‌بیند، در این کشورها دستیابی به اهداف تساوی طلبانه خویش را مرهون همسویی و همراهی با فرهنگ دینی می‌پندارد (همان، ص ۱۱۷-۱۱۹). جنبش فمینیسم اسلامی در بیشتر کشورهای مسلمان کم‌وبیش وجود دارد و به‌عنوان نمونه، «نوال السعداوی» نویسنده زن مصری و «قاسم امین» نویسنده مرد مصری و «فاطمه مرنیسی» نویسنده زن مراکشی از جمله فمینیست‌های اسلامی در کشورهای مسلمان شمال آفریقا می‌باشند (همان، ص ۱۲۲). دیدگاه تشابه‌محور و افراطی، بر چهار اصل استوار است:

الف) تشابه تکوینی و تشریعی زن و مرد: اگرچه این گروه تفاوت فیزیکی میان زن و مرد را نمی‌توانند انکار کنند، ولی تفاوت‌های عاطفی، ادراکی و روانی مرد و زن و هم‌چنین توانمندی جسمی مرد نسبت به زن را نمی‌پذیرند و مدعی هستند که برتری مردان در قوت و نیروی عقلی و بدنی، محصول شرایط نظام پدرسالاری در جامعه بوده است که زنان به دلیل محرومیت از انجام

مشاغل و کارهای مهم، دچار ضعف فکری و بدنی گردیده‌اند (قاسم امین، بی‌تا، ص ۲۳).

ب) تفکیک میان اعتقاد به دین و دین‌مداری: فمینیسم اسلامی بر این پندار است که اعتقاد به دین، لزوماً به معنای حاکمیت دین در شئون اجتماعی نیست، بلکه دین صرفاً ترسیم‌کننده ارتباط میان خالق و مخلوق است و نباید حوزه دخالت دین را به مسائل اجتماعی و تنظیم قوانین برای بشریت سرایت دهیم. بنابراین، در عرصه‌های اجتماعی و حقوقی، باید «سکولاریسم» جاری باشد و دین به تنظیم روابط انسان با خدا پردازد (توحیدی، ۱۳۷۶، ص ۱۰۶).

ج) عدم ثبات احکام شرعی: سومین اصلی که فمینیسم اسلامی بر آن تکیه دارد، عدم ثبات و پایداری احکام شرعی است؛ یعنی این نوع فمینیسم بر این اصل تأکید دارد که احکام و قوانین شرعی ثابت و لایتغیر نیست، بلکه در مرور زمان و تحت شرایط زمانی و مکانی قابل تغییر هستند. بنابراین، احکامی که در صدر اسلام، اعتبار داشت و قابل اجرا بود، در عصر ما که دارای شرایط متفاوت است، قابل اجرا نیست و باید اجتهاد فقهی به یک اجتهاد پویا و سازگار با شرایط جهان مدرن تبدیل شود تا بتواند متناسب با این زمان، احکام صادر کند (همان، ص ۱۰۸).

د) تأکید بر برابری نقش زن و مرد در خانواده: هرچند فمینیسم اسلامی همانند فمینیست‌های رادیکال، مخالف نهاد خانواده نیست و بر حضور زن و اهمیت جایگاه و نقش او در خانواده تأکید دارد، ولی از طرف دیگر، جایگاه زن را به‌عنوان همسر و مادر به همان اهمیتی که اسلام قائل است، نمی‌پذیرد و به خانواده‌های مذهبی، نگاهی انتقادی دارد و معتقد است که زن و مرد در خانواده باید در یک سطح قرار داشته باشند و نسبت به تصدی نقش‌ها و مشارکت در امور خانواده، برابر و مساوی باشند، نه اینکه مرد به‌عنوان مدیر خانواده، نقش برتر و بالاتر را اشغال کند (زیبایی‌نژاد و سبحانی، ۱۳۹۱، ص ۱۲۱-۱۲۲).

۳-۲-۲. نقد دیدگاه افراطی و تشابه‌محور

بیان شد که در برخورد با مسائل زنان سه رویکرد وجود دارد؛ ۱) درخواست برابری جنسی کامل (۲) محرومیت جنس مؤنث؛ ۳) پذیرش برخی تفاوت‌ها و تمایزها در نقش‌ها و فعالیت‌های سیاسی اجتماعی و مسائل حقوقی زن و مرد. دیدگاه افراطی و تشابه‌محور با رویکرد اول انطباق دارد. در نقد و رد این دیدگاه باید گفت که اولاً؛ مشابه دانستن مرد و زن، موجب محروم ساختن زنان از استعداد و غریزه مادری و همسری و کشاندن آنان به صحنه رقابت دشوار در عرصه کارهای فیزیکی

کارخانه‌ها و کارگاه با مردان است که به‌رغم داشتن بدن ضعیف و نحیف باید با رقیب توانمند و قوی جثه به رقابت پردازد، بدون اینکه کوچک‌ترین حمایتی از آنان صورت گیرد. درواقع، بر اساس گرایش فمینیستی زنان از دو جهت آسیب می‌بینند؛ از یک طرف، زنان از ویژگی‌ها و خصوصیات فطری و طبیعی خود (مادری و همسری) محروم می‌شوند و از طرفی دیگر، مجبور هستند که در رقابت نابرابر با مردان در عرصه‌های کار و فعالیت تن دهند. ثانیاً؛ خانواده به‌عنوان مهم‌ترین نهاد اجتماعی که اساس جامعه را تشکیل می‌دهد و کارکردهای مهم و ضروری برای بشریت در طول تاریخ داشته است که از آن جمله می‌توان به تربیت انسان و آرامش روحی زوجین اشاره کرد، (بقره، آیه ۱۸۷) رویکرد تشابه‌محور زمینه سقوط نهاد خانواده را فراهم می‌سازد.

ثالثاً؛ تأکید بر استقلال زنان و مبارزه با مردان، موجب گسترش تضاد و جدایی میان دو جنس می‌گردد؛ چنانکه زنان که تحت تأثیر گرایش‌های فمینیستی به فعالیت‌های مردستیزانه پرداختند (پاسنوا، ۱۳۸۴، ص ۹۹). در مقابل، مردان نیز احساس خطر نموده و دست‌به‌کار شدند و در واکنش به فعالیت‌های مردستیزانه فمینیست‌ها، به تشکیل گروه‌های متعددی تحت عنوان «انجمن دفاع از حقوق مردان» اقدام کردند (زیبایی‌نژاد و سبحانی، ۱۳۹۱، ص ۱۲۹) مهم‌تر از دلایل ذکرشده، رویکرد و دیدگاه افراطی و تشابه‌محور، با تعالیم و آموزه‌های دین اسلام، سازگاری ندارد.

۳-۳. دیدگاه سوم

دیدگاه متعادل نسبت به فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی زنان، با هر دو رویکرد افراطی و تفریطی مخالف بوده و بر رویکرد میانه تأکید دارد. رویکرد میانه و اعتدالی همان‌گونه که از نام آن به دست می‌آید، نگرش متوسط و موافقت‌مقید را در خصوص فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی زنان مورد توجه قرار داده است؛ برخلاف رویکرد سخت‌گیرانه، بسیاری از فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی زنان را مجاز می‌داند (شمس‌الدین، پیشین، ص ۲۸) اما مانند رویکرد افراطی و تشابه‌محور، به تساوی مطلق زن و مرد و جواز بدون قید شرط فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی زنان، اعتقاد ندارد (مصباح یزدی، ۱۳۸۸، ص ۲۲۹-۲۳۹).

۴. دیدگاه برگزیده

ضمن نقد دیدگاه‌های افراطی و تفریطی درباره فعالیت‌های سیاسی اجتماعی زنان و با توجه به

بررسی ادله و متون دینی، در این زمینه، دیدگاه برگزیده مقاله حاضر، رویکرد اعتدالی درباره فعالیت‌های سیاسی اجتماعی زنان است؛ چراکه رویکردهای افراطی و تفریطی در این خصوص، قابل پذیرش نبوده و با آموزه‌های اصیل دین اسلام هم‌خوانی ندارند. برای رجحان و برتری این دیدگاه، می‌توان به دلیل ذیل اشاره کرد: (۱) اصل جواز و حلیت فعالیت‌های سیاسی اجتماعی زنان؛ (۲) اصل قابلیت و شایستگی زنان؛ (۳) تساوی زن و مرد در خلقت و کسب فضائل و کمالات انسانی؛ (۴) فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی زنان در صدر اسلام؛ (۵) تفاوت‌های زن و مرد در ابعاد فیزیکی و روانی.

نتیجه‌گیری

از تحقیق حاضر، موارد ذیل را می‌توان نتیجه‌گیری کرد:

- (۱) به‌رغم اشتراکات اساسی زن و مرد در کرامت انسانی، اعتقادات و باورها، تکالیف و تکامل، کیفر و پاداش، تفاوت‌های این دو جنس نسبت به یکدیگر، قابل انکار نیست.
- (۲) در مورد فعالیت‌های سیاسی اجتماعی زنان، می‌توان سه دیدگاه عمده را جست‌وجو کرد که عبارت‌اند از دیدگاه سخت‌گیرانه، دیدگاه تشابه‌محور و افراطی و دیدگاه متعادل.
- (۳) از بررسی ادله و پیامدهای سه دیدگاه، این نتیجه به دست می‌آید که دو دیدگاه افراطی و تفریطی با آموزه‌های دین اسلام و روح حاکم بر قوانین اسلامی سازگار نیست و رویکرد متعادل می‌تواند دیدگاه دین اسلام را درباره فعالیت‌های سیاسی اجتماعی زنان، بیان کند.
- (۴) رویکرد متعادل، با توجه به تفاوت‌های تکوینی و طبیعی میان زن و مرد، به اصل حضور زنان در فعالیت‌های سیاسی اجتماعی، تأکید دارد؛ اما دو نکته را مدنظر قرار می‌دهد: الف) محدوده حضور زنان در فعالیت‌های سیاسی اجتماعی زنان؛ (۳) رعایت پوشش و حجاب اسلامی و پرهیز از اختلاط‌های مفسده‌آور.

منابع و مآخذ

۱. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، (۱۴۱۵). الإصابه فی تمییز الصحابه. بیروت: دارالکتب العلمیه.
۲. اتکینسون، ریتا آل و دیگران، (۱۳۸۴). زمینه روان‌شناسی هیلگارد، ترجمه محمدتقی براهنی و دیگران، تهران: انتشارات رشد.
۳. احمدی، محمدرضا، (۱۳۸۴). تفاوت زن و مرد از منظر روان‌شناسی و متون دینی، مجله معرفت، شماره ۹۷، سال ۱۳۸۴، ص ۶۶-۷۶.
۴. امین، قاسم، (بی‌تا) تحریر المرأه، مصر: مکتبه عسکر.
۵. بخاری، محمد بن اسماعیل، (بی‌تا)، صحیح البخاری، ناشران: جمهوریة مصر العربیة. وزارة الاوقاف. المجلس الاعلی للشئون الاسلامیة.
۶. برگ، اتوکلاپن، (۱۳۶۹)، روان‌شناسی اجتماعی، ترجمه علی محمد کاردان، ج ۱، تهران: آموزش انقلاب اسلامی.
۷. پاسنوا، دایانا، (۱۳۸۴). فمینیسم راه یا بی‌راه، ترجمه محمدرضا مجیدی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و معارف.
۸. توحیدی، نیره، (بی‌تا). فمینیسم اسلامی چالشی دموکراتیک یا چرخشی تنوکراتیک، بی‌نا.
۹. جبعی‌العاملی، زین‌الدین، (۱۴۱۴). مسالک‌الافهام الی تنقیح الشرائع الاسلام، قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه.
۱۰. جمعی از نویسندگان، (۱۳۸۲)، جستاری در هستی‌شناسی، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۱۱. حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۱۲). وسائل الشیعه، بیروت: دار الاحیاء لثراث العربی، چاپ ششم.
۱۲. دورانت، ویل، تاریخ تمدن، (۱۳۶۸). ترجمه احمد آرام و دیگران، تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.

۱۳. زیبایی‌نژاد، محمدرضا، سبحانی، محمدتقی (۱۳۹۱)، درآمدی بر نظام شخصیت زن در اسلام (بررسی مقایسه‌ای دیدگاه اسلام و غرب)، بی‌جا، مرکز نشر هاجر.
۱۴. ستاری، جلال، (۱۳۷۳). سیمای زن در فرهنگ ایران، تهران: نشر مرکز.
۱۵. طباطبایی، محمدحسین، (۱۳۷۴). تفسیر المیزان، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۶. عبد العزیز بن عبد الله بن باز، (۱۴۲۰)، مجموع فتاوی و مقالات متنوعة، ج ۱، المحقق: محمد بن سعد الشویعر، الناشر: دار القاسم للنشر.
۱۷. علویقی، علی اکبر، (۱۳۵۷). زن در آئینه تاریخ، بی‌جا، انتشارات شرکت چاپ.
۱۸. قرطبی، محمد بن احمد، (بی‌تا)، الجامع لاحکام القرآن، ج ۷، بیروت: دارالفکر.
۱۹. کاژدان، آ. و دیگران، (۱۳۵۳). تاریخ جهان باستان، ترجمه صادق انصاری و دیگران، بی‌جا، نشر اندیشه.
۲۰. لطف‌آبادی، حسین، (۱۳۹۵)، روان‌شناسی رشد، چ ۲، تهران: سمت.
۲۱. مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳). بحارالانوار، بیروت: انتشارات وفاء، ۱۴۰۳.
۲۲. مصباح یزدی، محمدتقی، (۱۳۸۸). نگاهی گذرا به حقوق بشر از دیدگاه اسلام، قم: مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی.
۲۳. مطهری، مرتضی، (بی‌تا). مجموعه آثار ۱۹ (مسئله حجاب)، تهران: انتشارات صدرا.
۲۴. میشل، آندره، (۱۳۷۲). جنبش اجتماعی زنان، ترجمه هما زنجانی‌زاده، مشهد: نشر نیکان.
۲۵. نجفی، محمدحسن، (۱۳۹۲) جواهر الکلام، ج ۱۳، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم. سوم.
۲۶. النراقی، احمدبن محمدمهدي، (۱۴۱۵)، مستند الشیعه فی احکام الشریعه، مشهد: مؤسسه آل البيت عليهم السلام لاحیاء التراث.
۲۷. نصیری، مهدی، (۱۳۸۱). جایگاه اجتماعی زن از منظر اسلام، تهران: انتشارات کتاب صبح.
۲۸. نوری، میرزا حسین، (۱۴۰۷). مستدرک الوسائل، قم: مؤسسه آل البيت.

مسئله‌شناسی مطالعات سیاسی قرآن کریم

(شناسایی مسائل سیاسی طرح شده در تگ‌نگاشت‌ها)

عبدالعلی حسنی^۱

چکیده

این پژوهش به منظور شناسایی مسائل سیاسی طرح شده در مطالعات سیاسی قرآن کریم شامل کتاب‌ها، رساله‌ها و مقاله‌های علمی، انجام شده است. ۳۳ کتاب، ۱۷۷ رساله و ۱۳۲ مقاله‌های علمی با عنوان قرآن و سیاست، به عنوان جامعه آماری پژوهش، مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته‌اند. این تحقیق به روش کتابخانه‌ای صورت گرفته و برای جمع‌آوری اطلاعات از روش استقرایی، قیاسی و استنادی بهره گرفته شده و برای ساماندهی داده، از نقشه‌های ساختاری و مفهومی الگوی مدیریت دانش استفاده شده است. در پژوهش حاضر این نتیجه حاصل گشته که در بخش کتب، بیشترین آثار متعلق به مسئله «ولایت» اند با ۱۲ جلد اثر. در رساله‌ها بیشترین آثار مربوط به مسئله «امامت» هستند با ۲۱ اثر و عنوان و در مقاله‌های علمی نیز بیشترین آثار در ارتباط به مسئله «سیاست» انجام شده‌اند که ۳۷ عنوان و مسئله فرعی شناسایی شده را به خود اختصاص داده‌اند. با تجمیع کلیه مسائل شناسایی شده در جامعه آماری پژوهش، دیدگاه قرآن پیرامون ۱۵۳ مسئله سیاسی در قالب ۱۶۲۶ عنوان بیان شده و در مقایسه با مسائل مطرح در دانش سیاسی (۲۶۲ مسئله)، دیدگاه قرآن درباره ۱۰۹ مسأله سیاسی مورد بررسی قرار نگرفته است. از طرف دیگر اکثر آثار و مباحث صورت گرفته، متعلق به تعداد محدودی از مسائل سیاسی بوده‌اند. نتایج به دست آمده، گواهی عدم توازن در آثار مورد مطالعه است و ضرورت دارد تا دیدگاه قرآن پیرامون مسائل طرح نشده و کمتر طرح شده از منظر قرآن، استخراج و تبیین گردد.

واژگان کلیدی: قرآن کریم، مسئله، سیاست، مطالعات سیاسی، تگ‌نگاشت‌ها.

۱. دکتری، رشته قرآن و علوم سیاسی، مؤسسه علوم انسانی، جامعه المصطفی (ص) العالمیه، قم، ایران.
abdullhasni99@gmail.com ایمیل:

مقدمه

قرآن به عنوان کتاب آسمانی و راهنمای هدایت بشر، دربردارنده آموزه‌های زیادی در حوزه‌های مختلف بخصوص در حوزه سیاست است. تاکنون آثار زیادی از سوی پژوهشگران در حوزه قرآن و سیاست، برای تبیین آموزه‌های سیاسی قرآن کریم، منتشر شده‌اند. اما این سؤال مطرح است که چه تعداد از مسائل مطرح در دانش سیاسی، در این آثار از منظر قرآن طرح شده؟ در پاسخ باید متذکر شد که تاکنون پژوهشی جامع در این زمینه انجام نشده است. از طرف دیگر ضرورت دارد، برای جلوگیری از پژوهش‌های تکراری و شناسایی مسائل سیاسی طرح نشده، پژوهشی جامع و مستقلی انجام شود تا آمار مسائل سیاسی طرح شده و طرح نشده، آشکار گردد. از این رو هدف این پژوهش، مسئله‌شناسی مطالعات سیاسی قرآن کریم، است. محقق در یک مقاله دیگر به شناسایی و تحلیل مسائل مطرح شده در تفاسیر جامع ترتیبی با گرایش سیاسی اجتماعی، پرداخته است و مسائل سیاسی طرح شده را شناسایی نموده و در قالب جدول و نمودار تحت عنوان «نظام مسائل سیاسی قرآن کریم (تفاسیر)» ساماندهی و تدوین نموده است. اینک در این مقاله، مسائل سیاسی طرح شده در تک‌نگاشت‌ها شامل کتاب‌ها، رساله‌ها و مقاله‌های علمی با موضوع قرآن سیاست، مورد شناسایی و ساماندهی قرار می‌گیرند.

پژوهش حاضر، برگرفته از فصل چهار رساله دکتری پژوهشگر، با عنوان «نظام مسائل سیاسی قرآن کریم (با توجه به تفاسیر مهم معاصر فریقین)» می‌باشد که خلاصه‌ای از مباحث مطرح شده در آن، گزینش و در قالب سه بخش تنظیم شده است. در بخش اول، مسائل سیاسی طرح شده در کتب با موضوع قرآن و سیاست، در بخش دوم مسائل طرح شده در رساله‌های علمی اعم از رساله دکتری و پایان‌نامه ارشد و در بخش سوم مسائل سیاسی مطرح شده در مقاله‌های علمی با موضوع قرآن و سیاست با مراجعه به پایگاه‌های معتبر علمی، مورد تحقیق و بررسی قرار داده می‌شوند.

جامعه آماری پژوهش

با توجه به اینکه آثار زیادی در حوزه قرآن و سیاست وجود دارند و امکان جستجو و مطالعه کلیه این آثار برای پژوهشگر میسر نیست، لذا جامعه آماری این پژوهش شامل آن دسته از آثاری است که دارای عنوان «قرآن و سیاست» هستند که پیرامون یک یا چند مسئله سیاسی از منظر قرآن نگاشته

شده‌اند. از این رو، با مراجعه و جستجو در کتابخانه‌ها و پایگاه‌های معتبر علمی، ۳۳ عنوان کتاب، ۱۷۶ رساله علمی و ۱۳۲ مقاله علمی؛ با عنوان قرآن و سیاست تا بهار ۱۳۹۹ شناسایی گردیدند که جامعه آماری پژوهش را تشکیل می‌دهند.

روش تحقیق

برای جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات (مسائل سیاسی) از روش ترکیبی قیاسی، استقرایی و استنادی استفاده می‌شود و تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده/ مسائل شناسایی شده با بهره‌گیری از نقشه‌های مفهومی و ساختاری الگوی مدیریت دانش، انجام می‌گردد.

مفهوم‌شناسی

واژه مسئله از واژگان کلیدی، مهم و پرکاربرد این نوشتار به شمار می‌رود. از این رو نیاز است که مفهوم مورد نظر از آن مشخص گردد. واژه مسئله، به دو معنا به کار می‌رود:

۱. مسئله به مفهوم مشکل و هر امر مجهول؛ مسئله به مفهوم مشکل، چالش، مجهول و هر امر ناشناخته که برای روشن شدن، نیاز به تحقیق و پژوهش داشته باشد. واژه مسئله معادل با واژه «problem» به کار می‌رود و در اصل به معنای امری است که برای ما ناشناخته یا مجهول باشد (طرقی، ۱۳۸۴، ۵۷). مراد از مسئله در پژوهش‌های مسئله محور همین معنای اول، مورد نظر است.

۲. مسئله به مفهوم مسئله علم؛ کاربرد دومی که در کتب برای واژه مسئله ذکر شده است، به مفهوم مسئله علم می‌باشد. آیت‌الله مصباح یزدی در کتاب آموزش فلسفه خویش، مسائل علم را این‌گونه تشریح می‌کند: مسائل یک علم عبارت است از قضایایی که موضوعات آن‌ها، تحت عنوان جامعی (کل یا کلی) مندرج می‌شوند و موضوع علم عبارت است از همان عنوان جامع (مصباح یزدی، ج ۱، ۹۲). آیت‌الله جوادی آملی در تعریف علم می‌نویسد: علم مجموعه مسائل متناسب است که هدف خاصی دارد (جوادی آملی، ج ۴۴، ۱۳۹۶، ۸۱). در اصول فقه وقتی که بحث از مسائل علم اصول می‌شود، مسئله به معنای مجموعه گزاره‌ها و قضایا تعریف می‌گردد: مسائل هر علمی، مجموعه گزاره‌ها و قضایایی است که در آن علم، از صحت و سقم آن بحث می‌شود (ولایی، ۱۳۸۶، ۱۷).

در یک جمع‌بندی از تعریف مسئله به معنای دوم، می‌توان مسائل را که جمع مسئله است، چنین تعریف کرد: مسائل علم عبارت از مجموعه قضایا و گزاره‌هایی اند که مناسبتی بین آن‌ها وجود دارد و این قضایای منتسب به موضوع علم باشند. موضوع علم، یک عنوان کلی است و مسائل علم، اجزای آن را تشکیل می‌دهند. مراد از واژه مسئله در این پژوهش، مفهوم دوم آن و به معنای اجزای موضوع علم سیاست، است. بر این اساس، مسائل سیاسی، عبارت از گزاره‌های مانند حکومت، حاکمیت، مشروعیت، ملت، مقبولیت، خلافت، امامت، ملت و غیره اند. کلیه این مسائل، اجزای تشکیل‌دهنده موضوع علم سیاست که قدرت است؛ محسوب می‌شوند. محقق در نظر دارد به‌صورت مقایسه‌ای، مسائل مطرح در دانش سیاسی را، در جامعه آماری پژوهش، مورد بررسی قرار دهد تا تعداد مسائل طرح شده در قلمرو تحقیق روشن گردد.

نظام مسائل دانش سیاسی

در یک پژوهش دیگر که آماده چاپ است، مسائل مطرح در گرایش‌های مختلف دانش سیاسی، با مراجعه به آثار مربوط به علم سیاست، فلسفه سیاسی، جامعه‌شناسی سیاسی، کلام سیاسی، فقه سیاسی و روابط بین‌الملل، شناسایی شده و با استفاده از نقشه‌های ساختاری و مفهوم الگوی مدیریت دانش، تحت عنوان «نظام مسائل دانش سیاسی» ساماندهی و تدوین شده است. نظام مسائل دانش سیاسی متشکل از دودسته از مسائل می‌باشد:

دسته اول: مسائل و مؤلفه‌های اصلی اند که دارای زیر عنوان می‌باشند که در واقع مسائل و مؤلفه‌های فرعی آن را تشکیل می‌دهند؛ مانند دولت که خود یک مسئله اصلی دانش سیاسی است و دارای مسائل و مؤلفه‌های فرعی مانند منشأ دولت، عناصر دولت، انواع دولت، می‌باشد. با مطالعه و بررسی آثار مربوط به علوم سیاسی، ۳۸ مؤلفه و مسئله اصلی با ۲۷۱ مؤلفه و مسئله فرعی شناسایی گردید.

دسته دوم: مسائل و مؤلفه‌های اصلی که خود به‌عنوان یک مسئله دانش سیاسی مطرح اند؛ مانند مشارکت سیاسی، مشروعیت سیاسی، جنگ، صلح و غیره. این دسته از مسائل در ۱۶ گروه دسته شده که مشتمل بر ۲۲۴ مسئله و مؤلفه اصلی می‌باشند. اینک طرح یا عدم طرح این مسائل در جامعه آماری پژوهش مورد بررسی گرفته و در نهایت نظام مسائل سیاسی قرآن

کریم (تک‌نگاشت‌ها) ساماندهی خواهد شد. در مجموع ۲۶۲ مسئله مذکور، مسائل اصلی دانش سیاسی را تشکیل می‌دهند و محقق در نظر دارد طرح یا عدم طرح این مسائل در مطالعات سیاسی قرآن کریم (تک‌نگاشت‌ها) شامل کتاب‌ها، رساله‌ها و مقالات علمی را بررسی نماید.

مسئله‌شناسی مطالعات سیاسی قرآن کریم

چنانکه در مقدمه ذکر شد، ۳۳ عنوان کتاب، ۱۷۶ پایان‌نامه و رساله علمی و ۱۳۲ مقاله علمی، با عنوان قرآن و سیاست، جامعه‌آماري پژوهش حاضر را تشکیل می‌دهند و در این بخش مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرند.

أ. کتاب‌ها

در این بخش با مراجعه با مراکز علمی و کتابخانه‌ها و پایگاه‌های معتبر علمی کتاب‌هایی با عنوان قرآن و سیاست شناسایی شده و با دقت مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته است. با توجه به کثرت آثار منتشرشده در حوزه قرآن و سیاست، در این تحقیق آن دسته از آثاری جامعه‌آماري پژوهش را تشکیل می‌دهند که دارای عنوان قرآن و یکی از مسائل مطرح در علوم سیاسی، هستند و موضوع آن‌ها را قرآن و سیاست تشکیل می‌دهند. با توجه به این معیار، ۳۳ عنوان کتاب گزینش شد و کلیه مسائل سیاسی مطرح‌شده با استفاده از فهرست و عناوین کتاب، شناسایی گردید و اینک به تشریح آن‌ها می‌پردازیم. شیوه کار به این صورت است که ابتدا مسائل اصلی شناسایی و سپس تعداد عناوین و مسائل فرعی مربوطه به هر مؤلفه اصلی در داخل پرانتز، نشان داده می‌شود.

۱. مبانی اندیشه سیاسی در آیات مکی

این کتاب اثر عبدالقادر حامد تیجانی است. این اثر از جمله آثار ارزشمندی است که مبانی اندیشه سیاسی در آیات مکی (آیات نازل‌شده در مکه) را مورد تحقیق و پژوهش قرار داده است. محور مباحث مطرح شده در این اثر، مبانی اندیشه سیاسی اسلام است ولی نویسنده به تناسب مباحث صورت گرفته، دیدگاه قرآن پیرامون برخی از مسائل مطرح در علم سیاست و فلسفه سیاسی مانند دولت، حکومت را نیز شرح داده است.

مسائل سیاسی طرح‌شده:

پس از مطالعه و بررسی این اثر، در کل ۲۶ مسئله سیاسی که مشتمل بر ۱۰ مسئله اصلی و ۱۶

مسئله فرعی، شناسایی گردید. از نظر آماری بیشترین مباحث مطرح شده، به ترتیب در مورد مسائل اصلی ذیل می‌باشند: حکومت اسلامی (۴)، (تیجانی، ۱۳۸۹، ص ۱۵۶، ۱۶۱، ۱۵۷) حکومت (۳)، (همان، ص ۱۰۰، ۱۳۰، ۱۳۳-۱۳۸) انسان (۲) (همان، ص ۷۲؛ ص ۹۷)، امت (۱)، (همان، ص ۱۰۰) دولت (۱)، (همان، ص ۱۴۷) عدالت (۱)، (همان) شوری (۱)، (همان، ص ۱۰۰) قانون (۱)، (همان، ص ۱۳۰) حاکمیت (۱)، (همان، ص ۱۲۰، ۱۴۲) روابط بین‌الملل (۱) (همان، ص ۱۷۷-۲۵۸).

۲. سیاست و حکومت در قرآن

کتاب سیاست و حکومت در قرآن، از جمله کتاب‌های ارزشمندی است که در حوزه قرآن و علوم سیاسی نگاشته شده. نویسنده ضمن طرح یک سری از مباحث مربوط به مبانی سیاست اسلامی، دیدگاه قرآن درباره‌ی تعدادی از مسائل سیاسی را نیز بیان نموده است.

مسائل سیاسی طرح شده:

در این اثر، در مجموع ۲۴ مسائل سیاسی مطرح شده است که ۷ مسئله سیاسی اصلی و ۱۷ مسئله فرعی مربوطه آن‌ها هستند. از نظر تعداد بیشترین مباحث و مسائل فرعی مطرح شده مربوط به مسائل سیاسی اصلی ذیل می‌باشند:

آزادی (۶)، (قاضی‌زاده ۱۳۸۴، ص ۳۹۶، ۴۰۴-۴۰۸، ۴۲۷-۴۴۰) مشروعیت (۵)، (همان، ۹۶-۹۱، ۱۱۱، ۱۲۶، ۱۵۹، ۲۶۸) حاکم اسلامی (۳)، (همان، ص ۳۴۹-۳۶۸-۳۸۱-۳۹۲) روابط خارجی (۲)، (همان، ص ۴۸۵-۵۱۲-۵۲۳) سیاست و حکومت (۱)، (همان، ص ۲۵-۹۰) شوری (۱)، (همان، ص ۳۰۵-۳۰۶) عدالت (۱) (همان، ص ۴۵۱-۴۷۰)

۳. حقوق و سیاست در قرآن

این کتاب یکی از آثار دیگر در حوزه قرآن و سیاست است. آیت‌الله مصباح یزدی در این اثر، تعدادی از مسائل حقوقی و سیاسی را از منظر قرآن، مورد بحث قرار داده است. مؤلف ابتدا به تبیین و تشریح دیدگاه قرآن پیرامون مسائل حقوقی پرداخته و در بخش دوم، برخی از مهم‌ترین مسائل سیاسی را از منظر قرآن مورد بحث و بررسی قرار داده است.

مسائل سیاسی مطرح‌شده:

با مطالعه و بررسی که انجام شد، درمجموع ۳۶ مسئله سیاسی شامل ۸ مسئله اصلی و ۲۸ مسئله فرعی شناسایی گردیدند. از نظر آماری بیشترین مسائل فرعی به ترتیب، مربوط به مسائل اصلی ذیل می‌باشند: حکومت (۱۰)، (مصباح یزدی، ۱۳۹۳، ص ۲۱۷، ۲۱۹-۲۲۲، ۲۲۲-۲۲۸-۲۳۰، ۲۳۴-۲۳۵) شوری (۷)، (همان، ص ۲۷۳-۲۷۴، ۲۹۰، ۲۷۶-۲۸۵، ۲۹۱-۲۹۴) قانون‌گذاری (۶)، (همان، ص ۱۵۳-۱۵۷، ۱۶۹-۱۷۰) بیعت (۲)، (همان، ص ۲۹۸-۳۰۱) حاکم و زمامدار (۱)، (همان، ۱۸۶-۱۹۱) دموکراسی و خلافت الهی (۱)، (همان، ص ۲۱۰-۲۱۳) خلافت (۱)، (همان، ص ۲۱۲) مشروعیت و مقبولیت (۱) (همان).

۴. قرآن، مدیریت و علوم سیاسی

اثر فوق، یکی دیگر از آثاری است که به‌صورت موضوعیافته آیات مربوط به مدیریت و علوم سیاسی را از منابع مختلف، جمع‌آوری نموده و دیدگاه قرآن پیرامون مسائل مربوط به حوزه مدیریت و مسائل سیاسی را مطرح نموده است. این اثر از سوی مرکز اطلاع‌رسانی و کتابخانه تخصصی قرآن و علوم روز، وابسته به بنیاد پژوهش‌های قرآنی حوزه و دانشگاه، تهیه، چاپ و منتشر شده است. در تهیه این اثر از ۲۴ منبع که دیدگاه قرآن درباره مدیریت و علوم سیاسی را مورد بحث قرار داده، استفاده شده است.

مسائل سیاسی طرح‌شده:

با بررسی که صورت گرفت در این اثر درمجموع ۶۳ مسئله سیاسی از منظر قرآن مورد بررسی قرار گرفته است که از آن جمله ۱۶ مسئله اصلی و ۴۷ مسئله فرعی مرتبط به آن‌ها، اند که از نظر آماری بیشترین مباحث مربوط مسائل سیاسی اصلی، ذیل می‌باشند: ولایت (۷)، (عباس نژاد و همکاران، ۱۳۸۴، ص ۹۶-۹۹، ۳۹۵، ۱۸۶-۱۸۷ و ۳۷۱) حکومت (۷)، (همان، ص ۴۳۳-۴۳۴، ۲۳۴-۲۳۵، ۲۶۳-۲۶۴، ۱۸۵، ۳۱۰-۳۱۱، ۴۳۵، ۴۷۱، ۳۵۲، ۲۴۲، ۱۲۳-۱۲۵، ۱۷۴، ۱۶۲، ۱۵۵، ۱۸۲، ۳۷۳، ۷۴) عدالت (۵)، (همان، ص ۴۶۵، ۲۹۰، ۴۲۸-۴۲۹، ۴۰۰) آزادی (۵)، (همان، ص ۱۱۵، ۲۳۴، ۳۸۵، ۱۹۸-۱۹۹، ۴۶۹، ۱۱۹، ۴۸۳-۴۸۴) سیاست خارجی (۵)، (همان، ص ۱۰۱، ۱۶۵، ۲۰۰-۲۰۱، ۲۳۰، ۱۱۶) مشروعیت (۳)، (همان، ص ۱۵۸-۱۵۹، ۲۵۱-۲۵۳ و ۴۱۴) بیعت (۳)، (همان، ص ۴۱۰-۴۱۱ و ۱۷۴) جنگ

و جهاد (۳)، (همان، ص ۸۱-۸۳) نظارت (۲)، (همان، ص ۲۲۵، ۴۲۳-۴۲۴) دین و سیاست (۱)، (همان، ص ۱۶۵-۱۶۶ و ۲۱۶) صلح (۱)، (همان) امامت (۱)، (همان، ص ۷۵-۷۶) قانون‌گذار (۱)، (همان، ص ۱۸۵، ۲۹۳) قدرت (۱)، (همان، ص ۴۰۰) پناهندگی (۱)، (همان، ص ۲۳۱) اقلیت‌های دینی (۱) (همان، ص ۴۴۰).

۵. جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن

این اثر، متعلق به آیت‌الله مصباح یزدی است که مسائل تاریخی و جامعه را از منظر قرآن مورد بحث قرار داده است. کتاب با وجود اینکه تحت عنوان: جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن می‌باشد، ولی مباحث قرآنی آن محدود است و بیشتر مطالب آن پیرامون مسائل مختلف جامعه و اجتماع می‌باشند که بدون استفاده از آیات، انجام شده‌اند.

مسائل سیاسی مطرح‌شده:

مسئله سیاسی مطرح شده در این اثر، صفات یک رهبر شایسته است. نویسنده در بخش دهم این کتاب ۲۶ صفت را برای رهبر شایسته، با استناد به آیات قرآن به شرح ذیل برمی‌شمارد:

۱. شناخت کافی هدف. ۲. ایمان کامل به هدف. ۳. عدالت، تقوی و ورع. ۴. شناخت و تعیین اصول. ۵. شناخت نقاط ضعف موجود. ۶. شناخت موانع بر سر راه. ۷. دوراندیشی و برنامه‌ریزی. ۸. توجه مؤکد به تدریجی بودن حرکت اجماعی. ۹. جلب نیروی بالفعل و تربیت و تعلیم نیروهای بالقوه. ۱۰. جلوگیری از اختلاف و افتراق نیروها. ۱۱. صراحت در قول. ۱۲. رازداری. ۱۳. عدم مسامحه در رعایت عملی هدف نهایی. ۱۴. تسامح و سعه صدر در امور فرعی. ۱۵. ارزش قائل شدن برای شخصیت دیگران. ۱۶. انتقادپذیری. ۱۷. تواضع. ۱۸. خیرخواهی و دلسوزی برای دیگران. ۱۹. احسان و نیکی به دیگران. ۲۰. ایثار و از خودگذشتگی. ۲۱. انضباط و فرمان‌برداری خواستن. ۲۲. جلوگیری از انحراف و فساد زیردستان. ۲۳. اشراف بر همه امور. ۲۴. شجاعت. ۲۵. پایداری و استقامت. ۲۶. بررسی و ارزیابی آنچه انجام گرفته (مصباح یزدی، ۱۳۶۸، ص ۳۹۰-۴۰۷).

۶. جامعه آرمانی قرآن کریم

در این اثر، جامعه از منظر قرآن کریم در چهار فصل، مورد بحث قرار گرفته است. نویسنده در فصل اول، تعریف جامعه و در فصل دوم آن جامعه آرمانی در گذر تاریخ را به تفصیل شرح داده و

در فصل سوم سیمای جامعه آرمانی و در فصل چهارم نیز، فرایند و موانع تشکیل جامعه آرمانی را با استفاده از آیات قرآن کریم، تبیین نموده است.

مسائل سیاسی طرح‌شده:

جامعه به‌عنوان یکی از مسائل دانش سیاسی، مسئله محوری این اثر را تشکیل می‌دهد. نویسنده مسائل فرعی زیادی مربوط به جامعه را در قالب ۹ عنوان تشریح نموده است: ۱. جامعه آرمانی (محمدی آشیانی، ۱۳۹۲، ص ۴۱-۱۱۵) ۲. دیدگاه اجتماعی قرآن، (همان، ص ۱۱۷-۱۲۷) ۳. جامعه آرمانی مطلوب قرآن، (همان، ص ۱۳۰-۱۴۹) ۴. ویژگی‌های جامعه آرمانی قرآن، (همان، ص ۱۵۰-۲۰۶) ۵. نهاد و نظام‌های نهادی جامعه آرمانی، (همان، ص ۲۰۷-۲۶۳) ۶. دلایل نپرداختن به تشکیل جامعه آرمانی قرآن، (همان، ص ۲۶۷-۲۷۷) ۷. روش تحقق مراحل و فرایند جامعه آرمانی قرآن، (همان، ص ۲۷۸) ۸. موانع تحقق جامعه آرمانی قرآن، (همان، ص ۲۷۸-۲۹۰) ۹. جهانی‌سازی و جامعه آرمانی. (همان، ص ۲۹۱-۲۹۶).

۷. مبانی اندیشه سیاسی اسلام

کتاب فوق‌الذکر نوشته مرحوم آیت‌الله عمید زنجانی، از جمله آثاری است که مبانی اندیشه سیاسی اسلام را با استفاده از آیات و روایات بررسی نموده. این کتاب با وجود اینکه عنوان قرآنی ندارد، ولی مباحث قرآنی خوبی را مطرح کرده است. از جمله این مباحث، ذکر واژگان سیاسی قرآن کریم و همچنین مفاهیم سیاسی قرآن می‌باشند که مختص این اثر است و در دیگر آثار به آن دو موضوع، پرداخته نشده است. همچنین دیدگاه قرآن در ارتباط به یک تعداد از مسائل مربوط به قدرت نیز در آن تبیین شده است.

مسائل سیاسی مطرح‌شده:

با بررسی که صورت گرفت، در این اثر در مجموع ۶۸ مسئله سیاسی، شامل ۶ مسئله اصلی و ۶۲ مسئله فرعی، مورد بحث قرار گرفته اند. از نظر آماری، بیشتری مباحث صورت گرفته مربوط به مسائل اصلی ذیل است:

مفاهیم سیاسی قرآن (۳۵)، (عمید زنجانی، ۱۳۸۵، ص ۲۶۱-۲۸۹) قدرت (۱۲)، (همان، ص ۳۴۷-۳۵۳) واژگان سیاسی قرآن (۱۰)، (همان، ص ۲۵۷-۲۵۹) انسان (۲)، (همان، آزادی (۱)، امنیت (۱)، حقوق بشر (۱).

۸. نظام سیاسی در قرآن

کتاب نظام سیاسی قرآن، نوشته سید مختار موسوی یکی از آثاری ارزشمندی است پیرامون مسائل سیاسی از منظر قرآن کریم نگاشته شده. این کتاب از آثار جدیدی می‌باشد که در حوزه قرآن و سیاست منتشر شده است. محقق این کتاب را در کتاب‌فروشی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی دیده و فهرست عناوین آن را یادداشت و بر اساس آن یک تعداد از مسائل سیاسی را در آن شناسایی نموده است؛ اما متأسفانه در مراجعه مجدد موفق به تهیه آن نشده است (موسوی، ۱۳۹۷).

مسائل سیاسی مطرح‌شده

با وجود عدم دسترسی مجدد به اثر فوق، برای شناسایی مسائل سیاسی مطرح‌شده در آن از یادداشت اولیه محقق استفاده شده است. در این اثر یک تعداد از مسائل سیاسی از منظر قرآن مورد بحث و بررسی قرار گرفته و از نظر آماری ۴۶ مسئله سیاسی در قالب ۲۶ مسئله اصلی و ۱۸ مسئله فرعی، شناسایی گردید و بیشترین مباحث صورت گرفته نیز، مربوط به مسائل اصلی ذیل می‌باشد: دین و سیاست (۴)، حاکمیت (۲)، آزادی، حزب (۱)، شوری (۱)، دموکراسی (۱)، دفاع (۱)، جهاد (۱)، امر به معروف و نهی از منکر، ولایت (۱)، دشمن (۱)، توسعه (۱)، تبلیغات سیاسی (۱)، مسئولیت (۱)، مقاومت و پایداری، ظلم (۱)، حکومت (۱)، سیاست خارجی (۱)، جنگ (۱)، اکثریت و اقلیت، امنیت، استکبارستیزی، اتحاد و وحدت، صلح و سازش، حقوق بشر، حق و باطل (همان).

۹. اصول تفکر سیاسی در قرآن

کتاب فوق، نوشته محمد زارع قراملکی، یکی دیگر از آثار بسیار خوبی است که به زیبایی تمام، دیدگاه قرآن پیرامون تعدادی از مسائل سیاسی را تبیین نموده است. این اثر دارای سه بخش می‌باشد. بخش اول: اصول و مبانی؛ بخش دوم: اصول راهبردی و بخش سوم: اصول کاربردی. مؤلف بخصوص در دو بخش دوم و سوم دیدگاه قرآن درباره تعدادی از مسائل سیاسی را نیز تشریح نموده است.

مسائل سیاسی مطرح‌شده:

در طی بررسی که صورت گرفت، در مجموع ۷۹ مسئله سیاسی در این کتاب از منظر قرآن مورد

بحث قرار گرفته که از آن میان، ۱۸ مسئله اصلی و ۶۱ مسئله فرعی مرتبط به مسائل، به‌شمار می‌روند. از نظر فراوانی بیشترین مسائل فرعی مربوط به مسائل اصلی ذیل می‌باشد: سیاست خارجی (۸)، (قرا ملک، ۱۳۸۹، ص ۱۸۰-۱۸۵) آزادی (۶)، (همان، ص ۱۴۲-۱۵۳) امامت (۵)، (همان، ص ۹۳-۱۰۶) امنیت (۵)، (همان، ص ۱۵۶-۱۶۴) نظام سیاسی (۴)، (همان، ص ۱۹۹-۲۰۴) قوای سه‌گانه (۴)، (همان، ص ۲۰۸-۲۱۱) عدالت (۴)، (همان، ص ۸۱-۹۰) احزاب (۳)، (همان، ص ۱۹۰-۱۹۴) نظارت (۳)، (همان، ص ۱۲۳-۱۳۲) شورا (۳)، (همان، ص ۱۷۵-۱۷۸) امام (۲)، (همان، ص ۱۰۷-۱۲۰) مشروعیت (۲)، (همان، ص ۱۷۱-۱۷۲) بیعت (۲)، جهاد (۲)، (همان، ص ۱۸۶-۱۸۷) امر به معروف و نهی از منکر (۲)، (همان، ص ۱۲۴ و ۱۳۴) اقلیت (۲)، (همان، ص ۱۹۵-۱۹۶) حکومت (۱)، (همان، ص ۶۳) حاکمیت (۱). (همان، ص ۷۴).

۱۰. فرهنگ اصطلاحات و مفاهیم سیاسی قرآن کریم

کتاب ارزشمندی دیگر که در حوزه قرآن و سیاست، «فرهنگ اصطلاحات و مفاهیم سیاسی قرآن کریم» است که توسط عبدالله نظرزاده نگاشته شده است. در این اثر ۴۷۵ اصطلاح و مفهوم سیاسی با استناد به آیات قرآن کریم ذکر شده‌اند، در حالیکه اکثریت از آن‌ها از جمله مسائل مطرح در دانش سیاسی بشمار نمی‌روند. مثلاً مصیبت، مترف، یُسْر، صحیفه، ذنب و... به‌عنوان مفاهیم سیاسی نامبرده شده، در حالیکه از مسائل سیاسی مطرح در علوم سیاسی نیستند.

مسائل سیاسی مطرح‌شده:

با توجه به اینکه بسیاری از مسائل ذکرشده در این اثر، غیر از مسائل سیاسی ذکرشده در آثار مختلف گرایش‌های دانش سیاسی هستند؛ با این وجود ۵۹ مسئله سیاسی مطرح در دانش سیاسی در این اثر، به شرح ذیل شناسایی گردیدند:

۱. اتباع (تبیعت)، (نظرزاده، ۱۳۹۶، ص ۴۱) ۲. اجماع، (همان، ص ۴۸) ۳. استخلاف (جانشینی)، (همان، ص ۷۸) ۴. استضعاف، (همان، ص ۸۱) ۵. استعمار، (همان، ص ۸۳) ۶. استکبار، (همان، ص ۸۶) ۷. اسیر، (همان، ص ۸۷) ۸. اسلحه، (همان، ص ۹۳) ۹. اصلاح، (همان، ص ۱۰۳) ۱۰. اطاعت، (همان، ص ۱۰۷) ۱۲. امام، (همان، ص ۱۲۰) ۱۳. امت، (همان، ص ۱۲۱) ۱۴. امر به معروف، (همان، ص ۱۲۳) ۱۵. امنیت، (همان، ص ۱۲۵) ۱۶.

انفال، (همان، ص ۱۲۷) ۱۷. انقلاب، (همان، ص ۱۲۹) ۱۸. اولی الامر، (همان، ص ۱۳۰)
 ۱۹. بیعت، (همان، ص ۱۵۵) ۲۰. تدبیر، (همان، ص ۱۷۴) ۲۱. تسخیر، (همان، ص ۱۸۰)
 ۲۲. سلطه، (همان، ص ۱۸۳) ۲۳. تغییر، (همان، ص ۱۹۱) ۲۴. تمکین، (همان، ص ۱۹۴)
 ۲۵. جبار، (همان، ص ۲۰۳) ۲۶. جزیه، خراج (مالیات)، (همان، ص ۲۱۰ و ۲۵۰) ۲۷. جند
 (لشکر)، (همان، ص ۲۱۱) ۲۸. جهاد، (همان، ص ۲۱۳) ۲۹. حصیر، سجن (زندانی)، (همان،
 ص ۲۱۶، ۲۳۱ و ۳۳۳) ۳۰. حرب، مقاتله و قتال (جنگ)، (همان، ص ۲۲۱ و ۴۸۹) ۳۱.
 حزب، (همان، ص ۲۲۵) ۳۲. حصر (محاصره)، (همان، ص ۲۲۹) ۳۳. حکم (حکومت)،
 (همان، ص ۲۳۷-۲۳۸) ۳۴. خلف (عهدشکنی)، (همان، ص ۲۶۰) ۳۵. خمس، (همان،
 ص ۲۶۲) ۳۶. خیانت، (همان، ص ۲۶۷) ۳۷. دار (سرزمین)، (همان، ص ۲۷۴) ۳۸. زکات،
 (همان، ص ۳۲۲) ۳۹. سلطان، (همان، ص ۳۴۳-۳۴۴) ۴۰. سلم (صلح)، (همان، ص
 ۳۴۶-۳۴۸) ۴۱. شوری، (همان، ص ۲۷۳-۲۷۴) ۴۲. طاغوت، (همان، ص ۳۹۹) ۴۳. ظلم،
 (همان، ص ۴۰۵) ۴۴. عدل و عدالت، (همان، ص ۴۱۲) ۴۵. عهد، (همان، ص ۴۳۰-۴۳۱)
 غلبه، (همان، ص ۴۳۲) ۴۶. غنیمت، (همان، ص ۴۳۶) ۴۷. فتح و نصرت، (همان، ص ۴۳۸
 و ۴۹۹) ۴۸. قوم و قبیله، (همان، ص ۴۵۱ و ۴۵۴) ۴۹. قسط، (همان، ص ۴۵۲) ۵۰. قضاء
 و داوری، (همان) ۵۱. قیام، (همان، ص ۴۵۵) ۵۲. کثرت، (همان، ص ۴۵۷) ۵۳. ملک و
 فرمانروایی، (همان، ص ۴۹۲) ۵۴. مهاجر، (همان، ص ۴۹۴) ۵۵. میثاق، (همان، ص ۴۹۵)
 ۵۶. ناس و مردم، (همان، ص ۴۹۶) ۵۷. وزیر، (همان، ص ۵۰۳) ۵۸. ولایت، (همان، ص
 ۵۰۴-۵۰۵) ۵۹. هجرت، (همان، ص ۵۰۶)

۱۱. فرهنگ موضوعی تفاسیر

این اثر در سه جلد، توسط پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، به منظور سهولت دستیابی
 قرآن پژوهان به موضوعات قرآنی و تفسیری تدوین گردیده است. موضوعات اصلی و فرعی این
 فرهنگ برگرفته از متن بیست دوره تفسیر ترتیبی شیعه و اهل سنت می باشند. فرهنگ موضوعی
 تفاسیر، حاوی موضوعاتی است که به تناسب مفاد آیات قرآن کریم و فراتر از منطوق آیه، بررسی
 گردیده است (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۲).

مسائل سیاسی مطرح‌شده:

در این اثر که به‌صورت نرم‌افزار و کتاب می‌باشد، مسائل سیاسی زیادی از تفاسیر استخراج شده‌اند. با وجودی که از نظر عددی، مسائل سیاسی زیادی در این اثر فهرست شده، اما تعدادی از این مسائل از آیات مورد استناد، اصلاً قابل برداشت نیست. این نقیصه است که مشاهده می‌شود. با این وجود، در این کتاب ۸۶ مسئله اصلی در قالب ۷۲۱ عنوان و مسئله فرعی آمده است. به دلیل کثرت منابع ارجاع داده‌شده و بالا رفتن حجم مقاله در صورت ذکر همه آن‌ها و امکان جستجوی این مسائل در نرم‌افزار این اثر، لذا از ذکر ارجاعات خوداری می‌شود.

آزادی (۱۱)، آمادگی نظامی (۵)، اختلاف (۳)، امت (۵)، امر به معروف (۲۲)، امنیت (۱۱)، انتخابات (۵)، انسان (۱۰)، اهل حل و عقد (۶)، اولی الامر (۳)، اهل ذمه (۱)، اهل کتاب (۱)، برابری و مساوات (۱)، بیت المال (۱)، استعمار (۳)، اصلاح (۹)، اطاعت (۱۳)، اقلیت (۱)، اکثریت (۶)، اولو‌هیت (۷)، امام (۸)، امامت (۱۳)، بیعت (۱۰)، بیگانگان (۶)، پادشاه (۵)، پناهنده (۷)، پیروزی (۱۸)، تبعیت (۲)، تبعید (۱)، تبعیض (۲)، تدبیر (۱)، تشریع (۹)، جامعه (۴۷)، جنگ (۳۸)، جهاد (۲۰)، حاکم/رهبر (۲۴)، حبس/زندان (۳)، حزب (۳)، حقوق (۱۷)، حکم (۱)، حکمیت/داوری (۱)، حکومت (۳۴)، حکومت اسلامی (۱۱)، خلافت (۱۱)، دارالحرب (۱۰)، دارالاسلام (۳)، دارالسلام (۲)، دارالکفر (۲)، دارالندوه (۲)، دموکراسی (۴)، رابطه (۸)، سقوط (۴)، سلاح (۴)، سوسیالیسم (۳)، سیاست (۲)، شورا (۴)، طاغوت (۳)، صلح (۸)، ظالم/ظالمان (۲۵)، ظلم (۱۹)، عدالت (۲۷)، عهد (۲۰)، قاضی (۷)، قانون (۱۲)، قدرت (۱۲)، قدرت‌طلبی (۴)، قسط (۲)، کشور (۲)، مجاهدان (۷)، محارب (۱۵)، مدیریت (۳)، مرزبانی (۴)، مسئولیت (۱۱)، مساوات (۶)، مستضعف/استضعاف (۱۱)، مستکبران (۸)، مظلوم (۴)، ملت/ملیت (۵)، منکر (۶)، مهاجران (۱)، نهی از منکر (۱۲)، وکالت (۲)، ولایت (۲۷)، ولایت فقیه (۱)، ولی (۵)، هجرت (۱۵) (جمع‌ی از نویسندگان، ۱۳۸۲).

۱۲. جستاری در مبانی سیاست مطلوب قرآن کریم

یکی از آثار دیگری که دیدگاه قرآن پیرامون سیاست را شرح داده است، کتاب «جستاری در مبانی سیاست مطلوب قرآن کریم» نوشته دکتر محمد صدیق کوشکی، است که مباحث خوبی را درباره مبانی سیاست مطلوب از منظر قرآن، مطرح کرده است.

مسائل سیاسی مطرح‌شده:

نویسنده در این کتاب، با استفاده از آیات، دیدگاه قرآن پیرامون سیاست مطلوب، تحت عناوین ذیل را شرح داده است: ۱. سیاست در قرآن کریم (کوشکی، ۱۳۸۹، ص ۲۵-۵۲). ۲. مظاهر سیاست مطلوب در قرآن. (همان، ص ۵۳-۷۶) ۳. مبانی سیاست مطلوب در قرآن همان، ص ۷۷-۱۵۱).

۱۳. قدرت سیاسی از منظر قرآن کریم

این کتاب اثر سید کاظم سید باقری است که آثار زیادی در حوزه قرآن و سیاست دارند. اثر مذکور از آثار نوشته‌شده در حوزه قدرت از منظر قرآن می‌باشد که نویسنده با استفاده از آیات، دیدگاه قرآن درباره قدرت سیاسی را تبیین نموده است.

مسائل سیاسی مطرح‌شده:

نویسنده با استناد به آیات، دیدگاه قرآن پیرامون ۵ مسئله فرعی مربوط به قدرت سیاسی را که یکی از مسائل مطرح در علوم سیاسی می‌باشد، در شش فصل، شرح داده است: ۱. تبیین مفاهیم و ادبیات علمی موضوع، (باقری، ۱۳۹۴، ص ۲۸-۳۵) ۲. قدرت سیاسی و مفاهیم‌های مرتبط، (همان، ص ۳۶-۴۵) ۳. ماهیت، سطوح و مؤلفه‌های قدرت سیاسی در قرآن کریم. (همان، ص ۷۳-۱۳۰) ۲. گونه شناسی قدرت سیاسی، خواستگاه، مبانی و شاخصه‌ها (همان، ص ۱۳۳-۲۰۷) ۳. هدف‌ها و کارکردهای قدرت. (همان، ص ۲۰۹-۲۷۰) ۴. آسیب‌شناسی قدرت سیاسی از منظر قرآن کریم (همان، ص ۲۷۳-۲۹۸) ۵. سازوکارهای مهار قدرت سیاسی (همان، ص ۳۰۱-۳۵۸)

۱۴. آزادی در قرآن

آزادی از مسائل مهم دانش سیاسی است. نویسنده در این اثر دیدگاه قرآن درباره آزادی را از زوایای مختلف شرح داده است. این کتاب از جمله آثار خوبی است که مباحث مربوط به آزادی از منظر قرآن در آن تشریح شده است.

مسائل سیاسی مطرح‌شده:

با بررسی که صورت گرفته در این اثر ۷ مسئله فرعی مربوط به آزادی با مباحث جزئی زیادی، از منظر قرآن تبیین شده است که رئوس این مسائل عبارت‌اند از: درآمدی بر آزادی از منظر قرآن

(ایازی، ۱۳۷۹، ص ۱۹-۵۰) ۲. مبانی آزادی (همان، ص ۵۵-۹۹) ۳. آزادی عقیده (همان، ص ۱۰۱-۱۶۰) ۴. آزادی بیان (همان، ص ۱۶۵-۲۴۱) ۵. شبهات آزادی (ارتداد) (همان، ۲۴۳-۳۱۴) ۶. شبهات آزادی (جهاد) (همان، ص ۳۲۱-۳۷۶) ۷. آزادی اجتماعی و سیاسی (همان، ص ۳۸۱-۴۳۰).

۱۵. سکولاریسم از منظر قرآن

سکولاریسم از مسائل نوظهور و چالشی دانش سیاسی است که در این کتاب از منظر قرآن مورد بحث قرار گرفته است. نویسنده ضمن نقد دیدگاه‌های مطرح درباره سکولاریسم، نظر قرآن کریم درباره این مسئله سیاسی را به تفصیل، شرح داده است.

مسائل سیاسی مطرح شده:

مسئله سیاسی محوری این اثر سکولاریسم است. با بررسی که صورت گرفت، از نظر آماری در کل ۵۷ مسئله سیاسی در قالب چهار عنوان اصلی در این کتاب مطرح شده‌اند. بیشترین مباحث مربوط به خود مسئله سکولاریسم (۲۷) (اسدی‌نسب، ۱۳۸۶، ص ۲۶-۱۱۲) است. در مرحله بعدی برداشت‌های سکولارها از یک سری مسائل سیاسی (۲۰) (همان، ص ۲۰۹-۲۷۸) همراه با نقد و بررسی آن توسط نویسنده، قرار دارد. مسائل مربوط به حکومت (۸) (همان، ص ۱۹۰-۲۰۱) و انسان (۲) (همان، ص ۱۱۱-۱۱۲) نیز در رتبه سوم است. عناوین اصلی مباحث کتاب به صورت ذیل می‌باشد: ۱. کلیاتی درباره سکولاریسم، (همان، ص ۱۵-۷۳) ۲. مبانی قلمروشناسی قرآن، (همان، ص ۷۷-۱۳۰) ۳. دلایل قرآنی بر قلمرو اجتماعی، (همان، ص ۱۳۳-۲۰۱) ۴. نقدی بر برداشت سکولارها از قرآن، (همان، ص ۲۰۷-۲۷۸)

۱۶. قرآن و سکولاریسم

این کتاب نوشته آقای قراملکی و یکی از آثار دیگر در حوزه قرآن و سکولاریسم است. کتاب در چهار فصل تنظیم شده و نویسنده سکولاریسم از منظر قرآن کریم را، مورد نقد قرار داده و دیدگاه قرآن درباره آن را بیان کرده است.

مسائل سیاسی مطرح شده:

نویسنده در این اثر، ابتدا با استفاده از آیات، به نقد مبانی سکولاریسم پرداخته، سپس مدل‌های

آن را مورد نقد قرار داده و در پایان، ادله و شبهات قرآنی سکولاریست‌ها را بیان کرده است: ۱. نقد مبانی سکولاریسم با اتکا به آیات. (قراملکی، ۱۳۹۰، ص ۵۳-۱۱۷) ۲. مدل‌های سکولاریسم و نقد آن (همان، ص ۱۰۵-۱۶۳). ۳. ادله و شبهات قرآنی سکولاریست‌ها. (همان ص ۱۶۵-۲۴۳).

۱۷. قرآن و اومانیسم

اومانیسم از مسائل جدید و مهم دانش سیاسی است که نویسنده کتاب «قرآن و اومانیسم»، دیدگاه قرآن کریم درباره آن را با استفاده از آیات قرآن، تشریح نموده است. این اثر تنها اثری است که این زمینه مورد شناسایی قرار گرفته است.

مسائل سیاسی طرح شده:

نویسنده با استناد به آیات مختلف، دیدگاه قرآن پیرامون اومانیسم به عنوان یکی از مسائل مهم و کاربردی دانش سیاسی را تبیین تحت عناوین و مسائل فرعی ذیل تبیین نموده است: ۱. مباحث کلی درباره اومانیسم (تعریف، ارکان و سیر تاریخی)، (فررودی، ۱۳۹۶، ص ۱۵-۷۹) ۲. ارزیابی مبانی و مؤلفه‌های اومانیسم از نگاه قرآن، (همان، ص ۸۱-۱۳۸) ارزیابی آثار و پیامدهای اومانیسم، (همان، ص ۱۴۳-۱۶۷) مقایسه انسان‌شناسی قرآن و کریم و اومانیسم (همان، ص ۱۷۱-۲۲۱).

۱۸. پلورالیسم دینی از منظر قرآن

نویسنده در این کتاب دیدگاه قرآن کریم پیرامون پلورالیسم دینی یا تکثرگرایی دینی را به تفصیل شرح داده است. وی در بخش پنجم این کتاب، به بحث درباره پلورالیسم اجتماعی پرداخته که از جمله مسائل سیاسی است و در قالب چهار فصل آن را تبیین نموده است.

مسائل سیاسی طرح شده:

در این اثر، در ضمن مباحث دیگر، دیدگاه قرآن درباره برخی از مسائل سیاسی نیز به شرح ذیل طرح شده‌اند: ۱. مفهوم‌شناسی پلورالیسم دینی، (اسلامی، ۱۳۸۸، ص ۲۷-۳۰) خاستگاه پلورالیسم دینی، (همان، ص ۳۱-۳۶) شاخصه‌ها و ویژگی‌های پلورالیسم دینی، (همان، ص ۳۷-۴۲) مستندات قرآنی کثرت‌گرایان، (همان، ص ۴۹-۱۸۵) دیدگاه کلی قرآن درباره پلورالیسم

اجتماعی، (همان، ص ۲۹۳-۳۰۳) پلورالیسم اجتماعی آزادی عقیده، (همان، ص ۳۰۶-۳۲۷) پلورالیسم اجتماعی و جهاد اسلامی، (همان، ص ۳۲۸-۳۵۴) برخی از آیات درباره پلورالیسم دینی. (همان، ص ۳۶۷-۳۷۱)

۱۹. جنگ و جهاد در قرآن

این اثر نوشته آیت الله مصباح یزدی است که دیدگاه قرآن پیرامون جنگ و جهاد را که از جمله مسائل مهم در مطالعات سیاسی قرآن است، به تفصیل با استناد به آیات قرآن کریم شرح داده است.

مسائل سیاسی مطرح شده:

نویسنده در این اثر، با استفاده از آیات، دیدگاه قرآن درباره جنگ و جهاد را در شش فصل و با جزئیات زیاد و تحت عناوین ذیل تشریح نموده است: ۱. جنگ از منظر تکوینی. (مصباح یزدی، ۱۳۸۳، ص ۲۶-۷۲) ۲. جایگاه جنگ در نظام تشریعی. (همان، ص ۷۹-۱۱۳) ۳. اقسام جنگ در قرآن. (همان، ص ۱۱۷-۱۴۸) ۴. شیوه‌های انگیزش و پرورش مجاهدان. (همان، ص ۱۵۵-۱۸۹) ۵. امدادهای غیبی خداوند و پیروزی حق (همان، ص ۲۰۱-۲۲۴).

۲۰. جنگ روانی از منظر قرآن

جنگ روانی مسئله‌ای است که با وجود اهمیت اساسی آن در حوزه سیاست، کمتر مورد توجه قرار گرفته است. نویسنده در این اثر، مسائلی مانند تبلیغات، شایعه‌پراکنی، شستشوی مغزی، وحشت‌آفرینی، نبرد اطلاعاتی و... را به تفصیل با استناد به آیات قرآن، مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

مسائل سیاسی مطرح شده:

جنگ روانی، مسئله اصلی اثر فوق را تشکیل می‌دهد و نویسنده با استناد به آیات در دو بخش عمده که دارای مسائل فرعی دیگر نیز می‌باشد، به تفصیل مورد بحث قرار داده است: ۱. تحلیلی بر جنگ روانی با تأکید بر کتاب و سنت. (منصورنژاد، ۱۳۸۷، ص ۱۱-۵۴) ۲. قرآن، پیامبران اولوالعزم و جنگ روانی (همان، ص ۵۸-۱۵۰).

۲۱. درآمدی تحلیلی بر جایگاه صلح و جنگ در قرآن و سیره نبوی

این کتاب نوشته امیر ذوقی و یکی از آثار دیگر در حوزه قرآن و سیاست است که دو مسئله سیاسی صلح و جنگ را با استفاده از آیات مختلف قرآن و احادیث نبوی (ص)، مورد بحث و بررسی قرار داده است.

مسائل سیاسی مطرح شده:

نویسنده در این اثر، جنگ و صلح را که همواره از سوی صاحب‌نظران، مورد نقد و بررسی قرار گرفته را با استناد به آیات قرآن کریم و سیره نبوی در سه بخش، مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است. عناوین اصلی این اثر عبارت‌اند از: ۱. تعریف جهاد (جهاد ابتدایی و دفاعی) و صلح، (ذوقی، ۱۳۸۸، ص ۱۸-۴۰) ۲. قتال. (همان، ص ۶۳-۱۱۸) ۳. صلح و همزیستی (همان، ص ۱۳۵-۱۷۵).

۲۲. قرآن و دفاع

نویسنده کتاب «قرآن و دفاع» دیدگاه قرآن کریم درباره دفاع یا جنگ تدافعی را به ضمیمه نفی تروریسم با استفاده از آیات قرآن کریم، شرح و تبیین نموده است. مسئله جنگ و از آن جمله دفاع از جمله مسائل مطرح در دانش سیاسی است که نویسنده در این اثر از زوایای مختلف به بحث پیرامون آن پرداخته است.

مسائل سیاسی طرح شده:

جهاد دفاعی از جمله مسائل مهم فقه سیاسی است که نویسنده در این اثر مباحث متنوع و خوبی درباره آن تبیین نموده و با بررسی انجام شده، مسائل فرعی ذیل در آن شناسایی گردید: ۱. ضرورت دفاع از دیدگاه قرآن، (علوی مهر، ۱۳۹۴، ص ۱۰) ۲. رابطه جهاد و دفاع، (همان، ص ۱۷) ۳. جهادی ابتدایی و دفاعی، (همان، ص ۲۲-۲۷) ۴. دلایل دفاع، (همان، ص ۲۷-۳۲) ۵. شیوه‌های دفاع، (همان، ص ۳۳-۴۶) ۶. تحلیل ماهیت جنگ‌های پیامبر اسلام، (همان، ص ۴۷-۶۸) ۷. اقسام دفاع، (همان، ص ۶۹-۱۰۱) ۸. شرایط دفاع، (همان، ص ۱۰۲-۱۰۷) ۹. نفی تروریسم در آموزه‌های قرآنی، (همان، ص ۱۰۸-۱۳۹) ۱۰. نقد و بررسی شبهات. (همان، ص ۱۴۰-۱۵۳)

۲۳. حکمرانی شایسته از منظر قرآن کریم

این اثر محصول سخنرانی‌های نشست علمی با همین عنوان است که نویسندگان آن محمدجواد ارسط، مهدیه سادات مستقیمی و تقی دشتی می‌باشند. در این کتاب مهم‌ترین ویژگی‌های یک حکمران شایسته با استفاده از آیات قرآن کریم شرح داده شده است.

مسائل سیاسی مطرح‌شده:

مسئله محوری این اثر، حکمرانی شایسته است که نویسندگان، با استفاده از آیات قرآن کریم و در قالب سه فصل با تأکید بر محوریت عدالت، مباحث بنیادین در ارتباط به این مسئله اساسی را مورد بحث قرار داده‌اند.

۱. تبیین مفهوم ویژگی‌های حکمرانی شایسته (ارسط، ۱۳۹۳، ص ۱۲-۱۵) ۲. حکمرانی شایسته در عظیم‌ترین آیه قرآن. (همان، ص ۲۲-۵۴) ۳. تحلیل معنای حکمرانی شایسته. (همان، ص ۵۸) ۴. مروری بر شاخص‌های قرآنی حکمرانی شایسته، (همان، ص ۶۰) ۵. عدالت به مثابه روح ساری در شاخصه‌های حکمرانی شایسته، (همان، ص ۶۹) ۶. شئون اصلی حکمرانی، (همان، ص ۷۶) ۷. بازخوانی پارادایم عدالت در شئون چهارگانه حکمرانی، (همان، ص ۷۸) ۸. عدالت به مثابه پارادایم حقوق و حکمرانی به مثابه ضامن اعطای حقوق، (همان، ص ۸۴) ۹. عدالت به مثابه پارادایم اخلاق و حکمرانی به مثابه ضامن اجرای اخلاق، (همان، ص ۸۵) ۱۰. تحلیل گستره عدالت در زبان قرآن، (همان، ص ۸۹) ۱۱. موجبات تحقق عدالت در قلمرو حکمرانی شایسته (همان، ص ۹۱).

۲۴. مشروعیت حکومت در قرآن (با تأکید بر تفاسیر معاصر شیعه)

این کتاب نوشته علی آقاجانی است که مشروعیت حکومت را که یکی از مهم‌ترین مسائل مطرح در علوم سیاسی است، از منظر قرآن و با تأکید بر تفاسیر معاصر شیعه، مورد بحث و بررسی قرار داده است. این اثر یکی آثار خوبی است که در حوزه مشروعیت حکومت از منظر قرآن نگاشته شده و نویسنده مشروعیت حکومت پیامبران، پیامبر اسلام، امامان و مشروعیت حکومت در عصر غیبت را، با استناد به آیات قرآن کریم شرح داده است.

مسائل سیاسی مطرح‌شده:

این اثر در شش فصل، دیدگاه قرآن دربارهٔ ۵ مسئله فرعی مربوط به مشروعیت را به طرح ذیل، تبیین

نموده است:

۱. مفهوم‌شناسی و تقسیمات مشروعیت، (آقاجانی قناد، ۱۳۹۶، ص ۷-۱۶) ۲. مشروعیت حکومت پیامبران در قرآن، (همان، ص ۳۹-۵۵) ۳. مشروعیت حکومت پیامبر اکرم (ص) در قرآن (همان، ص ۵۷-۸۱) ۴. مشروعیت حکومت امامان در قرآن (تفاسیر معاصر شیعه). (همان، ص ۸۳-۱۰۷) ۵. مشروعیت حکومت در عصر غیبت در قرآن. (همان، ص ۱۰۹-۱۵۵) ۶. بررسی مشروعیت الهی- مردمی حکومت در عصر غیبت (همان، ص ۱۵۷-۲۱۷)

۲۵. تهدیدات نرم سیاسی در قرآن

این کتاب نوشته محمدجواد جاوری، از جمله آثار حوزه قرآن و سیاست است که از منظرهای مختلف به بررسی مسائل مربوط به تهدیدات نرم سیاسی پرداخت است. در این اثر، تهدیدات نرم از زوایای مختلف مانند شناخت تهدیدات نرم، فتنه‌انگیزی، دروغ‌پردازی، عدم بصیرت، عدم اطاعت از رهبر جامعه،... و نبود نهی از منکر؛ به‌عنوان تهدیدات نرم سیاسی، با استناد به آیات قرآن کریم، مورد بحث قرار گرفته است.

مسائل سیاسی مطرح‌شده:

بحث محوری این اثر، تهدیدات نرم سیاسی است که تحت ۱۵ عنوان و مسئله فرعی، مورد بحث قرار گرفته است.

۱. شناخت تهدیدات نرم. (جاوری، ۱۳۹۲، ص ۲۹-۵۲) ۲. تهدیدات نرم سیاسی در قرآن کریم (همان، ص ۵۵-۵۹) ۳. فتنه و فتنه‌انگیزی. (همان، ص ۵۹-۱۱۸) ۴. دروغ‌گویی و دروغ‌پردازی. (همان، ص ۱۲۱-۱۶۴) ۵. عدم بصیرت، بینش و معرفت. (همان، ص ۱۶۷-۱۸۱) ۶. تاکتیک و حربه استهزا. (همان، ص ۱۸۵-۱۸۷) ۷. مجادله، ستیز و محاجه. (همان، ص ۱۹۱-۲۰۷) ۸. عدم اطاعت از رهبر جامعه. (همان، ص ۲۰۹-۲۱۶) ۹. دوستی و ارتباط با دشمنان و بیگانگان. (همان، ص ۲۱۹-۲۶۱) ۱۰. تهدیدات شیاطین. (همان، ص ۲۶۳-۲۸۲) ۱۱. نفاق و منافقین. (همان، ص ۲۸۵-۳۳۰) ۱۲. خیانت‌گری. (همان، ص ۲۳۳-۲۴۴) ۱۳. ایجاد شک و تردید در جامعه (همان، ص ۳۴۷-۳۵۵) ۱۴. اشراف و مترفین. (همان، ص ۳۵۹-۳۷۳) ۱۵. نبود نهی از منکر (همان، ص ۳۷۵-۳۸۰)

۲۶. ولایت در قرآن

کتاب «ولایت در قرآن» نوشته آیت الله جوادی آملی است که دیدگاه قرآن درباره ولایت را شرح داده است. نویسنده در این اثر، ولایت را از منظرهای مختلف مانند: مفهوم ولایت، ولایت حق، ولایت باطل، ماهیت ولایت، وجود خارجی ولایت، اقسام ولایت خدا، ولایت باطل، ولی کیست؟ ولایت تکوینی و تشریعی خداوند، ولایت عامه و خاصه، حاکمیت الهی در لسان آیات قرآن کریم و مباحث فرعی دیگری را، به استفاده از آیات قرآن، شرح و تبیین نموده است.

مسائل سیاسی مطرح شده:

در این اثر، ولایت مسئله اصلی آن بشمار می‌رود و نویسنده مباحث زیادی پیرامون آن مطرح نموده که رئوس مسائل فرعی آن در قالب ۱۸ عنوان و مسئله فرعی عبارتند از: ۱. ولایت در قرآن (جوادی آملی، ۱۳۷۵، ص ۳۸-۴۹). ۲. ولایت چیست؟ (همان، ص ۴۹-۶۶). ۳. وجود خارجی ولایت، (همان، ص ۵۱). ۴. ماهیت ولایت در قرآن (همان، ص ۶۰). ۵. عاقبت ولایت باطل، (همان، ص ۶۳). ۶. معیار جدایی ولایت حق از باطل، (همان، ص ۶۵). ۷. اقسام ولایت خدای سبحان، (همان، ص ۷۳). ۸. دلایل ولایت در قرآن کریم، واسطه در ثبوت و اثبات. (همان، ص ۷۵). ۱۰. ولایت در آیات (همان، ص ۸۷). ۱۱. انحصار ولایت در آیات (همان، ص ۱۰۰). ۱۲. ولی کیست؟ (همان، ص ۱۰۹). ۱۳. صمدیت منشأ ولایت، (همان، ص ۱۵۲-۱۵۵). ۱۴. ولایت تکوینی و ولایت تشریعی خداوند، (همان، ص ۲۱۷-۲۳۷). ۱۵. حاکمیت الهی در آیات قرآن کریم، (همان، ص ۲۳۷). ۱۶. سلب حاکمیت از غیر خداوند، (همان، ص ۲۳۸). ۱۷. ولایت عامه و ولایت خاصه، (همان، ص ۲۶۳). ۱۸. مظاهر و مجالی ولایت الهی (همان، ص ۳۱۸).

۲۷. ولایت در قرآن (ولایت رحمانی و ولایت شیطانی)

کتاب «ولایت در قرآن» نوشته آقای عبدالله حق جو، از دیگر آثار حوزه قرآن و سیاست است. نویسنده در این اثر، معنا و مفهوم ولایت، مفهوم خلیفه و شیطان، ضرورت خلافت الهی و مصادیق عینی آن، صفات خلیفه الهی، ویژگی‌های ولایت خلیفه الهی، عوامل بهره‌مندی از ولایت خلیفه الهی و در پایان موانع بهره‌مندی از ولایت خلیفه الهی را به استفاده از آیات قرآن کریم، مورد بحث و بررسی قرار داده است.

مسائل سیاسی مطرح‌شده:

ولایت، مسئله اصلی و محوری این کتاب را تشکیل می‌دهد و نویسنده ۱۳ مسئله فرعی و مبحث مرتبط به آن را با استفاده از آیات تبیین نموده است. ۱. معنا و مفهوم ولایت، (حق جو، ۱۳۸۹، ص ۳۱-۴۶) ۲. مفهوم خلیفه و شیطان، (همان، ص ۴۷-۶۳) ۳. ضرورت خلافت الهی و مصادیق عینی آن، (همان، ص ۶۷-۸۳) ۴. صفات خلافت الهی، (همان، ص ۸۷-۱۳۳) ۵. ویژگی‌های ولایت خلیفه الهی، (همان، ص ۱۳۵-۱۶۲) ۶. عوامل بهره‌مندی از خلافت الهی، (همان، ص ۱۶۵-۲۱۰) ۷. موانع بهره‌مندی از خلافت الهی، (همان، ص ۲۱۳-۲۵۷) ۸. آثار ولایت خلیفه الهی و صفات افراد در تحت لوای آن، (همان، ص ۲۶۱-۳۰۵) ۹. تحقق خارجی شیطان و صفات او در قرآن، (همان، ص ۳۰۹-۳۳۵) ۱۰. خصوصیات ولایت‌مداری شیطان در قرآن، (همان، ص ۳۳۹-۳۷۷) ۱۱. عوامل زمینه‌ساز ولایت شیطان، (همان، ص ۳۷۹-۴۰۸) ۱۲. موانع تحقق ولایت شیطان، (همان، ص ۴۱۱-۴۲۹) ۱۳. عواقب زیان‌بار ولایت شیطان و صفات افراد در تحت لوای آن. (همان، ص ۴۳۷-۴۴۶)

۲۸. ولایت در پرتو آیات

این اثر از جمله آثار دیگر است که مسئله ولایت را از منظر قرآن مورد بحث قرار داده است. آقای علی جان محمدی، نویسنده این کتاب، ولایت را در آیات مختلف قرآن مورد بحث قرار داده. رئوس مطالب کتاب شامل مطالب ذیل اند: واژه‌شناسی امامت و ولایت، شئون امامت یا فلسفه وجودی امام، دلایل ضرورت امام، ویژگی‌های امام و همچنین آیات مربوط به امامت و ولایت را به تفصیل شرح داده است.

مسائل سیاسی مطرح‌شده:

در این کتاب نیز، مسئله اصلی آن را ولایت تشکیل می‌دهد و نویسنده، آیات مرتبط به ولایت را به شرح ذیل، مورد بحث و بررسی قرار داده است: ۱. واژه‌شناسی امامت و ولایت (محمدی، ۱۳۸۳، ص ۱۹). ۲. اقسام ولایت (همان، ص ۲۳-۲۶) ۳. شئون امامت یا فلسفه وجودی امام. (همان، ص ۲۸-۳۰) ۴. دلایل ضرورت وجود امام (همان، ص ۳۱-۳۴) ۵. ویژگی‌های امام، (همان، ص ۳۶-۳۷) ۶. آیات مربوط به امامت و ولایت. (همان، ص ۴۳-۴۶۳)

۲۹. سیری در آیات ولایت و امامت

کتاب «سیری در آیات ولایت و امامت» از دیگر آثار مربوط به مسئله ولایت، نوشته آیت الله یثربی است. این کتاب در سه جلد چاپ و منتشر شده است. نویسنده در جلد اول به بحث پیرامون امام شناسی و نقد نظریات وهابیت پرداخته و در جلد دوم، عدالت صحابه را با استناد به آیات و از منظر تاریخ، مورد نقد و بررسی قرار داده و در جلد سوم نیز به بررسی فتوحات خلفا و منع تدوین حدیث، پرداخته است.

مسائل سیاسی مطرح شده:

مسئله اصلی جلد اول کتاب، امام شناسی و مسئله اصلی جلد دوم، عدالت و مسئله اصلی جلد سوم، فتوحات خلفا است. در این کتاب ۳ مسئله اصلی (امام، عدالت، خلیفه) و ۱۷ مبحث و مسائل فرعی ذیل، طرح شده است: ۱. مقام امامت نیازمند جعل الهی است، (یثربی، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۱۲) ۲. تفاوت امامت مطلقه و مطلق امامت، (همان، ص ۲۰) ۳. وجوب اطاعت از امام، (همان، ص ۴۰) ۴. معنای کلمه اولی الامر، (همان، ص ۴۲) ۵. سخنی در تکامل ائمه، (همان، ص ۶۳-۸۳) ۶. گزینش و انتخاب الهی در قرآن، (همان، ص ۸۷-۱۰۵) ۷. امامان واسطه‌های فیض تشریعی و تکوینی، (همان، ص ۱۰۶) ۸. فهم عمیق آیات ولایت، (همان، ص ۱۰۸) ۹. جایگاه ائمه در نظام آفرینش، (همان، ص ۱۱۹) ۱۰. ثمرات عدالت صحابه، (همان، ج ۲، ص ۱۸) ۱۱. ادله اهل سنت، (همان، ص ۲۲-۴۴) ۱۲. اشکالاتی بر نظریه عدالت صحابه، (همان، ص ۴۸-۶۴) ۱۳. صحابه در ترازوی تاریخ، (همان، ص ۶۷-۸۸) ۱۴. عدالت صحابه از نظر آیات، (همان، ص ۹۱-۲۱۴) ۱۵. استناد به سنت برای اثبات عدالت صحابه. (همان، ۲۱۷-۲۶۱) ۱۶. انواع و اهداف جهاد، (همان، ج ۳، ص ۱۷-۸۷) ۱۷. اهداف جنگ‌های خلفا، (همان، ص ۸۱-۱۷۱)

۳۰. آیات ولایت در قرآن؛

این اثر، توسط سید محمد مرتضوی، نوشته شده و در پنج جلد از سوی مجمع جهانی شیعه شناسی چاپ و منتشر شده است. این اثر در مورد ولایت با استناد به آیات قرآن، بحث نموده است. این اثر از جمله آثار ارزشمندی می‌باشد که مسئله ولایت را به تفصیل همراه با پاسخگویی به شبهاتی که در این زمینه مطرح بوده و می‌شود، شرح و تبیین نموده است.

مسائل سیاسی مطرح شده:

مسئله اصلی این اثر ولایت است و نویسنده ۳۴ مسئله فرعی مرتبط با آن را با استناد به آیات تشریح کرده است.

۱. کلیات آیات ولایت، (مرتضوی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۴۱-۱۱۶) ۲. تقریر استدلال شیعه به آیه ولایت، (همان، ص ۱۲۶-۱۹۸) ۳. معنای ولایت، (همان، ص ۲۰۴) ۴. شبهات اسباب نزول، (همان، ص ۲۲۹-۲۴۳) ۵. شبهات سیاق، (همان، ص ۲۵۰-۲۸۶) ۶. شبهات ادبی، (همان، ص ۲۹۱-۳۳۶) ۷. شبهات فقهی، (همان، ص ۳۴۳-۳۶۵) ۸. شبهات رجالی، (همان، ص ۳۷۱-۴۳۴) ۹. شبهات کلامی، (همان، ص ۴۳۹-۴۸۹) ۱۰. شبهات اصولی، (همان، ص ۴۹۳-۵۰۷) ۱۱. شبهات تاریخی، (همان، ص ۵۱۱-۵۳۱) ۱۲. شبهات اقتصادی. (همان، ص ۵۳۵) ۱۳. زمینه‌های فکری، اجتماعی، سیاسی جانشینی رسول خدا^(ص)، (همان، ج ۲، ص ۲۵-۷۲) ۱۴. تقریر استدلال شیعه به آیه تبلیغ، (همان، ص ۸۲-۱۰۲) ۱۵. شواهد نزول آیه تبلیغ در غدیر خم، (همان، ص ۱۱۳-۱۴۳) ۱۶. شبهات کلامی، (همان، ص ۱۴۷-۱۶۲) ۱۷. شبهات تاریخی، (همان، ص ۱۷۱-۲۰۲) ۱۸. شبهات محتوایی، (همان، ص ۲۱۷-۲۴۸) ۱۹. تقریر استدلال شیعه به آیه اکمال، (همان، ج ۳، ص ۲۱-۹۲) ۲۰. شبهات ادبی، (همان، ص ۹۹-۱۰۶) ۲۱. شبهات اسباب نزول، (همان، ص ۱۱۱-۱۲۹) ۲۲. شبهات سیاسی، (همان، ص ۱۳۵-۱۵۲) ۲۳. شبهات تاریخی، (همان، ص ۱۵۷-۱۶۶) ۲۴. تقریر استدلال شیعه بر آیه تطهیر، (همان، ج ۴، ص ۲۵-۲۹) ۲۵. شواهد شأن نزول، (همان، ص ۳۳-۱۱۰) ۲۶. شبهات ادبی، (همان، ص ۱۱۵-۱۳۹) ۲۷. شبهه سیاق، (همان، ص ۱۴۵-۱۶۷) ۲۸. شبهه کلامی، (همان، ص ۱۷۳-۱۸۵) ۲۹. شبهات تاریخی، (همان، ص ۱۹۱-۲۵۰) ۳۰. شبهات اسباب النزول، (همان، ص ۲۵۵-۲۶۵) ۳۱. تفسیر آیه اولی الامر از دیدگاه اهل سنت، (همان، ج ۵، ص ۲۱-۶۶) ۳۲. تقریر استدلال شیعه، (همان، ص ۷۵-۱۳۴) ۳۳. شبهات ادبی و کلامی، (همان، ص ۱۳۹-۱۸۰) ۳۴. شبهات تاریخی (همان، ص ۱۸۹-۱۹۸).

۳۱. آیات ولایت در قرآن

آیت الله مکارم شیرازی در این اثر، ۲۲ آیه مرتبط به مسئله ولایت را شرح و تفسیر نموده است. این کتاب یکی از آثار مهم درباره مسئله ولایت به عنوان یکی از مسائل سیاسی دارای آثار مختلف،

است. نویسندگان با استناد به آیات مختلف، دیدگاه قرآن پیرامون ولایت را تبیین نموده است.

مسائل سیاسی طرح شده:

نویسندگان در این اثر با استناد به آیات متعدد قرآن، مباحث مفید و مفصلی را در ارتباط به مسئله ولایت که یکی از مسائل مهم کلام سیاسی است، به ترتیب ذیل شرح و تفسیر نموده است: ۱. آیه تبلیغ، (مکارم شیرازی، ۱۳۸۱، ص ۲۵-۴۸) ۲. آیه اکمال دین، (همان، ص ۵۳-۷۱) ۳. آیه ولایت، (همان، ص ۷۵-۱۰۵) ۴. آیه اولی الامر، (همان، ص ۱۰۹-۱۲۷) ۵. آیه صادقین، (همان، ص ۱۳۳-۱۴۷) ۶. آیه تطهیر، (همان، ص ۱۵۵-۱۶۹) ۷. آیه مودت، (همان، ص ۱۷۵-۱۹۷) ۸. آیه مباهله، (همان، ص ۲۰۱-۲۰۷) ۹. آیه سوره دهر، (همان، ص ۲۱۳-۲۳۷) ۱۰. آیه توبه آدم، (همان، ص ۲۴۱-۲۶۴) ۱۱. آیه لیلۃ المبيت، (همان، ص ۲۷۱-۳۰۴) ۱۲. آیه نصرت، (همان، ص ۳۰۷-۳۱۴) ۱۳. آیه علم الکتاب، (همان، ص ۳۱۷-۳۲۴) ۱۴. آیه مؤذن و آیه آذان، (همان، ص ۳۲۷-۳۴۱) ۱۵. آیه محسنین، (همان، ص ۳۴۵-۳۵۰) ۱۶. آیه پیشگامان نخستین، (همان، ص ۳۵۱-۳۶۸) ۱۷. آیه محبت، (همان، ص ۳۷۳-۳۸۳) ۱۸. آیه سابقون، (همان، ص ۳۸۷-۴۰۴) ۱۹. آیه صالحین، (همان، ص ۴۰۹-۴۱۷) ۲۰. آیه انذار و هدایت، (همان، ص ۴۲۱-۴۳۲) ۲۱. آیه خیر البریه، (همان، ص ۴۳۷-۴۴۹) ۲۲. آیه حکمت. (همان، ص ۴۵۵-۴۶۲)

۳۲. قرآن و روابط بین الملل

یکی دیگر آثار مرتبط به حوزه قرآن و سیاست، کتاب «قرآن و روابط بین الملل» نوشته محسن قبادی است. نویسندگان در این اثر مسائل مختلف مربوط به روابط بین الملل و از جمله اصول روابط بین الملل را از منظر قرآن مورد بحث قرار داده‌اند و از آثار خوبی در این حوزه، بشمار می‌رود.

مسائل سیاسی طرح شده:

در این اثر، مسائل فرعی زیادی در ارتباط به مسئله روابط بین الملل به شرح ذیل از منظر قرآن تبیین شده است:

۱. رهیاب‌های روابط بین الملل از دیدگاه فلاسفه، (قبادی، ۱۳۸۷، ص ۱۳-۲۰) ۲. چپستی روابط بین الملل، (همان، ص ۲۵) ۳. قرآن و روابط بین الملل (سیاست خارجی)، (همان، ص ۲۹-۳۵) ۴. حاکمیت سیاسی، (همان، ص ۴۶-۵۴) ۵. حاکمیت نظامی، (همان، ص ۵۵) ۶. حکومت و رهبری در اسلام، (همان، ص ۶۱-۶۶) ۷. ضرورت تشکیل حکومت در اسلام،

(همان، ص ۶۸-۷۳) ۸. قانون‌گذاری در اسلام، (همان، ص ۷۶-۸۵) ۹. اخلاق و قدرت از دیدگاه قرآن، (همان، ص ۸۸-۱۰۳) ۱۰. اسلام و سیاست، (همان، ص ۱۰۵-۱۱۸) ۱۱. سیاست خارجی (اصول و اهداف سیاست خارجی)، (همان، ص ۱۲۱-۱۲۹) ۱۲. اصول روابط بین‌الملل از دیدگاه اسلام، (همان، ص ۱۳۱-۱۴۰) ۱۳. اسلام و حقوق بشر، (همان، ص ۱۴۱-۱۴۳) ۱۴. گفتگوی تمدن‌ها از دیدگاه اسلام، (همان، ص ۱۴۶-۱۵۶) ۱۵. قرآن و انحطاط تمدن‌ها، (همان، ص ۱۵۷-۱۶۷) ۱۶. جنگ و صلح در اسلام، (همان، ص ۱۶۸-۱۸۵)

۳۳. دیپلماسی انبیاء الهی از منظر قرآن و حدیث

این کتاب را می‌توان تنها اثری دانست که به بررسی مسئله دیپلماسی از منظر قرآن پرداخته است. نویسنده در این اثر اصول دیپلماسی انبیاء الهی را، با استفاده از آیات و روایات تشریح نموده و اثر ارزشمند در حوزه دیپلماسی از دیدگاه قرآن و روایات به‌شمار می‌رود.

مسائل سیاسی طرح‌شده:

دیپلماسی به‌عنوان یکی از مسائل اصلی دانش سیاسی، مسئله محوری این کتاب را تشکیل می‌دهد و نویسنده، این مسئله را بخصوص اصول استراتژیک و تاکتیکی و همچنین ابزارها و شیوه‌های دیپلماسی را از منظر قرآن شرح داده است:

۱. مفهوم‌شناسی: سیاست، سیاست خارجی، دیپلماسی، حکومت، رابطه دین و سیاست؛ (احمدی بغش، ۱۳۹۴، ص ۱۷-۴۱) ۲. اصول استراتژیک دیپلماسی سیاسی انبیاء الهی در آیات و روایات (اصل توحید، ولایت و ولاء، کرامت انسانی، برابری، نفی سیل، دعوت و هدایت، وفای به عهد، اصل تولی و تبری، امر به معروف و نهی از منکر)؛ (همان، ص ۴۳-۱۵۷) ۳. اصول تاکتیکی دیپلماسی سیاسی انبیاء الهی در آیات و روایات (اصل همزیستی مسالمت‌آمیز، گفتار حسن و لئین، تألیف قلوب، عدم اهانت، توجه به تهاجم فرهنگی)؛ (همان، ص ۱۵۹-۱۸۸)
۴. اهداف دیپلماسی سیاسی انبیاء الهی در آیات و روایات (اعتلای کلمه توحید و حاکمیت آن بر جهان، اقامه عدل و قسط و سعادت بشری، ابلاغ دین، تشکیل امت واحد جهانی، نفی سلطه مستکبران و دفاع از مظلومان، ایجاد امنیت و صلح)؛ (همان، ص ۱۸۹-۲۴۳) ۵. ابزارها و شیوه‌های دیپلماسی سیاسی انبیاء الهی در آیات و روایات (شیوه مستقیم، شیوه‌های غیر مستقیم) (همان، ص ۲۴۵-۲۸۶).

جمع‌بندی

پس از معرفی و شناسایی مسائل مطرح شده در ۳۳ اثری که در حوزه قرآن و سیاست مورد بررسی قرار گرفتند، این نتیجه حاصل می‌شود که مسئله ولایت از نظر تعداد آثار، در صدر و همچنین مسائل جنگ، جهاد و صلح از دیگر مسائلی اند که در رتبه‌های بعدی قرار دارند. علاوه بر آنها، مباحث کافی درباره مسئله سکولاریسم، جامعه، سیاست و حکومت، انجام شده و بقیه آثار نیز، هرکدام دیدگاه قرآن را درباره یک مسئله سیاسی تبیین کرده‌اند. در پایان با استفاده از نقشه‌های ساختاری و مفهومی الگوی مدیریت دانش، کلیه مسائل شناسایی شده، تجزیه و تحلیل گشته و با جمع‌بندی مسائل مشترک، نظام مسائل سیاسی طرح شده در مطالعات سیاسی قرآن کریم (کتاب‌ها) در قالب جدول همراه با عناوین و مسائل فرعی هریک در داخل پرانتز (،) به ترتیب از بیشترین به کمترین، ساماندهی شده‌اند. با مقایسه مسائل مطرح در دانش سیاسی (۲۶۲) و مسائل سیاسی شناسایی شده در تک‌نگاشت‌ها (۱۴۱) معلوم می‌شود که این مسائل، حدود نصف مسائل علوم سیاسی را تشکیل می‌دهند. بر این اساس ۱۲۱ مسئله دیگر، در این آثار از منظر قرآن بررسی نشده‌اند.

ب. رساله‌های علمی

در بخش رساله‌های علمی، با توجه به حجم زیادی از پایان‌نامه‌ها و رساله‌های علمی که با موضوع قرآن و سیاست نوشته شده‌اند، در این تحقیق تنها مسائل سیاسی در آثاری مورد شناسایی قرار گرفته که دارای عنوان قرآنی + سیاسی بوده و یکی از مسائل سیاسی را از منظر قرآن تبیین نموده‌اند. از آنجاکه هدف تحقیق، شناسایی مسائل سیاسی مطرح شده از منظر قرآن است و این هدف تا حدودی در بخش‌های مربوط به تفاسیر و کتب، حاصل شده است؛ لذا برای جلوگیری از حجیم شدن تحقیق، صرفاً، مسائل سیاسی اصلی طرح شده در رساله‌های علمی، استخراج شده‌اند.

مسائل سیاسی طرح شده:

با مراجعه به سایت‌های پژوهشکده فرهنگ و معارف قرآن (۳۷ عنوان)، پرتال جامع علوم و معارف قرآن به آدرس: <http://www.maarefquran.net> / گنج (۲۰ عنوان)، پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایران داک)، به آدرس: <https://ganj->

beta.irandoc.ac.ir و فهرست چکیده پایان‌نامه‌های حوزه‌های علمیه و جامعه المصطفی (ص) العالمیه (۱۳ عنوان)، (موجود در کتابخانه آیت‌الله حائری مدرسه فیضیه قم) بخش پایان‌نامه‌های پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی (۱۰۶ عنوان)؛ کتابخانه تخصصی علوم و معارف قرآن به آدرس: <https://quran.isca.ac.ir/fa/Thesis/Index>، در مجموع ۱۷۶ پایان‌نامه و رساله علمی (مشخصات کامل رساله‌ها و پایان‌نامه‌ها در رساله دکتری پژوهشگر که در مقدمه به آن اشاره شد، آمده است و در اینجا به دلیل حجم زیاد، از ذکر آن‌ها معذوریم) با عنوان قرآن و سیاست، شناسایی گردیدند. مسائل سیاسی طرح‌شده در این آثار در قالب ۳۷ مسئله اصلی و ۱۷۷ مسئله فرعی، سامان‌دهی شدند. براین اساس، نظام مسائل سیاسی طرح‌شده از منظر قرآن در رساله‌های علمی به صورت ذیل می‌باشند.

امامت (۲۱)،	امت (۶)،	جهاد (۳)،	حقوق بین‌الملل (۱)،
حکومت (۱۵)،	پادشاه، حاکم (۵)،	بیعت (۲)،	سکولاریسم (۱)،
سیاست (۱۳)،	قدرت (۵)،	قانون (۲)،	توسعه (۱)،
امنیت (۱۲)،	امر به معروف و نهی از منکر (۵)،	انسان (۲)،	پیمان (۱)،
استکبار (۱۱)،	جامعه (۵)،	وحدت (۱)،	فمینیسم (۱)،
آزادی (۱۰)،	خلافت (۴)،	پلورالیسم (۱)،	لیبرالیسم (۱)،
عدالت (۸)،	رهبر (۴)،	حاکمیت (۱)،	تبعیض (۱)،
سیاست خارجی (۸)،	اکثریت و اقلیت (۴)،	حقوق بشر (۱)،	
جنگ و صلح (۷)،	طاغوت (۳)،	مشروعیت (۱)،	
ولایت (۶)،	اصلاحات (۳)،	انقلاب (۱)،	

با توجه به آمار ذکر شده، بیشترین آثار در ارتباط به مسائل: امامت، حکومت، سیاست، امنیت، آزادی، استکبار، عدالت، سیاست خارجی، جنگ و صلح، ولایت، امت، حاکم، قدرت، امر به معروف و نهی از منکر و جامعه می‌باشند که از ۲۱ عنوان آغاز و تا ۵ عنوان، ادامه می‌یابند. بقیه آثار کمتر از ۴ اثر تا یک اثر را به خود اختصاص داده‌اند. فراوانی آثار نشان‌دهنده این است که به قدر کافی در مورد مسائل مورد نظر، پژوهش انجام شده و آن دسته از مسائلی که دارای کمترین اثر بوده،

نیازمند پژوهش بیشتر می‌باشند. مقاله‌های علمی

برای شناسایی مقالات قرآن و سیاست به پایگاه‌های مختلف بخصوص «نورمگز»، «پژوهشگاه فرهنگ و معارف قرآن»، «پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی» و همچنین سایت «پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی»، «پرتال جامع علوم انسانی»، «پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه»، «کتابخانه دیجیتال تبیان»، «سایت پرسمان»، «ویکی فقه»، «پایگاه تخصصی قرآن کریم» و دیگر سایت‌ها، مراجعه شده است. از میان هزاران مقاله موجود در آن‌ها، ۱۳۲ مقاله با عنوان قرآن و سیاست مورد شناسایی قرار گرفت.

مسائل سیاسی طرح‌شده:

در نتیجه جستجوی انجام‌شده، از بین ۴۵۲۱ مقاله موجود در سایت نورمگز (پایگاه مجلات تخصصی نور/ نورمگز به آدرس <https://www.noormags.ir> در تاریخ ۱۳۹۸/۵/۸، به تعداد ۷۷ مقاله با عنوان قرآن و سیاست شناسایی گردید. همچنین در بخش مقالات سایت پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، به آدرس <https://quran.isca.ac.ir/fa/Article/Index> در بین ۴۲۴۱ مقالات قرآنی موجود در آن، ۳۷ مقاله با عنوان قرآن و یکی از مسائل سیاسی، شناسایی شد و در سایت‌های متفرقه دیگر نیز، ۱۸ مقاله با عنوان قرآن و سیاست؛ در مجموع ۱۳۲ مسئله سیاسی، مورد شناسایی قرار گرفت. پس از تجمیع و ساماندهی مقالات شناسایی‌شده، ۴۲ مسئله اصلی و ۱۲۸ مسئله فرعی از این آثار استخراج گردیدند که به ترتیب دارای بیشترین مسائل فرعی هستند:

سیاست (۳۷)،	وحدت (۳)،	فقه سیاسی (۱)،	قانون (۱)،
حکومت (۸)،	سکولاریسم (۳)،	اقتدار (۱)،	قوم (۱)،
عدالت (۸)،	اکثریت (۳)،	جنبش (۱)،	زندان (۱)،
سیاست خارجی (۸)،	امنیت (۳)،	پادشاهی (۱)،	انسان (۱)،
جنگ و صلح (۵)،	امامت (۲)،	امام (۱)،	استکبار (۱)،
دولت (۴)،	ولایت (۲)،	حاکمیت (۱)،	اقلیت (۱)،
قدرت (۴)،	استقلال (۲)،	نظام سیاسی (۱)،	حقوق بشر (۱)،
جهاد (۴)،	آزادی (۲)،	بیعت (۱)،	مشارکت (۱)،

خلافت (۳)،	جامعه (۲)،	جهانی شدن (۱)،	دموکراسی (۱).
رهبر (۳)،	امر به معروف و نهی از منکر (۲)،	معاهده (۱)،	
توسعه (۳)	فلسفه سیاسی (۱)،	اصلاحات (۱)،	

همان‌گونه که در جدول بالا مشاهده می‌شود، بیشترین آثار درباره مسئله سیاست هستند که ۳۷ مقاله را به خود اختصاص داده و پس از آن حکومت، عدالت و سیاست خارجی می‌باشند، که ۸ اثر در مورد این سه مسئله شناسایی گردیده‌اند. در حالیکه تنها یک عنوان و مسئله فرعی درباره ۲۰ مسئله دیگر که حدود نصف مسائل شناسایی شده را تشکیل می‌دهند، وجود دارد. این امر نشان‌دهنده عدم توازن در مطالعات سیاسی قرآن کریم است.

نظام مسائل سیاسی طرح شده در مطالعات سیاسی قرآن کریم (تک‌نگاشتها)				
ولایت (۱۲۹)،	شوری (۱۶)،	نظارت (۵)،	داوری (۲)،	انفال (۱)،
عدالت (۶۱)،	هجرت (۱۶)،	آمادگی نظامی (۵)،	دارالسلام (۲)،	اصلاح (۱)،
جنگ (۵۹)،	تهدیدات نرم (۱۵)،	حاکمیت (۶)،	دارالکفر (۲)،	وزیر (۱)،
حکومت اسلامی (۵۷)،	محارب (۱۵)،	دولت (۵)،	دارالندوه (۲)،	اجماع (۱)،
سیاست (۵۶)،	اطاعت (۱۴)،	توسعه (۵)،	کشور (۲)،	تسخیر (۱)،
جامعه (۵۴)،	استکبار (۱۴)،	وحدت (۵)،	انقلاب (۲)،	تمکین (۱)،
آزادی (۴۹)،	امت (۱۳)،	نظام سیاسی (۵)،	مهاجران (۲)،	جبار (۱)،
حکومت (۴۸)،	اصلاح/اصلاحات (۱۳)	حبس/زندان (۵)،	وکالت (۲)،	لشکر (۱)،
امامت (۴۷)،	اکثریت (۱۲)،	دین و سیاست (۵)،	دشمن (۱)،	محاصره (۱)،
قدرت (۴۴)،	سکولاریسم (۱۱)،	انتخابات (۵)،	ولایت فقیه (۱)،	خیانت (۱)،
امر به معروف و نهی از منکر (۴۵)،	دفاع (۱۱)،	اولی الامر (۵)،	سیاست و حکومت (۱)،	غلبه (۱)،
حاکم/رهبر/زاممدار (۳۸)	مسئولیت (۱۱)،	مدیریت (۵)،	اسلام و سیاست (۱)،	غنیمت (۱)،
مفاهیم سیاسی قرآن (۳۵)،	واژگان سیاسی قرآن (۱۰)،	سلاح (۵)،	مشروعیت و مقبولیت (۱)،	ثروت (۱)،
جهاد (۳۵)،	دارالحرب (۱۰)،	ولی (۵)،	دین و حکومت (۱)،	مسائل اختصاصی
سیاست خارجی (۳۲)،	پادشاه/حاکم (۱۰)	حقوق بشر (۴)،	اقلیت‌های دینی (۱)،	رساله‌های علمی
خلیفه و خلافت (۲۷)،	پلورالیسم دینی (۹)،	اومانیزم (۴)،	تبلیغات سیاسی (۱)،	حقوق بین‌الملل (۱)
ظالمان (۲۵)،	تشریع (۹)،	مظلوم (۴)،	مسئولیت (۱)،	فمینیسم (۱)

مسائل اختصاصی	مقاومت (۱)،	قوای سه‌گانه (۴)،	جامعه آرمانی (۹)،	عهد/پیمان (۲۵)،
مقاله‌های علمی	حق و باطل (۱)،	سقوط (۴)،	رابطه (۸)،	قانون و قانون‌گذاری (۲۳)،
استقلال (۲)	اهل ذمه (۱)،	استعمار (۴)،	مستکبران (۸)،	امنیت (۲۳)،
لیبرالیسم (۱)	اهل کتاب (۱)،	مرزبانی (۴)،	پناهنده (۸)،	دیپلماسی (۲۳)،
مشارکت (۱)	بیت‌المال (۱)،	دار الاسلام (۳)،	اولوویت (۷)،	مستضعف/استضعاف (۲۱)،
فلسفه سیاسی (۱)	تبئید (۱)،	اختلاف (۳)،	مجاهدان (۷)،	ظالم/ظلم (۲۱)،
فقه سیاسی (۱)	سلطان (۱)،	سوسیالیسم (۳)،	قاضی (۷)،	بیعت (۲۱)،
اقتدار (۱)	ملک (۱)،	قسط (۳)،	مساوات (۷)،	پیروزی (۱۹)،
جنبش (۱)	دار (۱)،	حکمرانی شایسته (۳)،	طاغوت (۷)،	حزب (۱۹)،
پادشاهی (۱)	قیام (۱)،	تبئیت (۳)،	اقلیت (۷)،	امام (۱۹)،
جهانی‌شدن (۱)	سلطه (۱)،	حاکم اسلامی (۳)،	دموکراسی (۷)،	روابط بین‌الملل (۱۷)،
معاهده (۱)	تغییر (۱)،	تبئض (۳)،	منکر (۶)،	حقوق (۱۷)،
رنگ زمینه سفید	اسیر (۱)،	قوم و قبیله (۳)،	ملت/ملیت (۶)،	مشروعیت (۱۷)،
مسائل مختص کتب	خمس (۱)،	خراج/مالیات (۳)،	بیگانگان (۶)،	انسان (۱۷)،
رنگ خاکستری مشترک	زکات (۱)،	روابط خارجی (۲)،	اهل حل و عقد (۶)،	صلح (۱۷)،

جمع‌بندی: کل مسائل اصلی: ۱۵۳.

کل مسائل فرعی: ۱۶۲۶.

۶ مسئله ولایت (۱۲۹)، عدالت (۶۱)، جنگ (۵۹)، حکومت اسلامی (۵۷)، سیاست (۵۶) و جامعه (۵۴) به ترتیب دارای بیشترین مباحث و مسائل فرعی.

۱۸ مسئله دارای ۲۱ تا ۵۰ عنوان و مسئله فرعی. ۲۲ مسئله دارای ۱۰ تا ۱۹ مسئله فرعی. ۵۷ مسئله دارای ۲ تا ۹ مسئله فرعی. ۴۷ مسئله اصلی دارای یک عنوان و مسئله فرعی.

نتیجه‌گیری نهایی

پس از بررسی جامعه آماری این پژوهش، چنین نتیجه‌گیری می‌شود؛ بیشترین آثار در بخش کتاب‌ها، مربوط به مسئله ولایت است که شش اثر با حجم و تفصیل زیاد از منظر قرآن، مورد بحث قرار گرفته است. همچنین در چهار اثر، دیدگاه قرآن پیرامون مسائل جنگ، جهاد، دفاع و صلح تبیین شده و هرکدام از مسائل: جامعه، سکولاریسم، سیاست و حکومت در دو اثر از منظر قرآن مورد بحث قرار گرفته‌اند. بقیه آثار هرکدام با استناد به آیات، دیدگاه قرآن کریم، پیرامون یک

یا چند مسئله سیاسی را تشریح کرده‌اند. در رساله‌های علمی ۲۱ عنوان و مسئله فرعی مربوط به مسئله امامت است و در مقالات علمی نیز مسئله سیاست ۳۷ عنوان و مسئله فرعی را به خود اختصاص داده‌اند.

در پی تجمیع کلیه مسائل سیاسی شناسایی شده در تک‌نگاشت‌ها، این نتیجه حاصل شد که دیدگاه قرآن کریم درباره ۱۵۳ مسئله اصلی در قالب ۱۶۲۶ عنوان و مسئله فرعی تشریح شده است. با مقایسه مسائل شناسایی شده با مسائل مطرح در دانش سیاسی (۲۶۲)، معلوم می‌شود که تاکنون دیدگاه قرآن درباره ۱۰۹ مسئله دانش سیاسی تبیین نشده است. از نظر آماری نیز ۶ مسئله ولایت (۱۲۹)، عدالت (۶۱)، جنگ (۵۹)، حکومت اسلامی (۵۷)، سیاست (۵۶) و جامعه (۵۴) به ترتیب دارای بیشترین مباحث و مسائل فرعی می‌باشند. ۱۸ مسئله بین ۲۱ تا ۵۰ عنوان و مسئله فرعی و ۲۲ مسئله دارای ۱۰ تا ۱۹ مسئله فرعی هستند. همچنین ۵۷ مسئله دارای ۲ تا ۹ مسئله فرعی بوده درحالی‌که تنها یک عنوان و مسئله فرعی درباره ۴۷ مسئله اصلی شناسایی شده، وجود دارد.

با توجه به آنچه ذکر شد اکثریت مباحثی که در مطالعات سیاسی قرآن انجام شده مربوط به تعداد محدودی از مسائل دانش سیاسی است. بر این اساس، اکثریت مسائل دانش سیاسی، از منظر قرآن، مورد مطالعه و بررسی قرار نگرفته‌اند. از این رو، ضرورت دارد که از پژوهش‌های تکراری جلوگیری شده و آن دسته از مسائلی که کمتر مورد پژوهش قرار گرفته‌اند و یا اصلاً دیدگاه قرآن درباره آن‌ها، استخراج نشده، توسط محققین مورد پژوهش قرار گیرند.

منابع

۱. احمدی بغش، خدیجه (۱۳۹۴)، دیپلماسی سیاسی انبیاء الهی از منظر قرآن و حدیث، تهران: ری.
۲. ارسطا، محمدجواد (۱۳۹۳)، حکمرانی شایسته از منظر قرآن کریم، قم: بیت‌الاحزان فاطمه (س).
۳. اسدی نسب، محمدعلی (۱۳۸۶)، سکولاریسم از منظر قرآن، قم: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها.
۴. اسلامی، علی (۱۳۸۸)، پلورالیسم دینی از منظر قرآن، قم: مؤسسه بوستان کتاب.
۵. آقاجانی قناد، علی (۱۳۹۶)، مشروعیت حکومت در قرآن (با تأکید بر تفاسیر معاصر شیعه)، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۶. ایازی، محمدعلی (۱۳۷۹)، آزادی در قرآن، تهران: مؤسسه تحقیقات ذکر.
۷. جاوری، محمدجواد (۱۳۹۲)، تهدیدات نرم سیاسی در قرآن، تهران: مؤسسه فرهنگی و انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۸. جمعی از نویسندگان (۱۳۸۲)، فرهنگ موضوعی تفاسیر، قم: بوستان کتاب.
۹. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۵)، ولایت در قرآن، تهران: مرکز نشر فرهنگی رجاء.
۱۰. ----- (۱۳۹۶)، تسنیم؛ تفسیر قرآن کریم، ج ۴، قم: نشر اسراء.
۱۱. حقجو، عبدالله (۱۳۸۹)، ولایت در قرآن، قم: انتشارات زائر.
۱۲. ذوقی، امیر (۱۳۸۸)، درآمدی تحلیلی بر جایگاه جنگ و صلح در قرآن و سیره نبوی (ص)، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
۱۳. سید باقری، کاظم (۱۳۹۴)، قدرت سیاسی از منظر قرآن کریم، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۱۴. طرقي، مجید (۱۳۸۴)، درس‌نامه روش تحقیق، قم: مرکز نشر هاجر.
۱۵. عباسعلی عمید زنجانی، مبانی اندیشه سیاسی اسلام سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۵.

۱۶. عبدالقادر حامد تیجانی (۱۳۸۹)، مبانی اندیشه سیاسی در آیات مکی، ترجمه تعلیق: مهران اسماعیلی و مشتاق الحلو، قم: پژوهشگاه علوم فرهنگ اسلامی.
۱۷. علوی مهر، حسین (۱۳۹۴)، قرآن و دفاع، قم: سرزمین سبز.
۱۸. فرودی، صدیق حسین (۱۳۹۶)، قرآن و اومانیسیم، قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی (ص).
۱۹. قبادی، محسن (۱۳۸۷)، قرآن و روابط بین‌الملل (تبیین اصول روابط بین‌الملل از دیدگاه قرآن و سیره نبوی (ص))، قم: کومه.
۲۰. قدردان قراملکی، محمدحسن (۱۳۹۰)، قرآن و سکولاریسم، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۲۱. قاضی‌زاده، کاظم (۱۳۸۴)، سیاست و حکومت در قرآن، قم: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۲۲. قرا ملکی، محمد زارع (۱۳۸۹)، اصول تفکر سیاسی در قرآن، تهران: انتشارات کانون اندیشه جوان.
۲۳. کوشکی، محمدصادق (۱۳۸۹)، جستاری در مبانی سیاست مطلوب قرآن کریم، تهران: عابد.
۲۴. عباس نژاد، محسن و همکاران (۱۳۸۴)، قرآن، مدیریت و علوم سیاسی، مؤسسه انتشاراتی بنیاد پژوهش‌های حوزه و دانشگاه، مشهد.
۲۵. محمدی‌آشپانی، علی (۱۳۹۲)، جامعه آرمانی قرآن کریم، قم: مؤسسه بوستان کتاب.
۲۶. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۳)، جنگ و جهاد در قرآن، تدوین و نگارش: محمدحسین اسکندری و محمد مهدی نادری قمی، قم: مرکز انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی
۲۷. ----- (۱۳۶۸)، جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن، قم: مرکز چاپ و نشر سامان تبلیغات اسلامی.
۲۸. ----- (۱۳۹۳)، حقوق و سیاست در قرآن، قم: مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره).

۲۹. محمدی (قرباغی)، علی جان (۱۳۸۳)، ولایت در پرتو آیات، قم: انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی،

۳۰. مرتضوی، سید محمد (۱۳۹۰)، آیات ولایت در قرآن همراه با پاسخ‌گویی به مسائل جدید، قم: آشیانه مهر.

۳۱. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۱)، آیات ولایت در قرآن، تهیه و تنظیم: ابوالقاسم علیان نژادی، قم: انتشارات نسل جوان.

۳۲. منصور نژاد، محمد (۱۳۸۷)، جنگ روانی از منظر قرآن، تهران: جوان پویا.

۳۳. نظرزاده، عبدالله (۱۳۹۶)، فرهنگ اصطلاحات و مفاهیم سیاسی قرآن کریم، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

۳۴. موسوی، مختار (۱۳۹۷)، نظام سیاسی قرآن، تهران: انتشارات هزار رنگ.

۳۵. ولایی، عیسی (۱۳۸۶)، اصول فقه ۱ و ۲، قم: انتشارات دارالفکر.

۳۶. یثربی، محمد (۱۳۹۱)، سیری در آیات ولایت و امامت، تدوین: محمدجواد خلیلی، قم: نشر اکرام.

۳۷. سایت‌ها:

۳۸. پرتال جامع علوم و معارف قرآن <http://www.maarefquran.net>

۳۹. پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) <https://ganj-beta.irandoc.ac.ir>

۴۰. کتابخانه تخصصی علوم و معارف قرآن <https://quran.isca.ac.ir/fa/Thesis/Index>

۴۱. پایگاه مجلات تخصصی نور/ نورمگز <https://www.noormags.ir>

تفسیر آیات ربا از منظر مفسران فریقین

محمد حفیظ معنوی^۱

چکیده

ربا یکی از گناهان کبیره در دین اسلام است. این تحقیق ماهیت ربا را از منظر مفسران فریقین مورد بررسی قرار داده است. فرضیه این تحقیق بر این اصل استوار است که مفسران فریقین بر اساس آیات به حرمت ربا رأی داده‌اند. این تحقیق به لحاظ هدف کاربردی، به لحاظ ماهیت توصیفی-تحلیلی، به لحاظ نوع داده‌ها کیفی و به لحاظ روش جمع‌آوری داده‌ها، اسنادی و کتابخانه‌ای است. نگارنده کوشیده است تا با توجه به آیات قرآن کریم و نظریات مفسران فریقین، علل و عوامل تحریم ربا را کشف و استخراج نماید و به نتایج ذیل دست یافته است:

۱. در مورد تحریم ربا دو دیدگاه وجود دارد؛ دیدگاه که حرمت ربا را به یک‌بارگی می‌داند و دیدگاهی که به صورت تدریجی مطرح می‌کند. در میان طرفداران دیدگاه تدریجی بر اساس یک دیدگاه ربا در سه مرحله تحریم شده است؛ مرحله اول کراهیت، مرحله دوم تحریم تلویحی و مرحله سوم تصریح به حرمت است.

۲. بر اساس دیدگاهی دیگر ربا در چهار مرحله تحریم شده است؛ اول ابراز تنفر و انزجار، دوم تحریم تلویحی، سوم تحریم به صورت جزئی و چهارم تحریم به صورت کلی و قطعی.

۳. عوامل و علل حرمت ربا مبارزه با ظلم، ترویج کارهای نیک و جلوگیری از رکود، ضرر اخلاقی، روانی، اجتماعی و اقتصادی است.

واژگان کلیدی: ربا، آیات ربا، تفسیر آیات ربا، ربا از منظر مفسران اهل سنت، ربا از منظر مفسران شیعه.

۱. ماستری، تفسیر و علوم قرآن، دانشگاه بین‌المللی المصطفی (ص) افغانستان، کابل

مقدمه

دین مقدس اسلام مسلمانان را به خوردن چیزهای پاکیزه و حلال و به اعمال و کرداری که جنبه‌های مثبت و مفید دارد، امر می‌کند و از خوردنی‌های حرام، افعال زشت و قبیح و چیزهای که حیثیت انسان را پایمال می‌سازد و فضای جامعه را آلوده و مکدر می‌گرداند، منع می‌نماید. اسلام تمام چیزهای را که تحریم کرده حتماً در حرمت آن‌ها یا کراهیت طبیعی و یا ضررهای جسمانی، معنوی و اخلاقی نهفته است. اسلام هیچ‌گاه چیزهای پاکیزه و مفید را که برای استفاده بشر آفریده شده است، تحریم نمی‌کند.

با این‌همه، اسلام در رابطه با تحریم ربا توجه زیادی نشان داده است. از همین رو، کتاب‌ها، مقاله‌ها، بروشورها و روزنامه‌های اخلاقی و ادبی پرشماری در این رابطه به نشر رسیده است. اما به نظر مفسرین فریقین در مورد پیشینه تاریخی ربا که بسیار مهم و ارزنده می‌نماید تاکنون کارهای چشم‌گیری صورت نگرفته است؛ بنابراین، ضرورت دارد که در مورد به پژوهش پرداخته شود. در این تحقیق تلاش شده است که به پرسشهای زیر پاسخ داده شود:

- بر اساس آموزه‌های قرآنی علل و عواملی تحریم ربا چه است؟
- احکام ربا از منظر مفسران فریقین کدام است؟
- راهکارهای جلوگیری از ربا کدام است؟

این تحقیق از سه بخش شکل شده است. بخش اول به تعریف ربا پرداخته می‌شود. در بخش دوم، احکام ربا از منظر مفسران فریقین را مورد بررسی قرار می‌دهیم و در بخش سوم نتیجه‌گیری نهایی صورت می‌گیرد و در نهایت پیشنهادهایی برای کم شدن ربا در مبادلات اقتصادی در افغانستان بازگو خواهد شد.

۱. ربا

واژه ربا (معین ۱۳۸۰، ۱۷۳۴) در زبان فارسی، به معنای بیشی، افزون شدن، نشو و نما کرد؛ سود یا ربی که دائن از مدیون می‌ستانند و نسیه خریدن و فزون گرفتن آمده است (دهخدا، ۱۳۷۵، ۲۳۶).

علماء در رابطه با ربا تعاریف مختلفی نموده‌اند که قرار ذیل است:

۱. راغب اصفهانی ربا را این‌گونه تعریف کرده است: «الربا زیادة على رأس المال لكن خص في الشرع بالزیادة على وجه دون وجه» (اصفهانی، ۱۳۶۱)؛ ربا در اصل زیادی به اصل مال است ولی از نظر شرع زیادی خاص را ربا می‌گویند.

۲. مرحوم طبری نیز ربا را این‌گونه تعریف نموده است: «رباء زیادی بر چیزی است و ربا یعنی زیاده، رباء شیء، در جای کار می‌رود که چیزی بر آنچه بوده اضافه شود؛ در آن چیز بزرگ‌تر شود (طبری، ۱۳۷۳، ۱۳۹).

۳. صاحب جواهر در تعریف ربا گفته است: «لیس المراد من الربا مطلق الزیادة كما هو معناه لغة بل المراد به كما فی المالك و غیرها بیع احد المتماثلین او اقتراض احدهما زیاده» (نجفی، ۱۳۶۵، ۳۳۴). ابن عربی در احکام القرآن، ربا را چنین تعریف نموده: «الربا فی اللغة الزیادة والمرادة فی الآیة كل زیاده یقابلها» (انصاری، ۱۳۵۵، ۱۰۱).

۴. اما جصاص در تعریف ربا گفته است: «هو القرض المشروط فیهِ و زیادة مال على المستقرض» (بی‌نام، ۶۶۱)؛ یعنی ربا همان قرضی است که تا موعد مقرر به آن شرط شود که قرض گیرنده از اصل مال مبلغ بیشتری ادا بکند. رسول خدا رباء را در حدیثی چنین تعریف نموده است: «كل قرض جر نفعا وهو رباء»؛ هر قرضی که نفعی برای قرض‌دهنده در پی داشته باشد ربا است.

۱-۱. کاربرد واژه ربا در قرآن

واژه «ربا» در قرآن کریم نیز به کار رفته و از ماده «رَبَّ» است. عرب‌ها هنگامی که چیزی زیاد می‌شود و رشد می‌کند، می‌گویند: «ربا الشيء» به همین دلیل، زمانی که مال افزون می‌گردد، گفته می‌شود: «ربا المال». این تعبیر هنگامی که پهلوه‌ای اسب که از دویدن بسیار آماس می‌کند، نیز به کار می‌رود: «ربا الفرس» و به بلندی‌ها و برجستگی‌های که بر روی زمین مشاهده می‌شود، نیز «ربوة» می‌گویند (ابن منظور، ۱۳۶۰). در قرآن، مشتقات واژه «ربا» به معنای فزون شدن و بالا آمدن آمده است: «فَإِذَا أَنْزَلْنَاهَا عَلَیْهَا أَمْهَئَتْ وَ رَبَّتْ» (حج، ۵)؛ و چون آب را فرو فرستادیم، زمین جنبش گرفت و به سبب رشد گیاهان بالا آمد.

«یَمَحِقُ اللَّهُ الرِّبَا وَ یُرِیْهِ الصَّدَقَاتِ وَاللَّهُ لَا یُحِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ أَثِیمٍ» (بقره، ۲۷۶)؛ خداوند ربا را از

بین می‌برد و صدقات را می‌افزاید. «فَاحْتَمَلَ السَّيْلُ زَبَدًا رَابِيًا» (رعد، ۱۷)؛ سیل، کفی را بر بالای سر خود برداشت. «فَأَخَذَهُمْ أَخْذَةً رَابِيَةً» (حاقه، ۱۰)؛ عذاب خدا آنان را با سختی بسیار زیاد فرو گرفت. «أَنْ تَكُونَ أُمَّةٌ هِيَ أَرْبَى مِنْ أُمَّةٍ» (نحل، ۹۲)؛ به گمان این که امتی از امت دیگر (از جهت تعداد نفرات و میزان اموال) افزون‌ترند. «وَأَوَيْنَاهُمَا إِلَى رَبْوَةٍ» (مومنون، ۵۰)؛ آن‌ها را در زمینی بلند جای دادیم. در قرآن، کلمه «ربا» به معنای فزون شدن مال از سرمایه اولیه است. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ. فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِنْ تُبْتُمْ فَلَكُمْ رُؤُوسُ أَمْوَالِكُمْ» (مومنون، ۲۷۸ و ۲۷۹)؛ آنچه را از ربا باقی مانده است، رها کنید. اگر چنین نمی‌کنید، بدانید به جنگ با خدا و فرستاده وی بر خاسته‌اید. اگر توبه کنید (اصل) سرمایه‌های شما از آن شما است.

۱.۲ احکام ربا از منظر مفسران فریقین

۱-۲. حرمت اقسام ربا

مفسرین ربا را به دو نوع ربای معاملی و قرضی تقسیم و این‌گونه تعریف کرده‌اند: ربای معاملی فروش یکی از دو هم‌جنس به دیگری همراه با زیاده عینی است؛ مانند فروش یک کیلو گندم به دو کیلو یا فروش یک کیلو گندم به یک کیلو و یک افغانی. زیاده در ربای معاملی ممکن است حکمی باشد؛ مانند فروش یک کیلو گندم به صورت نقد به یک کیلو گندم به صورت نسیه. اقوی این است که این ربا مختص به بیع نیست، بلکه در سایر معاملات مثل صلح و نظیر آن نیز جاری است. اما ربای قرضی آن است که ۱۰ دینار به کسی قرض دهند، مشروط بر این که به هنگام سررسید ۱۲ دینار بازگرداند؛ یا اینکه ۱۰ دینار برگرداند و یک لباس را برای قرض دهنده، بدوزد. شواهدی در آیات ربا موجود است که همگی دال بر حرمت ربا به همه انواع آن است و تفاوتی میان ربا در قرض مصرفی و تولیدی نیست. این شواهد عبارتند از:

۱. تحریم ربا در امت‌های پیشین: امری که مفسده دارد، یعنی اینکه نمی‌شود ربا به مرور زمان مفسده خود را از دست بدهد و واجد مصلحت شود.
۲. ظهور فعل نهی «لَا تَأْكُلُوا» در حرمت.
۳. اطلاق و عمومی «الربا» اطلاق و عمومی الربا همه اجناس و اصناف ربا را شامل می‌شود.

ممکن است کسی بگوید أَضْعَافًا مُّضَاعَفَةً قید حکم «لَا تَأْكُلُوا» است و بنابراین بیانگر این است که ربای اضعاف مضاعفه حرام است نه هر ربا. در جواب به این اشکال باید گفت آیه «حرم الربا»، بعد از أَضْعَافًا مُّضَاعَفَةً نازل شده و نمی‌شود آیه قبلی که مقید است آیه بعدی را که مطلق است قید بزند. وانگهی پیش از این گذشت که اضعاف مضاعفه ویژگی عمومی همه رباهاست. پاسخ به این اشکال که برگرفته از سنت بوده که پیامبر مقدار کمی از ربا را همانند بسیار آن دانستند (صابونی، ۱۳۵۸، ۳۹۰).

۴. شیطانی بودن عمل رباخواری: «يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ» (بقره، ۲۷۵) و پیداست که عمل شیطانی، عمل رحمانی نیست. چنانکه خداوند در سوره مائده آیه ۹۰ حرمت شراب را چنین اعلام فرموده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (مائده، ۹۰)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! می‌خوارگی و قماربازی و بتان و تیرها و سایر وسایل شرط‌بندی، پلید و کار شیطان است، پس از پلیدی دوری کنید تا اینکه رستگار شوید.

۵. ظلم بودن رباخواری و حرمت ظلم؛ ربا خواری چه در سطح خرد و چه در سطح کلان، چه در ربای معاملی و چه در ربای قرضی، چه در قرض مصرفی و چه در قرض تجاری ظلم و حرام است. ولی در ربای مصرفی ممکن است ظلم بیشتر باشد و در ربای تجاری ظلم کمتر. بیشتر و یا کمتر بودن ظلم، ملاکی برای حرمت یکی و حلیت دیگری نمی‌تواند باشد. به هر حال نتیجه ربا این است که باعث می‌شود پولدار، پولدارتر شود و مال در دست اغنیاء دست به دست شود (سید قطب، ۱۳۵۹، ۷۵).

۶. جنگ با خدا و رسول (ص): وقتی که رباخواری جنگ با خدا و رسول محسوب می‌شود، نمی‌توان گفت چون در بعضی از انواع ربا جنگ با خدا و رسول گسترده و ادامه‌دار نیست پس آن جنگ و آن ربا مشروع است.

۷. محق خوانده شدن ربا از سوی خدا: محق یعنی نقصان تدریجی؛ نقصان تدریجی هم شامل نقصان مادی است که کم شدن و از بین رفتن مال رباخوار باشد و هم نقصان معنوی که از بین رفتن دین و عبادت‌ها در اثر رباخواری در آخرت باشد. این محق به‌ضمیمه شواهد دیگر دلیلی بر حرمت انواع ربا محسوب می‌شود (چرخابی، ۱۳۸۸، ۱۹۸).

۲-۲. سیر تحریم ربا

بعجاست که در این بخش به بیان ادوار تحریم ربا پردازیم تا راز تشریع اسلامی در معالجه امراض اجتماعی را دریابیم، زیرا پرواضح است تشریع که اسلامی، در بیان احکام، مطابق سنت تدریج، طی طریق کرده است. تحریم ربا هم به مانند تحریم خمر و بر طبق سنت تدریج، طی چهار مرحله صورت گرفته است:

مرحله اول: در این مرحله خدای متعال این آیه را نازل فرمود:

«وَمَا آتَيْتُمْ مِنْ رَبًّا لِيَرْبُوًا فِي أَمْوَالِ النَّاسِ فَلَا يَرْبُوًا عِنْدَ اللَّهِ وَ مَا آتَيْتُمْ مِنْ زَكَاةٍ تُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُضْغِفُونَ»؛ (روم، آیه ۳۹)؛ آنچه به عنوان ربا می پردازید تا در اموال مردم فزونی یابد، نزد خدا فزونی نخواهد یافت؛ و آنچه را به عنوان زکات می پردازید و تنها رضای خدا را می طلبید (مایه برکت است؛ و) کسانی که چنین می کنند دارای پاداش مضاعف اند. این آیه کریمه در مکه نازل شد و آن چنان که معلوم است، در آن به تحریم ربا اشاره ای وجود ندارد؛ بلکه تنها به تنفر و انزجار خداوند از ربا اشاره می کند و بیان می دارد که ربا نزد از خداوند ثوابی برخوردار نیست. پس این یک موعظه سلبی است.

مرحله دوم: در این مرحله خداوند این آیه زیر را نازل فرمود:

«فَظَلَمِ مِنَ الَّذِينَ هَادُوا حَرَمْنَا عَلَيْهِمْ طَيِّبَاتٍ أُحِلَّتْ لَهُمْ وَ بَصَدَّاهُمْ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ كَثِيرًا وَ أَخَذِهِمُ الرِّبَا وَ قَدْ نُهِوا عَنْهُ وَ أَكَلِهِمْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ وَ أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا» (نساء، ۱۶۰)؛ به خاطر ظلم و ستمی که یهودیان انجام دادند به خصوص به سبب این که بسیاری (از مردم) را از راه خدا بازداشتند، (برای تنبیه ایشان) چیزهای پاکیزه را که بر آنان حلال بود، حرام کردیم و نیز به خاطر آن که ربا می گرفتند، درحالی که از آن نهی شده بودند. این آیه در مدینه نازل شد و این درسی است که خداوند از سیره و روش یهودیان برای ما حکایت کرده است، کسانی که او ربا را بر آن ها حرام کرد، اما آن ها باز هم آن را خوردند و به خاطر آن هم مستحق لعنت و خشم الهی شدند و این، تحریم تلویحی ربا است نه تحریم صریح آن؛ زیرا به نقل جرائم یهودیان پرداخته شده و در آن چیزی وجود ندارد که به صورت قطعی بر تحریم ربا بر مسلمانان دلالت کند. این مرحله، شبیه به مرحله دوم تحریم خمر است «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَ الْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَ مَنَافِعُ لِلنَّاسِ» (النساء، ۱۶۱)؛ در باره شراب و قمار از تو سؤال می کنند، بگو: در آن ها گناه بزرگی است

و منافی هم برای مردم در بردارند. در این آیه به صورت تلویحی خمر حرام شد، نه به صراحت.

مرحله سوم: در این مرحله خدای متعال این آیه را نازل فرمود:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا الرِّبَا أَضْعَافًا مُّضَاعَفَةً وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (آل عمران، ۱۳۰)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! ربا را دوچندان و دو برابر نخورید. آیه به صورت صریح اما جزئی، ربا را حرام کرده است، زیرا فقط نوعی از ربا را که ربا جزئی نامیده می‌شود، تحریم کرده است و ربای فاحش، ربایی است که به حدّ اعلای آشکاری و قبح و به نهایت گناهکاری و جرم رسیده است؛ زیرا در این نوع ربا، بدهی زیاد شده، چندین برابر می‌گردد و بدهکار از پرداخت آن عاجز می‌شود؛ بدهکاری که به خاطر نیاز و ضرورت، آن مال را به قرض گرفته است. این مرحله، شبیه به تحریم خمر در مرحله سوم آن است، زمانی که در آن خمر به صورت جزئی و نه کلی و فقط در اوقات نماز تحریم شد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَى حَتَّى تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ» (نساء، ۴۳)، ای کسانی که ایمان آورده‌اید! در حالی که مست هستید، به نماز نایستید تا آنگاه که می‌دانید چه می‌گویید.

مرحله چهارم: در این مرحله، ربا به صورت کلی و قطعی تحریم شد. مرحله‌ای که قرآن میان کم و زیاد آن تفاوتی نگذاشت و حکمی است که با آن تشریع آسمانی در مورد حکم ربا با آن پایان یافته است. در این مرحله خدای متعال این آیه را نازل فرمود: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنْتُمْ مُّؤْمِنِينَ فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِنْ تُبْتُمْ فَلَكُمْ رُؤُوسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ» (بقره، ۲۷۹). این آیات کریمه که مرحله نهایی تحریم ربا هستند، شبیه مرحله پایانی تحریم خمر می‌باشند، چه در آن مرحله، خمر به صورت مؤکد و قطعی تحریم شد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (مائده، ۹۰)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! می‌خوارگی و قماربازی و بتان و تیرها (و سایر وسایل شرط بندی)، پلید و کار شیطان است، پس از پلید، دوری کنید تا این که رستگار شوید. با این بیان، راز تشریع اسلامی در معالجه امراض اجتماعی که در میان اهل جاهلیت جریان داشت، روشن می‌شود و واضح می‌گردد که شریعت، مطابق سنت تدریج و تدرج با آن‌ها برخورد کرده است (چرخبانی، ۱۳۸۸، ۱۸۶).

۲-۳. کیفیت تشریح حرمت ربا در قرآن

در مسئله تحریم ربا، بین محققان دو مسلک وجود دارد؛ برخی معتقدند که هنگام ظهور اسلام، رباخواری در جزیره العرب چنان گسترده بود که امکان تحریم یک‌دفعه آن وجود نداشت. از این رو، خداوند با فرستادن آیات مختلف در آغاز بعثت، ربا را مورد نکوهش قرار داد و به تدریج، زمینه تحریم آن را فراهم نمود. نظریه تدریجی بودن تحریم ربا را نخست استاد اسماعیل «خلیل» در سال ۱۳۲۶ قمری، ضمن سلسله درس‌های که در قاهره داشت، بیان نمود. سپس دوکتور محمد عبدالله درّ، آن را در کنفرانسی که در سال ۱۹۵۱ میلادی، در پاریس تشکیل شده بود، مطرح ساخت و در کتاب «الربا فی نظر القانون الاسلامی»، منتشر کرد. پس از وی، دانشوران زیادی به تبعیت از او یا با تحقیق مستقل این نظریه را پذیرفتند (صابونی، ۱۳۵۸، ۹۲).

محققانی که نظریه تدریجی بودن حرمت ربا را طرح کرده‌اند، در جزئیات مسئله با هم اختلاف دارند؛ به‌طوری‌که بعضی از آنان مراحل تشریح را ۳ مرحله، برخی ۴ مرحله، و برخی ۵ مرحله، می‌دانند، لکن همه آنان بر این باورند که تحریم ربا همانند تحریم شراب‌خواری که گفته می‌شود تدریجی بوده است، ابتدا به‌صورت موعظه و نصیحت بود، سپس به‌صورت تحریم جزئی و سرانجام به شکل قطعی و کلی بود.

در مقابل، گروهی از نویسندگان معتقدند که اسلام یک‌باره ربا را حرام کرده است. گروه نخست، برای تنظیم تاریخی آیات و کیفیت تفسیر آن‌ها بسیار کوشیده‌اند و سیر تدریجی معناداری برای تحریم ربا ارائه داده‌اند، اما شواهدی هست که خلاف نظر آنان را اثبات می‌کند. آنان درباره معنای بعضی آیات ربا، سخنانی گفته‌اند که تا قرن حاضر، هیچ مفسری حتی احتمال آن‌ها را هم نداده است.

از جمله چیزهای که تدریجی بودن تحریم ربا را نفی می‌کند، روایتی است که در کتاب کافی آمده است. سماعه می‌گوید: «قلت لأبی عبد الله: إني رأيت الله تعالى قد ذكر الربا في غير آية و كره فقال: أدری لم ذاك؟ قلت: لا قال: لئلا يمتنع الناس من اصطناع المعروف» (الكافي، ج ۵، ص ۱۴۶)؛ به امام صادق^(ع) گفتم: خداوند مسئله ربا را در چندین آیه آورده و تکرار کرده است. امام فرمود: آیا دلیل آن را نمی‌دانی؟ گفتم: نه، فرمود: به این دلیل است که مردم کارهای نیک (مانند قرض الحسنه) را ترک نکنند. از آیات ربا نیز چنین برمی‌آید که برخی از مسلمانان پس از

تحریم ربا در آیه سوره آل عمران، بازهم آن را کنار نگذاشته و اقدام به رباخواری کردند. از این رو، خداوند با فرستادن آیات سوره بقره و بیان عاقبت رباخواران و عذاب‌های که در انتظار آن‌ها است، اراده فرمود که این عمل را از صحنه فعالیت اقتصادی مسلمانان حذف کند. بنابر این، مسئله تدریج تحریم ربا در کار نبوده است.

۳. عوامل حرمت ربا

عوامل حرمت قرار ذیل اند:

۳-۱. مبارزه با ظلم

ظلم‌ستیزی و عدالت‌خواهی در اسلام، اصل اساسی و خدشه‌ناپذیر است. عدالت‌خواهی، جزء رسالت تمام انبیاء الهی است. برقراری عدل مهم‌ترین هدف اقتصادی اسلام است. هر آنچه با عدالت ناسازگار باشد، با اسلام نیز ناسازگار است؛ یعنی عدالت معیاری است برای ارزیابی اسلامی بودن فعالیت‌های اقتصادی. رباخواری با این اصل در تضاد است. به همین جهت اسلام آن را حرام کرده است. قرض ربوی، استثمار انسان از انسان و تضییع حقوق افراد فقیر و بینوا توسط سرمایه‌داران و توانگران است. قرآن در سوره بقره، این مسئله را با صراحت بیان کرده است. آیات ۲۷۳ تا ۲۸۰ این شیوه با تشویق انفاق و کمک به بینویان آغاز می‌شود.

بعد از بیان حرمت ربا و خصوصیات روحی رباخواران و ذکر آثار ربا در مقایسه با صدقات، مؤمنان را از رباخواری برحذر می‌دارد و آن‌ها را از عواقب و پیامد رباخواری که اعلان جنگ و مبارزه با خداوند و پیامبر است، خبر می‌دهد. در نهایت علت حرمت ربا را که همان ظلم و استثمار باشد، بیان می‌کند: «وَإِنْ تُبْتِمْ فَلَكُمْ رُؤُسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ» (بقره، ۲۷۹)؛ یعنی اگر از این عمل زشت (رباخواری) دست بردارید، اصل مال شما متعلق به خودتان است. در این صورت نه به واسطه گرفتن اضافه ظلم کرده‌اید و نه به دلیل نگرفتن اصل سرمایه، مورد ستم واقع شده‌اید؛ یعنی این آیه اشاره دارد که گرفتن اصل مال بدون زیادی حق شما استوار اکثر تفاسیر نیز همین معنی استفاده می‌شود؛ مانند تفاسیر مجمع البیان، الصافی، منهج الصادقین، المیزان، نمونه و اغلب روی این معنی تأکید کرده‌اند.

۳-۲. ترویج کارهای نیک

اسلام در روابط فردی و اجتماعی به یک سری اصول اهمیت قابل توجهی می‌دهد: اصولی نظیر تراحم، تعاطف، همکاری همیاری، تأمین نیازمندان، همدردی، روابط انسانی و غیره. در این راستا، دستگیری از نیازمندان و بینوایان از مهم‌ترین تعالیم اسلام است. مکتب حیات‌بخش اسلام، جهت ترویج این اصول و گسترش کارهای نیک و انسانی، ربا را حرام کرده است. ایجاد قرض البسه و اهمیت دادن به آن یکی از این کارهاست. به‌طورکلی، انفاق، صدق، قرض الحسنه نقطه مقابل رباخواری است. این‌ها کارهای نیک‌خواهانه‌ای است که مانع رواج رباخواری و گسترش‌شان می‌شود.

روایات زیادی داریم که علت حرمت ربا را به همین مسئله منسوب می‌کند. در زیر بعضی از آن‌ها را به عنوان نمونه می‌آوریم:

سماعه از امام صادق^(ع) سؤال می‌کند: «انی رایث الله قد ذکر الربا فی غیر آیه و کرره، قال لئلا یمتنع الناس من اصطناع المعروف...» (الکافی، ج ۵، ص ۱)؛ سبب چیست که خداوند ربا را در چند آیه و به‌طور تکراری آورده است؟ امام فرمود: برای اینکه مردم مانع کارهای خیر و نیک‌خواهانه نشوند. در روایات دیگر از امام صادق^(ع) آمده است: «انما حرم الله عزوجل الربا لکیلا یمتنع الناس من اصطناع المعروف» (تهذیب الأحکام، الجزء ۷، ص ۱۷)؛ خداوند ربا را به این جهت حرام کرده که مردم از کارهای خیرخواهانه امتناع نورزند.

امام رضا در رابطه با علت حرمت ربای نسیه می‌فرماید: «وعلة تحريم الربا بالنسيئة لعله ذهاب المعروف وتلف الاموال ورغبة الناس في الربح وتركهم القرض وصنایع المعروف ولما في ذلك من الفساد والظلم وفناء الاموال» (علل الشرایع، ج ۲، ص ۴۸۳)؛ علت حرمت ربای نسیه، علاوه بر نابودی اموال، باعث از بین رفتن کارهای نیک و خیرخواهانه می‌شود. در این وضعیت، روابط سودجویانه و منفعت‌طلبانه، باعث ترک قرض الحسنه می‌گردد؛ و درنهایت به نابودی اموال و روابط ظالمانه انجامد.

بنابراین، گرفتن ربا آن هم از کسانی که برای تأمین حداقل معیشت دچار مشکل‌اند و در تنگنای شدید اقتصادی قرار دارند، به عواطف و روابط انسانی ضربه می‌زند و بنابراین پیامدهای ناخوشایند روانی و اجتماعی را به دنبال خواهد داشت. در مقابل، قرض الحسنه و انفاق در تحکیم روابط

انسانی و توسعه همیاری و همکاری کمک می‌کند و روح برادری و ایثار را رشد می‌دهد.

اسلام قرض الحسنه را که در جهت اصطناع معروف است، واجب نکرده ولی به عنوان یک عمل نیک و خداپسندانه که دارای اثرات و پیامدهای اجتماعی مثبت است، مورد تأکید قرار داده است. در آیات و روایات زیادی قرض الحسنه و پاداش معنوی اش سخن رفته است. در اینجا به دو مورد بسنده می‌کنیم. در آن آمده است:

«وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَاقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا وَمَا تُقَدِّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ هُوَ خَيْرًا وَأَعْظَمَ أَجْرًا» (مزل، ۲۰)؛ نماز بگذارید و زکات بدهید و به خدا قرض الحسنه دهید و هر کار نیکی را که برای خود پیشاپیش بفرستید، پاداش آن بزرگ‌تر است. در روایتی آمده است: «من اقترض اخاه المسلم كان بدل درهم اقترضه وزن جبل احد من جبال رضوان و طور سيناء حسنات»؛ کسی که به برادر مسلمان قرض بدهد، هر درهم آن ثوابی به وزن کوهی از کوه‌های رضوان و طور سینا دارد (ثواب الاعمال و عقابها ص ۴۱۴).

اسلام، قرض الحسنه را واجب نکرده ولی زمینه گسترش و رشد آن را فراهم ساخته است. در حقیقت، سازوکاری را در احکام اقتصادی تعبیه کرده است که جامعه اسلامی به طور خودکار به سوی هدف مورد نظر هدایت شود. اسلام در کنار تشویق و ترغیب به پرداخت قرض الحسنه و اعلان پاداش‌های عظیم معنوی برای آن، قرض ربوی و کنز را حرام کرده است؛ و با وجود زکات و خمس بر پس اندازهای غیرفعال پولی، از ذخیره‌سازی نیز جلوگیری نموده است. این بستری برای انجام و گسترش فعالیت‌های نیک و انسانی و در جهت همبستگی بیشتر جامعه است.

آنچه گفته شد در رابطه با وام‌های ضروری بود. وام‌های که به نیازمندان برای تأمین احتیاجات اساسی چون غذا، پوشاک و مسکن پرداخت می‌شود؛ اما در قرض‌های غیرضروری وام به منظور راه‌اندازی بنگاه تولیدی و تجاری و یا برای توسعه و گسترش فعالیت‌های اقتصادی پرداخت می‌شود. در این موقعیت دریافت‌کننده وام ممکن است بخواهد با استفاده از صرفه‌جویی‌های اقتصادی رقت‌بار خود را از صنعت خارج کند و شاید انحصار، به وجود آورد. در چنین شرایطی آیا عاقلانه و عادلانه نخواهد بود که چیزی از سرمایه‌دار دریافت شود؟ آیا دریافت مازاد از توانگران و سرمایه‌داران موجب اشاعه معروف می‌شود یا نگرفتن آن؟ آیا فتوا در حرمت زیاده‌ستانی از این دسته افراد در جهت تشدید اختلاف طبقاتی و گسترش نابرابری نخواهد بود؟ (نجفی، ۱۳۶۵، ۳۲).

پاسخ احتمالی این است که (با فرض حرمت ربا در وام‌های غیر ضروری) وام‌های تولیدی، حریم وام‌های ضروری است، حرمت آن به منظور ترویج قرض الحسنه و افزایش وام‌های ضروری می‌باشد. اگر گرفتن ربا از وام‌های غیر ضروری حرام نباشد، مردم از دادن قرض‌های ضروری منصرف خواهند شد. در مقابل، به پرداخت قرض‌های غیر ضروری روی خواهند آورد. چون وام‌های غیر ضروری درآمد دارد بنابراین، قرض منفعت‌دار ترجیح داده می‌شود. بدین ترتیب، جلوی وام‌های نیک‌خواهانه گرفته می‌شود و با نیازمندان و بینوایان همکاری نمی‌گردد. این می‌تواند با ترویج فعالیت‌های انسانی در تضاد باشد.

۳-۳. جلوگیری از رکود

وضعیتی را رکود می‌گویند که تقاضا و فعالیت‌های اقتصادی به شدت کاهش یابد، تعداد قابل توجهی از نیروی کار جامعه بیکار شوند، تولیدات تنزل پیدا کند، سرمایه‌گذاری متوقف شود، معاملات و مبادلات کم شود، بنگاه‌های ضعیف و کم‌تجربه ورشکسته شوند و قدرت خرید مردم در سطح قابل توجهی کاهش یابد. سیاست‌های انقباضی پولی (کاهش حجم پول در گردش) و مالی (افزایش مالیات و کاهش در مخارج دولت) و عدم تمایل مردم به سرمایه‌گذاری‌های تولیدی، از عوامل ایجاد رکود اقتصادی است و در روایات از جمله علل و عوامل حرمت ربا، فساد و نابودی اموال، کاهش فعالیت‌های تجاری و ایجاد رکود اقتصادی شمرده شده است و اینکه رواج رباخواری معاملات و مبادلات اقتصادی را کاهش می‌دهد. امام رضا می‌فرماید: «علة تحریم الربا، انما نهی الله عزوجل عنه لما فيه من فساد الاموال... و علة تحریم الربا لنسینة... تلف الاموال و رغبة الناس فی الربح» (شیخ صدوق، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۹۳)؛ خداوند به این دلیل ربا را حرام کرد که این کار موجب فساد اموال می‌شود. در رابطه با علت حرمت ربای نسیه می‌فرماید: ربا به نابودی مال منتهی می‌شود و فعالیت‌های سودجویانه را گسترش می‌دهد.

هشام از امام صادق^(ع) در رابطه با علت حرمت ربا سؤال کرد، امام فرمود: «انه لو كان الربا حلالا لترك الناس التجارات وما يحتاجون اليه، فحرم الله الربا، لتفر الناس عن الحرام الى التجارات، و الى البيع والشراء» (وسائل الشیعة، ج ۱۲، ص ۴۲۴)؛ خداوند ربا را به این جهت حرام کرد که مردم به کارهای تجاری و مفید روی آورند و اگر ربا حلال می‌بود مردم فعالیت‌های مفید و اقتصادی را ترک می‌کردند.

رباخواری باعث می‌شود، طلب‌کار بدون انجام فعالیت اقتصادی مفیدی از درآمد بالایی برخوردار شود و این عمل به اقتصاد جامعه لطمه می‌زند؛ زیرا عده‌ای از افراد بدون استفاده از استعداد و نیروی خود و بدون هیچ نیازی به کار کردن با پولی که از راه ربا به دست می‌آورند، از امکانات و تولیدات جامعه استفاده می‌کنند؛ یعنی ربا بستری می‌شود برای رشد تن‌پروری، کندی تجارت، پدیداری رکود اقتصادی. علاوه بر این، در اقتصاد ربوی به موازات افزایش درآمد رباخواران و تمرکز ثروت سرمایه‌داران، وضع اقتصادی بدهکاران هر روز بدتر می‌شود و تلاش آن‌ها در جهت بهبود شرایط زندگی و حتی حفظ وضع موجود، بی‌نتیجه می‌ماند و روزه‌به‌روز درآمدشان کاهش می‌یابد. در یک جامعه معیشتی که افراد بی‌بضاعت و فقیر، تنها را می‌توانند برای افراد تحت تکفل خود فراهم کنند، پرداخت بخشی از در «حداقل معیشت» آمد آن‌ها به‌عنوان بهره‌زدگی‌شان را دچار اختلال خواهد کرد و مصرفشان را به پایین‌ترین حد ممکن خواهد رساند و کمبود قدرت خرید در جامعه باعث رکود اقتصادی می‌شود.

پس ربا بیکاری را میان طبقات مرفه سرمایه‌دار گسترش و تقاضا و مصرف را میان گروه‌های پائین جامعه کاهش می‌دهد. پیامد طبیعی این وضعیت رکود اقتصادی است (طباطبایی، ۱۳۷۵، ۶۴۳). همان اندازه که قرض‌الحسنه روابط عاطفی را در جامعه رشد می‌دهد و زمینه را برای همکاری‌ها و همیاری‌های متقابل فراهم می‌کند. رباخواری به دشمنی، کینه و حس انتقام‌جویی دامن می‌زند. فقر و فلاکتی که از رباخواری ناشی می‌شود، تبدیل به عقده شده و در هر فرصتی مشتعل می‌گردد. بسیاری از اغتشاش‌ها و ناآرامی‌های اجتماعی، ریشه در اختلافات طبقاتی و اجحاف توان‌فرسای سرمایه‌داران دارد.

بدین ترتیب، می‌توان گفت بسیاری از هرج‌ومرج‌های اجتماعی، ریشه در زمینه‌های اقتصادی ربایی جاهلی دارد. نه تنها دور نمای آینده اقتصاد را تیره و ناپیدا می‌سازد بلکه تمایل مردم به سرمایه‌گذاری تولیدی و مفید را کاهش می‌دهد. درنهایت، اقتصاد با رکود، مواجه می‌گردد. بنابراین، ربا، از طریق هرج‌ومرج اجتماعی، به فتنای اموال منجر شده و به رکود می‌انجامد.

برای جامعه صدر اسلام به نظر می‌رسد که این تحلیل چندان دور از واقعیت نیست. هرچند کاهش درآمد و مصرف توده‌های مردم، در آن زمان نمی‌توانست به رکود به‌معنای امروزی منجر شود، زیرا در آن روزگار تولید انبوه وجود نداشت تا در صورت کاهش قدرت خرید، اقتصاد با

رکود مواجه شود، ولی کاهش در فعالیت‌های اقتصادی افراد مجرب جامعه و هدایت سرمایه‌ها به کارهای غیراقتصادی چون وام‌های ربوی، می‌توانست تجارت را کاهش دهد (چرخابی، ۱۳۸۸، ۳۲).

۴. ضررهای ربا

اسلام ربا را از بزرگترین منکرات و جرائم اجتماعی و دینی به حساب آورده است و به رباخواران اعلان جنگ می‌دهد: «فَإِنْ لَّمْ تَعْلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ». این امر، به خاطر ضررهای زیاد و سنگین و زشتی‌های ناشی از آن است که می‌توان بعضی از ضررهای ربا را در موارد زیر خلاصه کرد:

۴-۱. ضرر اخلاقی

این موضوع را اول از نگاه اخلاقی و روحی بررسی می‌کنیم؛ زیرا اخلاق روح و جوهر انسان و اساس همه کارهای اوست و هر چیزی که برای این جوهر مضر ثابت شود، سزاوار است از اساس رد گردد و اهلیت این را ندارد که با وجود منافع اندک آن را بپذیریم. پس اگر رباخواری و دادوستد سود را تجزیه و تحلیل نمائیم، معلوم می‌شود که ربا در تمام مراحل حیات اقتصادی از نگاه روحی نتیجه بخل، امتیازطلبی، تنگ‌نظری، سنگ‌دلی، بندگی مال و مادیات و دیگر صفات رذیله است و یک انسان هراندازه‌ای که در جهت گرفت سود پیش برود به همان اندازه این اوصاف در وجود وی راسخ‌تر و ثابت‌تر می‌گردد. برعکس، وقتی که ما در امور مالی که بر اساس زکات و صدقات استوار است نظر اندازیم، همه اعمال ذهنی انسان از وقتی که او نیت زکات و صدقات را نموده آراسته به کرم، سخاوت، فداکاری، مواسات، صبر و حوصله، فراخی صدر، بلندی همت و دیگر صفات شریفه و فضیلت است و تا وقتی که انسان در زندگی‌اش این راه را بپیماید اوصاف مذکور در وجود وی عمیق‌تر و اصیل‌تر شده می‌رود (مودودی، ۱۳۸۷، ۵۴).

۴-۲. ضرر روانی

ربا عشق به استبداد و خودخواهی را در انسان ایجاد می‌کند چنان‌که انسان، جز خود، کسی را نمی‌شناسد و جز مصلحت و نفع شخصی، چیز دیگری برای او مهم نیست و بدین طریق، روح ایثار و فداکاری و مفاهیم عشق و خیر در حق افراد و جامعه از بین رفته، به جای آن، خودخواهی

و خودپرستی و خودمحوری می‌نشیند و روابط برادرانه در میان فرد و برادران (حقیقی یا دینی) متلاشی و از هم پاشیده می‌شود و فرد رباخوار، حالت یک حیوان وحشی شکارچی را پیدا می‌کند که در زندگی، فقط جمع کردن مال و مکیدن خون مردم و گرفتن دارائی‌های آن‌ها و ربودن آن از جنگشان برایش مهم است و بدین ترتیب، مفاهیم خیر و بزرگواری در درون انسان‌ها از میان رفته، جای خود را به حرص و طمع می‌دهد (صابونی ۱۳۵۸، ۲۳۴).

۳-۴. ضرر اجتماعی

ربا سبب ایجاد دشمنی و تنفر در میان افراد جامعه و گسیخته شدن روابط انسانی و اجتماعی در میان طبقات مردم شده، مظاهر و شفقت، مهربانی، تعاون و احسان را درون انسان‌ها از بین برده، تخم حسد و انزجار را در قلب افراد می‌کارد و پایه‌های محبت و برادری را ویران و خراب می‌نماید. بدون تردید اگر در قلب کسی شفقت و مهربانی سکنی نگزیند و فرد، مفهوم و معنای برای اخوت و برادری انسانی نشناسد، به‌زودی احترام و عطوفت از جانب افراد جامعه را هم از دست می‌دهد و مردم به دیده حقارت و پستی به وی نگاه می‌کنند. برای ناهنجار بودن و خوار بودن رباخوار، همین بس که او دشمن جامعه و هم‌وطن خویش و بلکه دشمن انسانیت است، زیرا او (خون) افراد بشر را از طریق سوءاستفاده از نیازها و ضرورت‌های آن‌ها می‌مکد.

۴-۴. ضرر اقتصادی

این ضرر بسیار روشن است، زیرا مردم را به دو طبقه تقسیم می‌کند: طبقه مرفه که در رفاه و نعمت و با بهره‌گیری از حاصل عرق پیشانی دیگران زندگی می‌کند و طبقه محروم و نیازمند و درمانده و بی‌چیز و بدین وسیله، میان این دو طبقه مبارزه در می‌گیرد. ثابت هم شده که ربا از بزرگ‌ترین عوامل انباشت ثروت‌ها در دست عده‌ای اندک از افراد و سبب بلای وارد آمده بر ملت‌ها و گروه‌ها است و محنت‌ها و آشوب‌ها و انقلاب‌های داخلی تا حد زیادی ریشه در مشکلات اقتصادی دارد.

جمع‌بندی

نتایجی که در این تحقیق به دست آمده‌اند می‌توان به شرح زیر بیان کرد:

۱. با توجه به مباحث مطرح‌شده در این تحقیق می‌شود این‌گونه جمع‌بندی کرد که در مورد تحریم ربا دو نظریه مطرح است. نظریه اول این است که ربا به‌صورت تدریجی و مرحله‌ای تحریم

شده است، اما نظریه دوم این است که اسلام ربا را به یک‌بارگی تحریم کرده است.

۳. در مورد مراحل و گام‌های تحریم ربا میان طرفداران این نظریه اجماع وجود ندارد؛ برخی سه مرحله مطرح می‌کنند. طبق این دیدگاه تحریم ربا سه مرحله داشته است که به قرار ذیل است: مرحله اول کراهیت، مرحله دوم تحریم تلویحی و مرحله سوم تصریح به حرمت است. در گام اول جنبه‌ای کراهت برجسته می‌شود، در گام دوم به صورت تلویحی و غیر مستقیم تحریم می‌شود و در گام سوم تصریح می‌گردد که ربا حرام است.

۴. طبق دیدگاه دیگر ربا در چهار مرحله تحریم شده است:

اول ابراز تنفر و انزجار، دوم تحریم تلویحی، سوم تحریم به صورت جزئی؛ یعنی تحریم ربای فاحش و چهارم تحریم به صورت کلی و قطعی.

در بحث عوامل و علل حرمت ربا به علل زیر اشاره شد:

مبارزه با ظلم، ترویج کارهای نیک، جلوگیری از رکود، ضرر اخلاقی، روانی، اجتماعی و اقتصادی. در زندگی و مناسبات اجتماعی ربا درست در مقابل انفاق قرار می‌گیرد. انفاق سبب تطهیر دل و پاکی نفس می‌شود، محبت و صمیمیت را بین مردم بیشتر می‌کند و سبب نزدیکی مردم به همدیگر می‌گردد. اما رباخواری سبب محرومیت و تنگ‌دستی اکثریت و تراکم ثروت در دست تعداد قلیلی از جمعیت می‌شود. از این رهگذر در فرهنگ اسلامی، بین انفاق و ربا رابطه تضاد وجود دارد. ربا یکی از مواردی است که خداوند با لحن شدید در مورد آن سخن گفته است. لحن قرآن کریم در مورد قمار، شراب، زنا، کشتن و ظلم نرم‌تر و ملایم‌تر از ربا است.

جهت مبارزه با رباخواری در هر دو فرقه تقریباً نظرات یکسانی وجود دارد و آن این که در قدم اول، دوم و سوم رباخوار باید تأدیب گردد و اگر بازهم اصلاح نشد و بر رباخواری ادامه داد، باید اعدام شود.

پیشنهادهای تحقیق

متأسفانه در جامعه افغانستان بی‌کاری و فقر رو به افزایش است. در چنین وضعیتی مردم برای سرمایه‌گذاری‌های کوچک و یا برپایی برخی محفل‌های اجتماعی که خود خلاف ارزش‌ها و هنجارهای اسلامی است از افراد پولدار و بانک‌های خصوصی پول به گونه ربوی دریافت می‌کنند.

متأسفانه وضعیت به گونه شده است که ثواب دنیوی و اخروی قرض الحسنه و دعوت دین اسلام به همکاری و همیاری برادر مؤمن و مسلمان در مواقع مشکلات در میان مردم مطرح نیست و کمتر کسی پیدا می‌شود که به کسی دیگر پول به شکل قرض الحسنه بدهد. در این صورت مردم مجبورند جهت برگزاری مراسم پرهزینه عروسی و پر کردن جیب پرشدنی خانواده دختر و خرید طلای گران‌بهای عروس، اطعام جمعیت عظیم از اقوام در هنگام فوت یکی از بستگان، ساخت خانه و سرپناه، سرمایه‌گذاری کوچک جهت ایجاد زمینه کار برای خود و بسا موارد دیگر، پول به گونه ربا بگیرند.

بانک‌های خصوصی نیز پول به گونه ربا به مردم می‌دهد، اما نامش را قرضه می‌گذارد و افراد ثروتمند به افراد نیازمند قرض الحسنه نه بلکه سود می‌دهند، اما دولت در این زمینه کدام سیاست و بعد برنامه مشخصی ندارد. بنابراین راهکارهای که جهت محو این پدیده خطرناک ضد دینی و اجتماعی در هم جوامع اسلامی به خصوص جامعه فقیر و بی‌کار افغانستان مطرح می‌گردد موارد ذیل است:

۱. کاهش بی‌کاری و فقر
۲. مبارزه با خرافات اجتماعی که هزینه‌های کمرشکن را بر مردم تحمیل می‌کند.
۳. ترویج و تبلیغ اصل همکاری و همیاری دو برادر مسلمان و مؤمن و فواید و ثواب قرض الحسنه در دنیا و آخرت
۴. تدوین پالیسی و بعد پلان مشخص که ربا را حرام اعلان کرده و به رباخوار موارد تأدیبی تعریف کرده باشد.

منابع و مآخذ

۱. ابن عربی، محمد بن عبدالله، بی‌تا. احکام القرآن، بی‌جا.
۲. ابن کثیر، بی‌تا. البداية و النهایة، بی‌جا.
۳. ابن منظور، ۱۳۶۰. لسان العرب، بیروت: نشر دارالاحیاء التراث العربی.
۴. ابن هشام، بی‌تا. السیرت النبویه، بی‌جا.
۵. ابوحنیفه، نعمان بن محمد، بی‌تا. دعايم السلام، بی‌جا.
۶. اصفهانی، راغب، محمد حسین، ۱۳۶۱. مجمع البیان فی تفسیر القرآن، قم: نشر موسسه البعثه.
۷. انصاری، محمد بن احمد قرطبی، ۱۳۵۵. الجامع لاحکام القرآن، تهران: نشر ناصر خسرو.
۸. انصاری، محمد بن احمد قرطبی، ۱۳۵۵. الجامع لاحکام القرآن، تهران: نشر ناصر خسرو.
۹. البشر، عبدالله، بی‌تا. تفسیر قرآن کریم، بی‌جا.
۱۰. بلاغی، محمدجواد، ۱۳۷۰. آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن.
۱۱. چرخابی، حسین، ۱۳۸۸، بررسی آیات ربا و احکام آن، دوفصلنامه علمی تخصصی مطالعات اقتصاد اسلامی، سال ۲، شماره ۸.
۱۲. خاوری، جواد، ۱۳۹۰. پیشینه تاریخی ربا، مجله بخش فرهنگی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم: سال سوم، شماره ۱.
۱۳. دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۵. لغتنامه دهخدا، تهران: نشر سمت.
۱۴. رازی، فخرالدین، ۱۳۷۰. مفاتیح الغیب، بیروت: نشر دارالاحیاء التراث العربی.
۱۵. الزرقانی، محمد عبد العظیم، بی‌تا. مناهل العرفان فی علوم القرآن، بیروت: نشر دارالاحیاء التراث العربی.
۱۶. الزرقانی، محمد عبد العظیم، بی‌تا. مناهل العرفان فی علوم القرآن، بیروت: نشر دارالاحیاء التراث العربی.
۱۷. سید قطب، ۱۳۹۱. فی ظلال القرآن، بیروت: نشر دارالاحیاء التراث العربی.

۱۸. شاکر، سید حبیب، ۱۳۹۳. معاملات در فقه اسلامی و قانون مدنی افغانستان، کابل: نشر رسالت.
۱۹. شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا^(ع)، ۱۳۷۸. ج ۲، ص ۹۳، تهران: نشر جهان.
۲۰. شیرازی مکارم، آیت الله ناصر، ۱۳۶۵. تفسیر نمونه، تهران: نشر دارالکتب الاسلامیه.
۲۱. صابونی، محمد علی، ۱۳۷۵. تفسیر آیات الاحکام، قم: نشر قومس.
۲۲. طباطبائی، سید محمد حسین، ۱۳۷۵. المیزان فی تفسیر القرآن، قم: نشر موسسه اسلامی.
۲۳. طبری، محمد بن جریر، ۱۴۱۲. جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: نشر دارالمعرفه.
۲۴. مطهری، مرتضی، ۱۳۹۴. ربا، بانک و بیمه، تهران: نشر صدرا.
۲۵. معین، محمد، ۱۳۸۵. فرهنگ فارسی، تهران: نشر امیرکبیر.
۲۶. مودودی، ابوالعلی، ۱۳۸۷. سود از نظر اسلام و اقتصاد، مترجم: پوهاند نعمت الله شهرانی، بلخ: نشر مطبع بلخ.
۲۷. نجفی، محمد حسن، ۱۳۸۵. جواهر الکلام، بیروت: نشر دارالاحیاء التراث العربی.

بررسی ویژگی های فرهنگ جاهلیت عرب از منظر آیات و روایات

محمد عمر قاری زاده^۱

چکیده

دوره جاهلی اصطلاحاً به عصر پیش از اسلام گفته می شود که در آن، قوم عرب با ویژگی های فرهنگی خاصی می زیسته اند. در قرآن کریم و متون دینی، ویژگی های فرهنگی این دوره مورد شمات قرار گرفته است. شناخت فرهنگ جاهلی و بررسی زوایای پنهان آن، از این جهت دارای اهمیت است که جوامع اسلامی را در پرهیز از فرهنگ جاهلی کمک می کند. اگرچه در زمینه شناخت فرهنگ جاهلی، کارهای ارزشمندی صورت گرفته است؛ اما این تحقیق درصدد بررسی فرهنگ جاهلی از منظر آیات و روایات است. این تحقیق با روش تحلیلی - توصیفی و با استفاده از مطالعه کتابخانه ای انجام پذیرفته و به نتایج ذیل دست یافته است:

۱. جاهلیت اصطلاح قرآنی است که به دوره پیش از اسلام و دوره های مشابه با آن فرهنگ به کار رفته است.
۲. فرهنگ جاهلی مجموعه ای از باورها، ارزش و هنجارهایی است که در تقابل با فرهنگ قرآنی و اسلام قرار دارد.
۳. قرآن کریم و دین اسلام با فرهنگ جاهلی با روش مستقیم و غیر مستقیم به مبارزه پرداخته است.

کلیدواژه ها: جاهلیت عرب، فرهنگ جاهلی، ویژگی های فرهنگی، جاهلیت در آیات، جاهلیت در روایات.

۱. ماستری، تفسیر و علوم قرآن، دانشگاه بین المللی المصطفی (ص) - افغانستان، کابل

مقدمه

فرهنگ به‌عنوان زیربنای تمام فعالیت‌های فردی و اجتماعی جامعه بشری، در زندگی انسان از اهمیت زیادی برخوردار است و با اصلاح و رونق گرفتن اوضاع فرهنگ جامعه، مشکلات آن در ابعاد گوناگون برطرف می‌گردد. اگر بخواهیم به‌منظور پرهیز از فرهنگ جاهلی، آن را به افراد جامعه معرفی کنیم، لازم است که ویژگی‌ها و شاخص‌های آن را از منظر آیات قرآن کریم و روایات نبوی شناسایی نموده و به اقشار مختلف جامعه بشناسانیم؛ زیرا قرآن کریم در محیطی نازل شده است که در آن فرهنگ جاهلیت حکم‌فرما بود و بدین جهت آیات و احادیث متعددی به شیوه زندگی، آداب و رسوم مردم آن عصر پرداخته است.

دانشمندان اسلامی به‌منظور شناساندن فرهنگ جاهلی در ضمن بیان و سیرت پیامبر بزرگوار اسلام^(ص) به ویژگی‌های فرهنگ جاهلیت قبل از اسلام نیز پرداخته و کارهای چشم‌گیری را انجام داده‌اند؛ اما آثاری که در این زمینه نگاشته‌اند، نسبت به اهمیت موضوع بسنده نبوده و تاریخ نگارش برخی از آن‌ها به زمان‌های بسیار دور و گاهی به بیش از یک‌صد سال برمی‌گردد. ابن هشام کتابی به نام «سیرت رسول‌الله» در این زمینه نگاشته است که تاریخ نگارش آن به بیش از یک قرن بازمی‌گردد و این کتاب به زبان عربی نگاشته شده است. در خصوص ویژگی‌های فرهنگ جاهلیت از منظر آیات و روایات، تحقیق مستقلی که قابل استفاده برای خوانندگان افغانستان باشد صورت نگرفته است؛ بنابراین، لازم است تا به بیان این موضوع با توجه به آیات و روایات پرداخته شود. تحقیق حاضر تلاشی است برای تبیین این موضوع با استفاده از آیات و روایات تا بتواند در قالب جدید به روشن شدن ویژگی‌های فرهنگ جاهلیت کمک نماید. بنابراین، مقاله پیش رو در پی یافتن پاسخ برای پرسش‌های زیر است:

- جاهلیت چیست و به چه دوره‌ای اطلاق می‌گردد؟
- ویژگی‌های فرهنگ جاهلیت از منظر آیات و روایات کدام‌اند؟
- قرآن کریم با فرهنگ جاهلیت چگونه برخورد کرده است؟

۱. آشنایی اجمالی با شبه جزیره عربستان

مردم عربستان به دودسته تقسیم می‌شدند:

۱. بیابان گردان: صفت بارز آنان بدوی بودن، داشتن آزادی فردی و مهمان‌نوازی بوده است. اشخاص ضعیف می‌توانستن به اشخاص قوی‌تر پناه ببرند و حرفه عمومی بیابان‌گردان را گله‌داری شکل می‌داده است.

۲. شهرنشینان و روستائینان: حرفه اصلی شهرنشینان تجارت بود، ولی عده‌ای هم از طریق غارت، مال به دست می‌آوردند. خانه‌های روستاییان شهرنشین، برای محافظت از شر بدوی‌ها، از قلعه‌های محکم بوده است (فیاض، ۱۳۸۲، ۷). بیابان گردان را اهل «ویر» و شهرنشینان را اهل «مدر» می‌گفتند (اسماعیلی، ۱۳۹۱، ۴۶۱).

جامعه اعراب در آن زمان از گروه‌های کوچکی به نام «قبیله» تشکیل می‌شد. میان اعضای قبیله همبستگی شدیدی وجود داشت. در نظام قبیله‌ای اعراب، همیشه حق با قبیله خودی بود، حتی اگر متجاوز باشند. از این رو، در صورت بروز هرگونه تعدی به اعضای قبیله، همگی خود را نسبت به آن مسئول می‌دانستند و به حمایت از قبیله خود بر می‌خواستند (جوادی‌علی، ۱۹۷۶، ۳۲۰).

اعراب کل شبه‌جزیره به دو گروه بزرگ «قحطانی» و «عدنانی» تقسیم می‌شدند که نسب قحطانی‌ها به (قحطان) و عدنانی‌ها به اسماعیل^(ع) می‌رسد. قحطانی‌ها را (عاربة) یعنی اصلی و عدنانی‌ها را (مستعربه) یعنی عرب شده می‌گویند (فیاض، ۱۳۸۲، ۱۵). البته گروه‌های دیگری از اعراب نیز وجود داشته‌اند که به اعراب (بائده) یعنی منقرض شده شهرت دارند؛ زیرا آنان ساکنان اولیه شبه‌جزیره بوده‌اند که همگی در اثر عذاب‌های الهی از بین رفته و دیگر اثری از آن‌ها باقی نمانده است. (ابن خلدون، ۱۴۰۸، ۲، ۹). اعراب بائده احتمالاً همان قوم‌های (عاد)، (ثمود)، (طسم) و (جدیس) بوده‌اند (ابن العبری، ۱۹۹۲، ۹۳).

۲. اعتقادات و باورهای بنیادین

در اصطلاح قرآن و حدیث، به دوره عرب پیش از اسلام «جاهلیت» اطلاق شده است. در آن زمان، افکار اکثر جامعه کفرآمیز بود و اعتقادات شرک‌آمیز در بین مردم رواج داشت، البته تمامی این دوره را شرک و کفر فرانگرفته بود، بلکه گاه در گوشه و کنار، عقاید توحیدی نیز وجود داشت، مانند آیین حنیف که پیروان آن خداپرست بودند (حداد عادل، ۱۳۷۹، ۹، ۵۱۰).

بر اساس آیات قرآن کریم، مشرکین عرب موجودات مختلفی را به عنوان معبودان خویش مورد

تقدیس قرار می‌داند که از جمله می‌توان به نمونه‌های زیر اشاره نمود:

پرستش درختان به نام‌های (عزی) و (ذات انواط) را که به نظرشان عظمت و بزرگی داشتند. (ابن کلبی، ۱۳۴۸، ۱۸). آنان سنگ‌ها را نیز پرستش می‌کردند، مخصوصاً سنگ‌هایی که تحت تأثیر باد و باران به شکل‌های عجیبی درمی‌آمدند (حداد عادل، ۱۳۷۹، ۹، ۵۱۳). عده‌ای نیز مانند قبیله بنی ملیح به جن‌پرستی مشغول بودند؛ که قرآن کریم از آن‌ها این‌گونه یاد می‌کند: «وَجَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكَاءَ الْجِنَّ وَ خَلَقَهُمْ وَ خَرَقُوا لَهُ بَنِينَ وَ بَنَاتٍ بِغَيْرِ عِلْمٍ سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَى عَمَّا يُصِفُونَ.» (انعام، ۱۰۰)؛ آن‌ها برای خداوند از جنس جن شریکانی قائل شدند، درحالی‌که خداوند جن را آفریده است و آن‌ها برای خداوند پسران و دخترانی از روی نادانی معتقد شدند. او منزّه و برتر از آن است که در وصفش می‌گویند.

علاوه بر این، بت‌های ساخته خود را هم پرستش می‌کردند. از جمله بت‌های آن‌ها عبارت‌اند از: ودّ، سواع، یغوث، یعوق، نسر، چنانکه خداوند (جل جلاله) می‌فرماید: «وَقَالُوا لَا تَذَرُنَّ آلِهَتَكُمْ وَ لَا تَذَرُنَّ وَدًّا وَ لَا سُوَاعًا وَ لَا يَغُوثَ وَ يَعُوقَ وَ نَسْرًا.» (نوح، ۲۳)؛ و گفتند: از خدایان خود صرف‌نظر نکنید مخصوصاً از بت‌های ودّ، سواع، یغوث و یعوق و نسر. لات، عزی، مناة از دیگر بت‌های دست‌ساخته‌ای عرب جاهلی بوده است: «أَفَرَأَيْتُمُ اللَّاتَ وَ الْعُزَّى، وَ مَنَاةَ الثَّالِثَةَ الْأُخْرَى.» (نجم، ۱۹-۲۰)؛ آیا بت‌های لات و عزی و منات که سومین آن‌هاست را دیدید؟

آن‌ها خدایی را هم می‌شناختند به نام «الله» که آن را خدای خدایان یعنی ارباب خدایان می‌دانستند (حداد عادل، ۱۳۷۹، ج ۹، ص ۵۱۳). طبق آیات قرآن، آنان «الله» را خالق آسمان‌ها و زمین برمی‌شمردند: «وَلَمَّا سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضَ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ.» (لقمان، ۲۵)؛ اگر از آن‌ها بپرسی: چه کسی آسمان‌ها و زمین را آفریده است؟ خواهند گفت: خدا. بگو: سپاس خدا را. بلکه بیشترشان نادان‌اند. البته آن‌ها نیازهای خود مثل جلب روزی، دفع آفات و بلاها، رفع نگرانی‌ها، حفظ کیان قبیله و... را از بت‌های خود طلب می‌کردند (اسماعیلی، ۱۳۹۱، ۴۵۰) آنان اعتقاد به سرنوشت غیرقابل‌تغییر داشتند و از این‌رو به کفایت روی آوردند (حداد عادل، ۱۳۷۹، ۹، ۵۱۳). نکته قابل‌توجه اینکه در آن زمان ستاره‌پرستی، خورشیدپرستی و ماه‌پرستی نیز وجود داشت؛ که بیشتر در بین مردم جنوب عربستان رواج داشت. (جوادی، ۱۳۸۰، ۵، ۲۸۲) از این‌رو، خداوند مشرکان را در گمراهی آشکار معرفی می‌کند. «لَقَدْ

مَنْ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ. (آل عمران، ۱۶۴)؛ خدا بر مؤمنان انعام فرمود، آنگاه که از خودشان به میان خودشان پیامبری مبعوث کرد تا آیاتش را بر آن‌ها بخواند و پاکشان سازد و کتاب و حکمتشان بیاموزد، هرچند از آن پیش در گمراهی آشکاری بودند.

در شبه جزیره عربستان، یهودی و مسیحی نیز وجود داشت؛ یهودی‌ها افرادی ثروتمند و صاحب‌مال و زمین بودند و به تجارت و کشاورزی می‌پرداختند. یهودیان در مکه در حومه شهر زندگی می‌کردند، ولی در مدینه جایگاه اجتماعی خاصی داشتند که مهم‌ترین یهودیان مدینه سه قبیله «بنی نضیر»، «بنی قینقاع» و «بنی قریظه» بودند. مسیحیان نیز به صورت پراکنده در بین اعراب زندگی می‌کردند و در سرزمین‌های شمال غربی و شمال شرقی عربستان و نجران و شام وجود داشتند و دولت حبشه و روم شرقی هم پشتیبان مسیحیان بودند. دین دیگری نیز در شبه جزیره عربستان وجود داشت که به دین حنیف معروف بود، اینان یکتاپرست بودند و از آیین ابراهیم^(ع) پیروی می‌کردند و در جامعه جایگاه خاصی داشتند (قاسمی، ۱۳۸۹، ۲۰۴). از جمله عقاید زشت اعراب، انکار قیامت و معاد بود. در آیات بسیاری از قرآن کریم، به بی‌اعتقادی مشرکان به قیامت و معاد اشاره شده است: «إِلَهُكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ فَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ قُلُوبُهُمْ مُنْكَرَةٌ وَهُمْ مُسْتَكْبِرُونَ.» (نحل، ۲۲)؛ خدای شما خدایی است یکتا؛ و آنان که به آخرت ایمان ندارند دل‌هایشان انکار کند و خود کبر فروشند.

۳. آداب و رسوم عرب جاهلی

۳-۱. سنت‌های زشت

مهم‌ترین عقیده زشتی که در بین اعراب وجود داشت، شرک بود یعنی آنان به جای خداوند یکتا، به پرستش چیزهای دیگر می‌پرداختند. این ویژگی و دوری از درگاه خداوند، خود مهم‌ترین دلیل برای رواج سنت‌های زشت در بین مردم آن زمان بود. این کارهای زشت که در بین مردم دوران جاهلیت رواج داشت عبارت‌اند از:

۱-۳-۱. زنده‌به‌گور کردن دختران

قرآن کریم یکی از ویژگی‌های زشت عرب جاهلی را زنده‌به‌گور کردن دختران دانسته و بیان می‌دارد

که اگر در آن زمان به مردی خبر می‌دادند که همسرش دختر به دنیا آورده، چهره‌اش از شدت ناراحتی سیاه می‌شد و بسیار غضبناک می‌گردید: «وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُم بِالْأُنْثَىٰ ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ.» (نحل، ۵۸)؛ و چون به یکی‌شان مژده دختر دهند، سیه‌روی شود و خشمگین گردد. از این رو نمی‌دانست که آیا آن دختر را با قبول ننگ نگهدارد، یا زنده‌به‌گور کند: «يَتَوَارَىٰ مِنَ الْقَوْمِ مِنْ سُوءِ مَا بُشِّرَ بِهِ أَيُمْسِكُهُ عَلَىٰ هُونٍ أَمْ يَدُسُّهُ فِي التُّرَابِ أَلَا سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ.» (نحل، ۵۹)؛ از شرم این مژده، از مردم پنهان می‌شود. آیا با خواری نگاهش دارد یا در خاک نهانش کند؟ آگاه باشید که بد داوری می‌کنند؛ بنابراین از آنجاکه نمی‌توانستند دختر را بپذیرند، دختران خود را زنده در خاک پنهان می‌کردند. همچنین قرآن کریم بیان می‌دارد که در قیامت از دختران زنده‌به‌گور شده سؤال خواهد شد که به چه گناهی کشته شده‌اند: «وَإِذَا الْمَوْءُودَةُ سُئِلَتْ، بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ.» (تکویر، ۸-۹)؛ و چون از دختر زنده‌به‌گور شده پرسیده شود که به چه گناهی کشته شده است.

این سنت در قبایل (بنی تمیم)، (بنی اسد)، (بنی قیس)، (هذیل)، (بکر بن وائل) و (کنده) رواج بیشتری داشت. گفته شده است که عده‌ای، زنی را که می‌خواست زایمان کند، به کنار چاهی می‌بردند، اگر بچه‌اش دختر بود، آن را در همان چاه دفن می‌کردند و اگر پسر بود، با خود می‌آوردند (طبرسی، ۱۳۸۰، ۱۶، ۷۷۵). البته طبق فرموده خداوند در قرآن کریم، رسم فرزندکشی اعم از دختر و پسر در بین آن‌ها شایع بوده است: «قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ قَتَلُوا أَوْلَادَهُمْ سَفَهًا بِغَيْرِ عِلْمٍ وَحَرَّمُوا مَا رَزَقَهُمُ اللَّهُ افْتِرَاءً عَلَى اللَّهِ قَدْ ضَلُّوا وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ.» (انعام، ۱۳۷)؛ زیان کردند کسانی که به سفاکت بی‌هیچ حجتی فرزندان خود را کشتند و به خدا دروغ بستند و آنچه را به ایشان روزی داده بود حرام کردند. اینان گمراه شده‌اند و راه هدایت را نیافته‌اند؛ اما باید در نظر داشت که آن‌ها بین دختر و پسر تبعیض قائل بوده‌اند؛ چراکه به دلیل برتر دانستن پسر، آن را برای خود می‌خواستند و خداوند را دارای دختر می‌دانستند؛ یعنی آن‌ها ملائکه را دختران خدا می‌پنداشتند «أَفَأَصْفَاكُمْ رَبُّكُم بِالْبَنِينَ وَاتَّخَذَ مِنَ الْمَلَائِكَةِ إِنَاثًا إِنَّكُمْ لَتَقُولُونَ قَوْلًا عَظِيمًا.» (اسراء، ۴۰)؛ آیا پروردگارتان برای شما پسران برگزید و خود فرشتگان را به دختری اختیار کرد؟ حقا که سخنی است بزرگ که بر زبان می‌آورید. نکته قابل توجه اینکه در همان زمان نیز افرادی بودند که با این کار مخالف بودند و هست مواردی که شخصی با خریدن دختر از والدینش جان او را نجات می‌داد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵، ۱۱، ۲۷۴).

درباره اینکه به چه دلیل اعراب دست به این کار می‌زدند، باید گفت که دلایل مختلفی وجود دارد از جمله:

۱. فقر و قحطی؛ زیرا دختران همانند پسران نمی‌توانستند کمک‌کار والدین باشند و برای ترس از فقر آن‌ها را می‌کشتند: «وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِنْ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُكُمْ وَإِيَّاهُمْ» (انعام، ۱۵۱)؛ و از بیم درویشی فرزندان خود را مکشید. ما به شما و ایشان روزی می‌دهیم.

۲. برقرار کردن تعادل جمعیت؛ زیرا در اثر جنگ‌ها مردان زیادی جان خود را از دست می‌دادند و تعادل جمعیتی به هم می‌خورد.

۳. بی‌ارزشی زن، به‌طوری‌که زن را انسان نمی‌دانستند.

۴. ترس از اینکه ناموسشان به دست دشمن اسیر شود.

به نظر می‌رسد دلیل اول و چهارم اصلی‌تر بوده‌اند، درباره دلیل چهارم آمده است: دختران قیس بن عاصم از بنی تمیم در جنگی اسیر شدند، ولی برنگشتند (حتی بعد از بازخرید) به‌جز آن‌هایی که ازدواج نکرده بودند. از این رو عهد کرد که دخترانش را بعد از این در همان هنگام تولد بکشد و دیگران را نیز به این کار تشویق کرد (علم الهدی، ۱۳۷۹، ۱، ۴۱؛ سبحانی، ۱۳۷۶، ۱، ۴۸).

در پایان باید گفت که در آن زمان، بین زن و مرد نیز تبعیض وجود داشت: «وَقَالُوا مَا فِي بُطُونِ هَذِهِ الْأَنْعَامِ خَالِصَةٌ لِّذُكُورِنَا وَمُحَرَّمٌ عَلَىٰ أَزْوَاجِنَا وَإِنْ يَكُنْ مِيتَةً فَهُمْ فِيهِ شُرَكَاءُ» (انعام، ۱۳۹)؛ و گفتند: آنچه در شکم این چارپایان است برای مردان ما حلال و برای زنانمان حرام است و اگر مردار باشد زن و مرد در آن شریک‌اند. از جمله تبعیض‌های اعراب نسبت به زنان این بود که آنان را از ارث محروم می‌کردند؛ بنابراین خداوند بیان می‌دارد که زنان نیز ارث می‌برند: «لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ مِمَّا قَلَّ مِنْهُ أَوْ كَثُرَ نَصِيبًا مَّفْرُوضًا» (نساء، ۷)؛ از هر چه پدر و مادر و خویشاوندان به ارث می‌گذارند، مردان را نصیبی است؛ و از آنچه پدر و مادر و خویشاوندان به ارث می‌گذارند چه اندک و چه بسیار آنان را نیز نصیبی است، نصیبی معین.

۲-۳-۱. شراب‌خواری و فحشا

درباره نوشیدن شراب باید گفت که آن‌ها تا اندازه‌ای به این کار انس گرفته بودند که به‌راحتی حاضر به ترک آن نبودند، به همین خاطر اسلام نوشیدن شراب را به‌تدریج و در چهار مرحله زیر حرام

اعلام کرد.

«وَمِنْ ثَمَرَاتِ النَّخِيلِ وَالْأَعْنَابِ تَتَّخِذُونَ مِنْهُ سَكَرًا وَرِزْقًا حَسَنًا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ.» (نحل، ۶۷)؛ و از میوه‌های نخل‌ها و تاک‌ها شرابی مستی‌آور و رزقی نیکو به دست می‌آورد و خردمندان را در این عبرتی است.

«يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَإِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِنْ نَّفْعِهِمَا.» (بقره، ۲۱۹)؛ تو را از شراب و قمار می‌پرسند. بگو: در آن دو گناهی بزرگ و سودهایی است برای مردم؛ و گناهشان از سودشان بیشتر است.

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَى حَتَّى تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ.» (نساء، ۴۳)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، آن گاه که مست هستید گرد نماز مگردید تا بدانید که چه می‌گویید. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رَجَسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ.» (مائده، ۹۰)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، شراب و قمار و بت‌ها و گرو بندی با تیرها پلیدی و کار شیطان است، از آن اجتناب کنید تا رستگار شوید؛ بنابراین به‌طور طبیعی کسی که به خوردن شراب بپردازد؛ چون از حالت عقل خارج می‌شود، در نتیجه به هر عمل خلاف عفت نیز دست می‌زند مانند فحشا و فسادهای جنسی. به نظر می‌رسد که اعراب به شکل علنی و آشکارا به فحشا و زناکاری می‌پرداخته‌اند؛ زیرا خداوند در قرآن کریم بیان می‌دارد که به فحشا نپردازید، چه به‌صورت علنی باشد و چه پنهانی: «وَلَا تَقْرَبُوا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ مَا بَطْنٌ.» (انعام، ۱۵۱)؛ و به کارهای زشت چه پنهان و چه آشکارا نزدیک مشوید.

اعراب به دلیل تبعیت از پدران خود، به فحشا می‌پرداختند: «وَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً قَالُوا وَ جَدْنَا عَلَيْهَا آبَاءَنَا وَ اللَّهُ آمَرْنَا بِهَا.» (اعراف، ۲۸)؛ چون کار زشتی کنند، گویند: پدران خود را نیز چنین یافته‌ایم و خدا ما را بدان فرمان داده است. در صورتی که این توجیه از جانب خداوند قابل قبول نیست. مهم‌ترین مصداق فحشا در بین اعراب زنا بوده است که خداوند به شکل خاص آنان را از این کار برحذر می‌دارد: «وَلَا تَقْرَبُوا الزَّانِيَ إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَ سَاءَ سَبِيلًا.» (اسراء، ۳۲)؛ و به زنا نزدیک مشوید. زنا، کاری زشت و شیوه‌ای ناپسند است.

۳-۱-۳. برهنه شدن در طواف خانه خدا

یک سنت غلط دیگر که در بین اعراب رواج داشت، برهنه طواف کردن بود، علت آن، این بود که

متولیان کعبه خود را از بقیه افراد برتر می‌دانستند و به این منظور برای خود لباس‌های مخصوص به نام «حُمس» قرار داده بودند تا هنگام طواف از آن لباس‌ها استفاده کنند؛ بنابراین برای کسانی که از متولیان کعبه نبودند و از جاهای دیگر به منظور زیارت خانه خدا می‌آمدند، مقرر کرده بودند که تنها در صورتی می‌توانند به طواف خانه خدا پردازند که لباس حمس را پوشیده باشند و یا اینکه اگر با لباس خود به طواف می‌پردازند، می‌بایست بعد از طواف لباس‌های خود را دور بیندازند. به همین خاطر عده زیادی که لباس حمس را نداشتند و نمی‌توانستند آن را تهیه کنند و از طرفی حاضر به دور ریختن لباس‌هایشان نیز نمی‌شدند، برهنه و عریان به طواف خانه خدا می‌پرداختند. (نوری، ۱۳۶۰، ۲۸۸).

۴-۳-۱. جنگ و خونریزی

اعراب علاوه بر فحشا، به تجاوز و ستمکاری نیز می‌پرداختند که خداوند در قرآن کریم آن‌ها را از این کار برحذر می‌دارد می‌فرماید: «قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّي الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ مَا بَطَّنَ وَ الْإِثْمَ وَ الْبَغْيَ بِغَيْرِ الْحَقِّ.» (اعراف، ۳۳)؛ بگو: پروردگار من زشت‌کاری‌ها را چه آشکار باشند و چه پنهان و نیز گناهان و افزونی جستن به ناحق را، حرام کرده است. آنان همچنین به کشتار یکدیگر می‌پرداختند که خداوند آن‌ها را از این کار نهی نمود: «وَ لَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَ مَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيهِ سُلْطَانًا فَلَا يَسْرِفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا.» (اسراء، ۳۳)؛ کسی را که خدا کشتنش را حرام کرده است مکشید مگر به حق؛ و هر کس که به ستم کشته شود، به طلب‌کننده خون او قدرتی داده‌ایم. ولی در انتقام از حد نگذرد که او پیروزمند است. جنگ و خونریزی از افتخارات اعراب به شمار می‌آمد. آنان در اشعار خود، این خصلت زشت را مورد ستایش قرار می‌دادند و بنابراین ترک آن را ننگی برای خود به حساب می‌آوردند به همین خاطر به بهانه‌های اندک جنگ و خونریزی برپا می‌کردند و گاهی این جنگ و خونریزی‌ها سالیان دراز به طول می‌انجامید.

ازجمله بهانه‌هایی که موجبات جنگ را به وجود می‌آورد، می‌توان به: راه زنی، شهوت‌پرستی، زورگویی و... اشاره کرد. اعراب علاوه بر جنگ‌ها، در بین خود نیز به خونریزی می‌پرداختند، ازجمله آن‌ها قربانی کردن کودکان در برابر بت‌ها بوده است، به‌طوری‌که مثلاً پسر خردسال را می‌آوردند و در جلوی بت سر می‌بریدند تا باعث برکت آن‌ها شود. (سبحانی، ۱۳۷۶، ۵۷).

خداوند بیان می‌دارد که اعراب در گذشته با یکدیگر دشمنی داشتند، بنابراین خداوند به آن‌ها نعمتی عطا کرد و آن اینکه میان دل‌های آن‌ها الفت و دوستی برقرار ساخت: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا لِلَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا.» (آل عمران، ۱۰۳)؛ و همگان دست در ریسمان خدا زنید و پراکنده مشوید و از نعمتی که خدا بر شما ارزانی داشته است یاد کنید: آن هنگام که دشمن یکدیگر بودید و او دل‌هایتان را به هم مهربان ساخت و به لطف او برادر شدید. از این‌رو از جنگ و خونریزی فاصله گرفتند.

۵-۳-۱. خرافات

خرافه‌های بسیاری در بین اعراب وجود داشت. از جمله مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: اعتقاد به ارتباط ارواح و کهکشان‌ها؛ روشن کردن آتش برای باریدن باران؛ کتک زدن گاو نر برای آب نوشیدن گاو ماده؛ شتر نر سالم را داغ می‌زدند تا شتر ماده بیمار شفا یابد؛ شتری را کنار قبری دفن می‌کردند تا میت در هنگام حشر بر آن سوار شود و در آن روز بدون وسیله نماند؛ (بنابراین به نظر می‌رسد که انکار قیامت و معاد، در بین اعراب عمومیت نداشته است)؛ کشتن شتری بر سر قبر میت به خاطر احترام به آن میت؛ اگر زنی بچه‌هایش بعد از تولد زنده نمی‌ماندند، می‌بایست به عقیده آن‌ها هفت بار بر کشته مرد بزرگی قدم بگذارد تا بچه‌هایش زنده بمانند؛ هنگامی که گم می‌شدند، لباس‌هایشان را درآورده و وارونه می‌پوشیدند تا به اهلشان بازگردانده شوند؛ بر گردن مارگزیده و عقرب‌گزیده زیورآلات طلایی می‌آویختند تا شفا یابد؛ اگر علائم جنون در کسی ظاهر می‌شد، برای درمان او کهنه آلوده و استخوان مردگان را به گردنش می‌آویختند؛ برای رهایی بچه‌هایشان از دیوزدگی، دندان روباه و گربه را با نخ به گردن بچه‌ها می‌آویختند؛ برای درمان کورک لب و دهان بچه‌ها، مقداری نان و خرما به سگ‌ها می‌دادند؛ به کسی که بیماری ریختن پوست بدن داشت، آب دهان می‌مالیدند؛ اگر کسی بیماری‌اش ادامه می‌یافت، معتقد بودند که حیوانی متعلق به دیوها را کشته است و از این‌رو برای پوزش طلبیدن هدایایی را در برابر سوراخ کوه می‌گذاشتند؛ اگر از بیماری وبا و یا از دیو در روستایی می‌ترسیدند، در دروازه آن روستا، ده بار صدای الاغ از خود درمی‌آوردند؛ اگر از خیانت زنان خود می‌ترسیدند، برای اطمینان نخ را به شاخه درختی می‌بستند و سپس به مسافرت می‌رفتند، اگر موقع بازگشت نخ به حال خود باقی بود، زن خیانت نکرده و اگر مفقود شده بود، زن را به خیانت متهم می‌کردند؛ اگر دندان فرزندشان می‌افتاد، آن را

با دو انگشت به آسمان پرتاب کرده و از آفتاب می‌خواستند دندان‌های بهتر از آن به فرزندشان بدهد. (علم الهدی، ۱۳۷۹، ۱، ۷۴؛ سبحانی ۱۳۷۶، ۱، ۵۷؛ یوسفی غروی، ۱۳۸۳، ۱، ۱۲۱).

۶-۳-۱. تعصب و تقلید کورکورانه

از جمله ویژگی‌های اعراب طبق بیان قرآن کریم، تعصب بوده است: «إِذْ جَعَلَ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْحَمِيَّةَ الْحَمِيَّةَ الْجَاهِلِيَّةَ» (فتح، ۲۶)؛ آنگاه که کافران تصمیم گرفتند که دل به تعصب، تعصب جاهلی سپارند. آنان نسبت به زبان عربی تعصب داشتند، از این رو خداوند بیان می‌دارد که اگر قرآن به زبان دیگری نازل می‌شد، آن را نمی‌پذیرفتند و می‌گفتند که آن را درک نمی‌کنیم: «وَلَوْ نَزَّلْنَاهُ عَلَى بَعْضِ الْأَعْجَمِينَ، فَقَرَأَهُ عَلَيْهِمْ مَا كَانُوا بِهِ مُؤْمِنِينَ.» (شعراء، ۱۹۸-۱۹۹)؛ اگر آن را بر یکی از عجمان نازل کرده بودیم و بر ایشان می‌خواندش، بدان ایمان نمی‌آوردند؛ بنابراین آن‌ها نسبت به زبان خود تعصب بی‌جا داشتند، درحالی که این تعصب آن‌ها از روی بهانه‌جویی بوده است؛ زیرا باینکه قرآن به زبان عربی نازل شد، بازهم به آن ایمان نیاوردند. آنان نسبت به آیین بت‌پرستی خود نیز تعصب داشتند. «إِنْ كَادَ لَيُضِلَّنَا عَنْ آلِهَتِنَا لَوْلَا أَنْ صَبَرْنَا عَلَيْهَا وَسَوْفَ يَعْلَمُونَ حِينَ يَرَوْنَ الْعَذَابَ مَنْ أَضَلُّ سَبِيلًا.» (فرقان، ۴۲)؛ اگر به خاطر خدایانمان سرسختی نمی‌کردیم نزدیک بود که ما را از پرستششان گمراه کند. چون عذاب را ببینند خواهند دانست چه کسی گمراه‌تر بوده است.

آنان در آداب و رسوم خود به تقلید کورکورانه از پدران خود می‌پرداختند و می‌گفتند که چون پدران خود را در این راه یافتیم، خودمان نیز در این راه قدم برمی‌داریم: «وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا أَلْفَيْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوْ لَوْ كَانَ آبَاؤُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ شَيْئًا وَلَا يَهْتَدُونَ.» (بقره، ۱۷۰)؛ چون به ایشان گفته شود که از آنچه خدا نازل کرده است پیروی کنید، گویند: نه ما به همان راهی می‌رویم که پدرانمان می‌رفتند. حتی اگر پدرانمان بی‌خرد و گمراه بوده‌اند. آنان همچنین بیان می‌داشتند که حضرت محمد (ص) می‌خواهد آنان را از آیین پدرانشان دور کند: «وَإِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ قَالُوا مَا هَذَا إِلَّا رَجُلٌ يُرِيدُ أَنْ يَصُدَّكُمْ عَمَّا كَانَ يَعْبُدُ آبَاؤُكُمْ.» (سبا، ۴۳)؛ چون آیات روشن ما بر آنان خوانده شد، گفتند: جز این نیست که این مردی است که می‌خواهد شما را از آنچه پدرانتان می‌پرستیدند بازدارد. از این رو بر راه و رسم گمراه خود پافشاری می‌کردند.

۷-۳-۱. فخر فروشی و امتیازات طبقاتی

اعراب بر یکدیگر فخر فروشی می‌کردند و دچار خودپرستی بودند به گونه‌ای که هرکس فقط خود را انسان و دارای فضایل و مقامات والا می‌دانست و دیگران را به حساب نمی‌آورد و به راحتی به آن‌ها اهانت می‌کرد. در واقع ارزش انسانی در بین آن‌ها از بین رفته بود و هرکس به دنبال منافع خود و خانواده‌اش بود. آنان برای ثروت، نژاد، زبان و... امتیاز قائل بودند و از این رو کسانی که نژاد اصیل عربی و ثروت زیاد و زبان فصیح داشتند، در طبقات بالای زندگی قرار می‌گرفتند و به این ترتیب مردم عربستان به دودسته تقسیم می‌شدند:

الف. ثروتمندان که امکانات رفاهی و پست‌های حکومتی در اختیار آن‌ها بود.

ب. فقیران که به وسیله ثروتمندان اذیت و آزار می‌شدند و مورد شکنجه قرار می‌گرفتند و حتی در بعضی موارد افرادی که نژاد پایین داشتند مثل سیاه‌پوست را به بردگی و غلامی می‌گرفتند. (نوری، ۱۳۶۰، ۶۱۵).

۸-۳-۱. رباخواری و قمار بازی

از جمله کارهایی که در بین اعراب رواج داشته، قمار بازی بوده که خداوند از آن نهی کرده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ.» (مانده، ۹۰)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، شراب و قمار و بت‌ها و گرو بندی با تیرها پلیدی و کار شیطان است، از آن اجتناب کنید تا رستگار شوید. قمار بازی نشان‌دهنده این است که اعراب می‌خواستند به واسطه آن خودنمایی کنند و ثروت خود را به رخ دیگران بکشند و اینکه بی‌اعتنا در صرف آن هستند. رباخواری نیز در بین معاملات آن‌ها وجود داشت و از این کار پروایی نداشتند. آنان برای رسیدن به سود بیشتر به این کار روی آورده بودند که خداوند آنان را از این کار نیز بر حذر داشته است: «الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ.» (بقره، ۲۷۵)؛ آنان که ربا می‌خورند، در قیامت چون کسانی از قبر برمی‌خیزند که به افسون شیطان دیوانه شده باشند.

۹-۳-۱. نکاح و طلاق

با آنکه اعراب غیرت بی‌جا نشان می‌دادند و دختران خود را زنده‌به‌گور می‌کردند، ولی سنت‌های غلط و مفسادی در زمینه ازدواج داشتند و آن ازدواج‌های گوناگون بود که عبارت‌اند از:

الف. نکاح الاستیضاح: یعنی اینکه مردی زنش را نزد مرد دیگری بفرستد تا مدتی نزد او بماند و باردار شود، آنگاه نزد شوهرش برگردد. مثلاً اگر مردی دوست داشت بچه‌ای دلاور داشته باشد، زنش را نزد مردی دلاور می‌فرستاد.

ب. نکاح الرهط: یعنی اینکه جمعی از مردان (کمتر از ده نفر) با یک زن ازدواج می‌کردند و همه با او رابطه داشتند و اگر بچه‌ای متولد می‌شد، آن زن بچه را به یکی از شوهرانش نسبت می‌داد و او موظف بود تکفل بچه را بر عهده بگیرد.

ج. نکاح البدل: یعنی اینکه وقتی مردی از همسر مرد دیگری خوشش می‌آمد، به او پیشنهاد می‌کرد و زن‌های خود را تا مدت معینی باهم عوض می‌کردند.

د. نکاح المقت: یعنی اگر مردی می‌مرد، زنش (نامادری بچه‌هایش) به پسر بزرگش به ارث می‌رسید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَحِلُّ لَكُمْ أَنْ تَرِثُوا النِّسَاءَ كَرْهًا.» (نساء، ۱۹)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، شما را حلال نیست که زنان را برخلاف میلشان به ارث ببرید؛ و اگر پسری نداشت و یا وارثی نداشت، به یکی از مردان فامیلش تعلق می‌گرفت و می‌بایست به اجبار با آن شخص ازدواج می‌کرد.

هـ. نکاح الجمع: یعنی زنانی بودند که به بی‌بندوباری مشهور بودند و بر در خانه‌های خود پارچه‌ای سیاه نصب می‌کردند و هر مردی می‌توانست به خانه آن‌ها وارد شده و با آن‌ها رابطه برقرار کند و این زنان از این راه کسب درآمد می‌کردند. البته اکثر این زنان کنیزانی بودند که صاحبان آن‌ها برای آن‌ها چنین خانه‌هایی را فراهم کرده و آنان را مجبور به این کار می‌کردند: «وَلَا تُكْرِهُوا فَتِيَاتِكُمْ عَلَى الْبِغَاءِ إِنْ أَرَدْنَ تَحَصُّنًا لِيَبْتِغُوا عَرَضَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَمَنْ يَكْرِهِنَّ فَإِنَّ اللَّهَ مِنْ بَعْدِ إِكْرَاهِهِنَّ غَفُورٌ رَحِيمٌ.» (نور، ۳۳)؛ و کنیزان خود را اگر خواهند که پرهیزگار باشند به خاطر ثروت دنیوی به زنا وادار مکنید. هر کس که آنان را به زنا وادارد، خدا برای آن کنیزان که به اکراه بدان کار وادار گشته‌اند آمرزنده و مهربان است. اگر این زنان بچه‌دار می‌شدند، قیافه شناسان بچه را به یکی از مردان نسبت می‌داد و او می‌بایست آن بچه را تحت تکفل می‌گرفت. درباره عده نگه‌داشتن زنان نیز باید گفت که آن‌ها پس از مرگ شوهرشان، می‌بایست یک سال با لباس‌های کثیف بالای قبر شوهر عزاداری می‌کردند و در این مدت حق شستشو و استفاده از زیورآلات را نداشتند و بعد از اتمام عده نیز باید گوسفندی را پرورش داده و آب و غذا می‌دادند و سپس آن را به قدری می‌زدند تا بمیرد و سپس

پشگل گوسفند را در منطقه‌ای دور دفن می‌کردند، آنگاه می‌توانستند با مرد دیگری ازدواج کنند. طلاق‌های گوناگونی نیز در بین اعراب وجود داشت که از این قرارند:

الف. ایلاء: یعنی اینکه مردی قسم می‌خورد تا با همسرش هم‌بستر نشود و او را تا آخر عمر معذب نگاه می‌داشت.

ب. ظهار: یعنی اینکه وقتی مردی از زنش ناراحت می‌شد، به او می‌گفت که توبه منزله مادر برای من هستی و دیگر به او نزدیک نمی‌شد: «وَمَا جَعَلَ أَرْوَاحَكُمْ اللَّائِي تُظَاهِرُونَ مِنْهُنَّ أُمَّهَاتِكُمْ.» (احزاب، ۴)؛ و زنان را که مادر خود می‌خوانید مادران قرار نداد.

ج. ضرار: یعنی اینکه مردانی زن خود را بارها طلاق می‌دادند و هر بار قبل از پایان یافتن عده رجوع کرده و باعث آزار زن می‌شدند. آنان حتی بعد از گرفتن طلاق از شوهرشان تنها در صورتی می‌توانستند با مرد دیگری ازدواج کنند که از شوهر اول اجازه بگیرند (نوری ۱۳۶۰، ۶۱۵).

۲-۳. سنت‌های پسندیده

علاوه بر سنت‌های زشت و رفتارهای ناپسند، کارهای شایسته‌ای نیز در بین اعراب وجود داشت که عبارت‌اند از:

۱-۳-۲. مهمان‌نوازی

اگر مهمانی می‌آمد و همچنین اگر کسی به کس دیگری پناه می‌آورد و از او امان می‌گرفت، آن شخص تا پای جان از او محافظت می‌کرد و خیانت کردن به مهمان را گناهی بزرگ می‌دانستن. برای نمونه می‌توان به جریان پناهندگی حضرت محمد (ص) توسط مطعم بن عدی در بازگشت از طائف اشاره کرد که آن حضرت تحت حمایت مطعم و همراهانش به سلامت وارد مکه شد و هیچ‌یک از مشرکان متعرض او نشدند. (مقریزی، ۱۴۲۰، ۱، ۴۶).

۲-۳-۲. وفای به عهد

وفای به عهد، یک خصلت پسندیده است، مگر اینکه پیمان و عهدی که با یکدیگر بسته‌اند، به زیان جامعه باشد. زندگی بادیه‌نشینی این خصلت را بر اعراب جاهلی تحمیل کرده بود. از جمله نمونه‌های وفای به عهد در بین اعراب، پیمان حلف الفضول است (عاملی، ۱۳۸۴، ۱، ۱۷۲).

۳-۲-۳. شجاعت

با توجه به شرایط آن زمان و وجود حیوانات درنده، هر شخصی موظف بود تا شخصاً خود و خانواده خود را از خطرات حفظ کند و برای مواجهه با این مشکلات نیاز به شجاعت بود. از این رو شجاعت در میان آن‌ها فضیلت زیادی داشت (عاملی، ۱۳۸۴، ۱، ۱۷۱).

۴-۳-۲. حمایت از مظلومان

روحیه حمایت از مظلومان در بین اعراب وجود داشت؛ چراکه در آن زمان که اکثر مردم عرب به چپاولگری و غارت می‌پرداختند، عده‌ای مظلوم که توان مقاومت نداشتند، صدمه‌های زیادی می‌دیدند. از این رو اعراب در برخی موارد برای حمایت از مظلومان، باهم هم‌پیمان می‌شدند. از جمله نمونه‌های هم‌پیمانی اعراب برای حمایت از مظلومان، پیمان حلف الفضول است (ابن کثیر، ۱۴۰۷، ۲، ۲۹۰).

۵-۳-۲. قصاص

مسئله خون در میان آنان وجود داشت، به طوری که اگر شخصی از قبیله، شخص دیگری را می‌کشت، او را به واسطه کشتن آن شخص، قصاص می‌کردند، ولی گاه از روی افراط فقط به کشتن قاتل اکتفا نمی‌کردند و مخصوصاً در خصومت‌های بین قبیله‌ای علاوه بر کشتن قاتل، عده‌ای از افراد آن قبیله را نیز می‌کشتند. اسلام این ویژگی اعراب را تأیید کرد و آن را مورد قبول دانست، ولی از افراطی‌گری‌هایی که در این کار وجود داشت، جلوگیری کرد و آن را اصلاح نمود؛ بنابراین خداوند در قرآن کریم آنان را از اینکه علاوه بر قاتل، اشخاص دیگری را به قتل برسانند، برحذر داشت: «وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيهِ سُلْطَانًا فَلَا يَسْرِفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا» (اسراء، ۳۳)؛ کسی را که خدا کشتنش را حرام کرده است مکشید مگر به حق؛ و هر کس که به ستم کشته شود، به طلب‌کننده خون او قدرتی داده‌ایم. ولی در انتقام از حد نگذرد که او پیروزمند است.

۶-۳-۲. حرام شمردن برخی ماه‌ها برای جلوگیری از جنگ و خونریزی

اعراب به منظور جلوگیری از جنگ و خونریزی، چهار ماه رجب، ذی القعدة، ذی الحجه و محرم را حرام می‌شمردند و در آن به جنگ و خونریزی نمی‌پرداختند. در قرآن نیز از جنگ و خونریزی در ماه‌های حرام نهی شده است: «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الشَّهْرِ الْحَرَامِ قِتَالٍ فِيهِ قُلْ قِتَالٌ فِيهِ كَبِيرٌ» (بقره،

(۲۱۷)؛ تو را از جنگ کردن در ماه حرام می‌پرسند. بگو: جنگ کردن در آن ماه گناهی بزرگ است. همچنین حرم مکه در جاهلیت برای مشرکان محل امن بوده است: «أَوَلَمْ تُمْكِنْ لَهُمْ حَرَمًا آمِنًا يُجِبِي إِلَيْهِ ثَمَرَاتُ كُلِّ شَيْءٍ رِزْقًا مِنْ لَدُنَّا وَلَكِنْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ.» (قصص، ۵۷)؛ آیا آن‌ها را در حرمی امن جای نداده‌ایم که همه گونه ثمرات در آن فراهم می‌شود و این رزقی است از جانب ما؟ ولی بیشترینشان نمی‌دانند؛ بنابراین از جنگ و خون‌ریزی در حرم مکه نیز پرهیز می‌نمودند. به این واسطه تا اندازه‌ای از جنگ و خون‌ریزی فاصله می‌گرفتند، ولی باین حال در مواردی این حرمت شکسته شد و در ماه‌های حرام نیز به جنگ پرداختند.

آنان برای توجیه عمل خود؛ یعنی جنگ و خون‌ریزی در ماه‌های حرام، به جابه‌جایی ماه‌های حرام می‌پرداختند: «إِنَّمَا النَّسِيءُ زِيَادَةٌ فِي الْكُفْرِ يُضَلُّ بِهِ الَّذِينَ كَفَرُوا يُحْلُونَهُ عَامًا وَيَحَرِّمُونَهُ عَامًا لِيُوَاطِّئُوا عِدَّةَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ فَيَحْلُوا مَا حَرَّمَ اللَّهُ زَيْنَ لَهُمْ سُوءَ أَعْمَالِهِمْ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ.» (توبه، ۳۷)؛ به تأخیر افکندن ماه‌های حرام، افزونی در کفر است و موجب گمراهی کافران. آنان یک سال آن ماه را حلال می‌شمردند و یک سال حرام تا با آن شمار که خدا حرام کرده است توافق یابند. پس آنچه را که خدا حرام کرده حلال می‌شمارند. کردار ناپسندشان در نظرشان آراسته گردیده و خدا کافران را هدایت نمی‌کند.

نتیجه‌گیری

۱. به دوره عرب پیش از اسلام در اصطلاح «جاهلیت» می‌گویند که در آن شرک و کفر و سنت‌های زشت بسیاری رواج داشت، البته تمامی دوره جاهلیت را شرک و کفر فرانگرفته بود، بلکه خداپرستی و سنت‌های پسندیده نیز وجود داشت.
۲. علت نام‌گذاری این دوره به جاهلیت از باب غلبه کل بر جزء بوده است؛ یعنی از آنجاکه شرک و کفر و طرفداران آن در جامعه عرب جاهلی اکثریت بوده‌اند، به این نام خوانده شده است.
۳. زنده‌به‌گور کردن دختران؛ سوت و کف زدن و برهنه شدن در طواف خانه خدا؛ شراب‌خواری و فحشا؛ تجاوز و جنگ و خون‌ریزی؛ خرافات؛ تعصب و تقلید کورکورانه؛ فخر فروشی و امتیازات طبقاتی؛ قماربازی و رباخواری و ازدواج‌ها و طلاق‌های گوناگون، از سنت‌های زشت عرب جاهلی هستند. اعراب با این سنت‌های زشت خو گرفته بودند، از این رو به راحتی حاضر

به ترک آن‌ها نبودند.

۴. مهمان‌نوازی؛ وفای به عهد؛ شجاعت؛ حمایت از مظلومان و هم‌پیمانی در آن؛ قصاص و حرام شمردن بعضی ماه‌ها برای جلوگیری از جنگ و خون‌ریزی، از سنت‌های پسندیده عرب جاهلی هستند. این سنت‌های پسندیده تنها در مواردی محدود به خاطر حس نیکوکاری انجام می‌شد، ولی در بسیاری موارد برای خودنمایی و فخرفروشی بوده است.

۵. نمی‌توان سنت‌های پسندیده عرب جاهلی را نادیده گرفت؛ زیرا همین سنت‌ها بود که در نهایت فطرت خفته بسیاری از آن‌ها را بیدار کرد و تأثیر بسزایی در هدایت آن‌ها داشت. همچنین اثرات این سنت‌های پسندیده بر جای مانده است.

۶. با نگاهی به جهان امروز پی می‌بریم که سنت‌های زشت عرب جاهلی، بار دیگر بروز کرده و کشورهای بسیاری را به خود مشغول ساخته‌اند؛ بنابراین برای رهایی از این سنت‌های زشت، باید به عبرت‌آموزی از تاریخ پرداخت و راه پیامبر اسلام (ص) را ادامه داد.

فهرست منابع و مآخذ

قرآن کریم.

۱. آیتی، محمدابراهیم، ۱۳۶۱. تاریخ پیامبر اسلام، تجدیدنظر و اضافات: ابوالقاسم گرجی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، دوم.
۲. ابن العبری، ۱۹۹۲. تاریخ مختصر الدول، تحقیق: انطون صالحانی یسوعی، بیروت: دارالشرق، سوم.
۳. ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد، ۱۴۰۸. دیوان المبتدأ والخبر فی تاریخ العرب والبربر و من عاصرهم من ذوی الشأن الاکبر، تحقیق: خلیل شحاده، بیروت: دارالفکر، دوم.
۴. ابن عبدالبر، ۱۴۱۲. الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، تحقیق: علی محمد بجای، بیروت: دارالجيل، اول.
۵. ابن کثیر، ابوالفداء اسماعیل بن عمر، ۱۴۰۷. البدایه و النهایه، بیروت: دارالفکر.
۶. ابن منظور، ۱۴۰۸. لسان العرب، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
۷. ابن هشام، بی تا. السیره النبویه، تحقیق: مصطفی سقا، ابراهیم ابیاری و عبدالحفیظ شلبی، بیروت: دارالمعرفه.
۸. اسماعیلی، مهدی، ۱۳۹۱. دایرة المعارف قرآن کریم، تهیه و تدوین پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی و مرکز فرهنگ و معارف قرآن، قم: مؤسسه بوستان کتاب، اول.
۹. انیس، ابراهیم، ۱۳۷۵. المعجم الوسیط، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ششم.
۱۰. بلاذری، احمد بن یحیی، ۱۹۵۹. انساب الاشراف، تحقیق: محمد حمیدالله، مصر: دارالمعارف.
۱۱. جواد علی، ۱۹۷۶. المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، بیروت: دارالعلم للملایین.
۱۲. حداد عادل، غلامعلی، ۱۳۷۹. دانشنامه جهان اسلام، تهران: بنیاد دایره المعارف اسلامی.
۱۳. حسینی دشتی، سید مصطفی، ۱۳۷۹. دایرة المعارف جامع اسلامی، مؤسسه فرهنگی آرایه، سوم.
۱۴. حموی، یعقوب بن عبدالله، ۱۹۹۵. معجم البلدان، بیروت: دار صادر، دوم.

۱۵. دوزی، رین هارت، ۱۳۹۷. تکمله المعجم العربیه، ترجمه به عربی محمد سلیم نعیمی، عراق: دارالرشید.
۱۶. سبحانی، جعفر. ۱۳۷۶. فروغ ابدیت، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، سیزدهم.
۱۷. سعیدیان، عبدالحسین، ۱۳۷۶. کشورهای جهان، انتشارات علم و زندگی، چهارم.
۱۸. سمعانی، ابوسعید عبدالکریم بن محمد، ۱۳۸۲. الانساب، تحقیق: عبدالرحمن بن یحیی معلمی یمانی، حیدرآباد، مجلس دایرة المعارف العثمانیه.
۱۹. سید جوادی، احمد؛ خرم شاهی، بهاءالدین؛ وفانی، کامران. ۱۳۸۰. دایره المعارف تشیع، تهران، نشر شهید سعید محبی، دوم.
۲۰. شوشتری، محمدتقی، ۱۴۱۷. قاموس الرجال، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دوم.
۲۱. طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۸۰. مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ترجمه علی کرمی، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، اول.
۲۲. طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، ۱۳۸۷. تاریخ الأمم و الملوک، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، دارالتراث، دوم.
۲۳. طریحی، فخرالدین، ۱۴۱۴. مجمع البحرین، قم: مؤسسة البعثة.
۲۴. عاملی، جعفر مرتضی، ۱۳۸۴. سیرت جاودانه، ترجمه و تلخیص کتاب الصحیح من سیره النبی الأعظم^(ص)، ترجمه محمد سپهری، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، اول.
۲۵. عبد الباقي، محمد فؤاد، ۱۳۸۷. المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم، بحاشیه المصحف الشریف، تهران: انتشارات اسلامی، نهم.
۲۶. علم الهدی، محمدمباقر، ۱۳۷۹. خورشید اسلام چگونه درخشید؟ تهران: انتشارات میقات، اول.
۲۷. فیاض، علی اکبر، ۱۳۸۲. تاریخ اسلام، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چهاردهم.
۲۸. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب ۱۴۱۹۷. قاموس المحيط، اشراف: محمد نعیم عرقسوسی، بیروت: مؤسسة الرسالة، ششم.

۲۹. قاسمی حامد، مرتضی، ۱۳۸۹. درس‌هایی از زندگی پیامبران اولوالعزم، تهران: انتشارات ماشی، اول.